

LIBRARY OF CONGRESS
6
JAN 14 1982
CONF. COPY
ORDER DIVISION

نون

Ketabton.com





ببرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان و رئيس شوراي انقلابي هنگام ملاقات و صحبت با اعضای هيأت اجرائيه انجمن نويسندگان آسيا و افريقا در مقر شوراي انقلابي

اقتصاد و قيام مردم مملکت

د افغانستان د خلق دموکراتيک
 حکومت د مرکز کمیته د عمومی
 منشی اود افغانستان د دموکراتيک
 جمهوریت د انقلابی شورا د رئیس
 ببرک کارمل لخواه فلسطین لای

ببرک کارمل منشي عمومي کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان (یازده) قبل از ظهر ۱۳ نویسندهگان آسیا و افریقا رابرای ملاقات در قصر گلخانه مقر شورای انقلابی پذیرفتند و در فضا نهایت دوستانه با ایشان صحبت نمودند.

...

از طرف ببرک کارمل منشي عمومي کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان تیلگرام تبریکه عنوانی نیکو لای چایسکو منشي عمومي حزب کمونیست و رئیس جمهور جمهوری ترومانیا به مناسبت روز ملی آنکشور به بخارست مخابره شده است.

...



د افغانستان د خلق دیموکراتیک حکومت د مرکزی کمیته د سیاسی بیرونی او منشي داکتر صالح مجاهد زیری د مرکزی کمیته د ډولنیزو علومو د انستیتوت د خاوندوی د پوهنځی د فارغانو د بری لیکونو د ویشلو حال کی .



دائره کانتی ننتال په هوتل کسي دآسيا او افريقا دخلکو دپيو ستون دسازمان د رئيسه هيات د اختتاميه غونډې يوه گونډه .

علي البدل بيروي سيا سي کميته مرکزی حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان رئيس هيات مد يره ووزير معادن وصنا يع درحالیکه معين او ل وزارت ما ليه و هيات هاي نظار وعا مل حاضر بودند تشكيل جلسه داد .

پوهنډوی دو کتور فقير محمد يعقوبی وزير تعليم و تربيه و رئيس هيات افغانی درسی و هشتمين کنفرانس بين المللی تعليم و تربيه منعقد ژنيو روز ۸ قوس به کابل بلا گشت .

دبهرنيو چارو و زير شاه محمد دوست د ملگرو ملتو د عمو می اسامه مبلی په غونډه کی له گډون څخه وروسته دقوس په ۴ نيټه له نيويارک څخه کابل ته راستون شو .

دافغانستان دخلک دمو کراتیک گوند د مرکزی کميته د سياسي بيروي نور احمد نهد دغروب په ۳۰ نيټه له غرمي مخکی دخپل کاربه دفتر کی دبهرين دنمايندگی د هيات له رئيس سره چی دآسيا او افريقا دخلکو دپيوستون د سازمان رئيسه هيات په لسمه غونډه کې دپون په غرض کابل ته راغلی دی وکتل .

دافغانستان د دمو کراتیک جمهوريت د سروبی پيوستون او دوستی دسازمان رئيسی داکتری اناهيتراتب زاد دقوس په ۳ نيټه دخپل کاربه دفترکی دبليزیک او فرانسې دپيوستون دکميته دنمايندگی دهياتو نو له مشرانوسره چی دافريقا او آسيا دخلکو دپيوستون دسازمان درئيسه هيات په غونډه کې له گډون نه وروسته په کابل کی دی وکتل .

هيات مديره شرکت نسبا می کلیمد افغان تحت ريا ست ديپلوم انجنير محمد اسمعيل دانش عضو

دقوس ۷ نيټه له غرمي مخکی دمراسمو په ترڅ کی دگوند دمرکزی کميته دسياسي بيروي دغرمي او منشي داکتر صالح محمد زبيري له خوا وويشل شول .

داکتر زبيري دپری ليکونو له ويشلو څخه مخکی بداسی حال کی چی دکورنيو چارو وزير سيد محمد کلاب زوی هم حاضر وو دانقلاب دارزيستونو او دغلی حاکميت ددفاع په کار کی دخارندوی دوظيفو او رسالت په باب زياتی خبری وکړی او هغوی یی زموږ دټولنی په انقلابی شرايطو کی دخپلو له مسووليت نه ډکو او مېمو وظيفو ترسره کولو ته له پخوا زيات توجه کړل .

دآسيا او افريقا دليکوالو دټولنی داجرايه هيات خلورمه غونډه دقوس په ۱۳ نيټه له غرمي وروسته په آريانا هوتل کی پيل شوه .

سره بين المللی پيو ستون د هيات نمايندگی له امله يو پيغام شوي دي .

دپه ي بېر ک کار مل منشي کميته مرکزی حزب دمو - خلق افغانستان ورئيس شريف و زحمتکش مرکز و ولايت سمگان روز ه ملی يک گرد هما يی و سيعی برید جنرال گل آقا رئيس امور سياسي قوا ي مسلح شد که از طرف حضاربا سات گرم وپر شور استقبال

دافغانستان دخلک دموکراتیک گوند مرکزی دټولنيزو علومو دانستيتوت دخارندوی دټولنيزو دوری د فارغانو پری ليکونه



دآسيا او افريقا دليکوالو دټولنی داجرايه هيات دخلور می غونډه يوه گونډه چی دآريانا په هوتل کی برانستل شوه

«افغانستان امروز تنها نیست بلکه در یک جنبه وسیع تمام کشورهای مرفعی، جنبش های آزادیبخش و نیروهای مرفعی در سر تاسرجهان و منجمله نویسندگان پر قدرت مانند اعضای انجمن نویسندگان آسیا و افریقا قرار دارد.»

ببرک کارمل

شنبه ۱۵ فوس ۱۳۶۰، ۲۸ نوامبر ۱۹۸۱

«افغانستان امروز تنها نیست»

انقلاب شکوهمند ثور که بنا بر اراده مردم زحمتکش و رنج دیده ما در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسیده و به حاکمیت قدرت های استبدادی و مستمکر تاریخ در کشور ما پایان داد و مردم ما را حاکم به سر نوشت شان کرد نه تنها در عرصه سیاست داخلی خود در جهت پیاده نمودن اهداف والا و انسانی اش به نفع اکثریت توده های میلیونی کشور ما پیروزی های چشمگیری را نصیب گردیده و روز تا روز پایگاه مردمی آن استحکام می یابد بلکه همچنان در عرصه سیاست خارجی خودموفقیات های بیشتر و بیشتری را کسب نموده و روز تا روز به اعتبار و حیثیت بین المللی آن افزوده می گردد.

علی الرغم آنکه ضد انقلاب و همه نیروهای عقبگرا که منافع حیاتی شانرا از دست داده اند و به خاطر بدست آوردن قدرت از دست رفته و منافع آزمندانه شان تلاش های مذبحخانه مینمایند و با وجود یکه امپریالیزم جهانی و در راس امپریالیزم جنایتکار امریکا و دستیاران بین المللی اش، همو نیزم و ارتجاع منطقه جنگ اعلام ناشده بی راعلیه کشور ما براه انداخته اند و با تجهیز و ارسال باند های مز دور و فروخته شده در مقابل دالر و کلدان بکشور ما مرتکب اعمال ضد انسانی می شوند و از انجام هیچ نوع جنایات ضد بشری تخریب و ویرانگری، قتل و آذ مکشی دریغ نمی ورزند و در زیر نقاب دروغین د فاسق از اسلام ضد اسلام عمل می کنند تا

بتوانند انقلاب ثور را به شکست مواجه سازند و یا حداقل جلورشده و پیشرفت آنرا سد نمایند. مگر از آنجایی که مردم زحمتکش ما بادرک و شناخت از حقیقت انقلاب ثور و ایمان خدشه ناپذیر به آرمان های انقلاب از حزب و دولت انقلابی شان دفاع نموده و در جهت حفاظت آن در مقابل هر گونه مداخلات و تجاوزات بیشتر مانه ارتجاع، همونیزم و امپریالیزم به خاطر شرف و آزادی حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور شان قاطعانه می رزمند و مواضع و سنگرها ی دشمنان یکی پی دیگری اشغال و کوبیده می شوند، انقلاب ثور به صورت چشمگیری مدارج عالی تکامل خود را می پیماید پیروزی هایی که درین روال نصیب حزب دولت و مردم انقلابی ما گردیده است تصادفی نیست زیرا از یک طرف مردم ما درین نبرد عادلانه شان بر حق بوده و به خاطر اعمار یک جامعه نوین و فارغ از هرگونه استثمار و مبتنی بر عدالت اجتماعی می رزمند و از جانب دیگر از حمایت و پشتیبانی بشریت مرفعی و همه نیروهای صلحدوست جهانی بر خوردار بوده، روز تا روز اعتبار و حیثیت بین المللی دولت انقلابی ما افزونی می یابد چنانچه ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی انقلابی و رئیس شورای انقلابی ج. د. ا. طی بیانیه افتتاحیه شان در چارمین اجلاس هیئات رئیسه انجمن نویسندگان آسیا و افریقا چنین گفتند: «افغانستان امروز تنها نیست بلکه

در یک جنبه وسیع تمام کشورهای مرفعی، جنبش های آزادی بخش و نیروهای مرفعی در سر تاسرجهان و منجمله نویسندگان پر قدرت مانند اعضای انجمن نویسندگان آسیا و افریقا قرار دارد.» آری افغانستان انقلابی در امر دفاع از استقلال و آزادی حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود از حمایت قاطعانه همه نیروهای صلحدوست و مرفعی جهان بر خوردار می باشد هیئات رئیسه انجمن نویسندگان آسیا و افریقا که به تعقیب هیئات رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا، چارمین اجلاس نوبتی خود را اخیرا در کابل دا پر کرد نمونه دیگری است از حمایت و همبستگی بشریت مرفعی با مردم و انقلاب افغانستان.

انجمن نویسندگان آسیا و افریقا که بیانگر حقوق و خواست های خلقهای آسیا و افریقا است و اعضای مرفعی این انجمن در جهت انعکاس واقعیت های اجتماعی قلم می زنند و طی اشعار نبشته ها و آثار انقلابی شان اهداف و آرزوهای خلقهای جهانرا ترجمانی می کنند اینک در جنبه قلم در پهلو می سرودم و انقلاب ما همچون دژ استوار ایستاده اند و از حقیقت انقلاب ثور و مردم افغانستان انقلابی با سلاح قلم دفاع مینمایند که این قدم دیگری است از همبستگی با انقلاب ثور و نماد دیگری است از اعتبار و حیثیت روز افزون بین المللی آن که حزب و دولت انقلابی ما به آن می بالند و به آن اهمیت زیادی قایل اند.

این موضوع در پیام وزیران ج. د. ا. عنوانی اجرائیه انجمن نویسندگان افریقا چنین انعکاس می یابد در تدویر جلسه شما در کابل زیادی فایده هستیم. زیرا شما پر جسته ترین نماینده فرهنگی ملل آسیا و افریقا انقلابی ما پس از تدویر مؤثر جلسه هیئات رئیسه سازمان و همبستگی خلقهای آسیا در کابل نشانه دیگری است از پشتیبانی خلقهای آسیا و افریقا از انقلاب ما و از نبرد پر حق کشان سر زمین انقلابی ما. حقانیت انقلاب ما حلقه های تر اذهان عامه جهان را فرا و ج. د. ا. از اعتبار و حیثیت افزون بین المللی بر خوردار گردیده است.

در این شماره

- انقلاب کبیر اکتوبر و جنگ داخلی
- دولتین دیکتاتور سره پیوستون
- درخشش ادب دری در عصر ظهیر
- آیا معیوبیت همای دوره طفولیت تداوی است
- موج دیگری از همبستگی با انقلاب افغانستان
- معرفی و بررسی کتاب
- سازمان ملل متحد و قضیه فلسطین
- وده ها مطلب خواندنی دیگر
- شرح روی جلد
- یک زن افغان در لباس ملی
- شرح پشتی چهارم
- ستاره زیباروی از کشور شوراها

تپهر

هيله

جهانيان صلح خواه با ما است

ماده ششم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان حکم می کند که :

((در جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالیت های اتحادیه های کاری، سازمان های زنان، جوانان، انجمن های علمی، کلتوری، هنری و سایر سازمان های اجتماعی و دموکراتیک زحمتکشانش در صفوف خویش کارگران، معلمان، کسبه کاران، روشنفکران، سایر اهالی رابه مقصد بالا بردن شکل و ارتقای فعالیت های اجتماعی و تولیدی، تعمیم اهداف و طایف انقلاب نور و تامین منافع خاصه ایشان متحد می سازند. سوزیک و پشتیبانی می شود...))
رهبری انقلابی حزب و دولت را تا سی از همین حکم قانون اساسی موقت کشور ما در قدم اول به تاسیس سازمان ها و اتحادیه های اقدام نمود و سپس در راه رشد و تکامل این سازمان ها در عمل جدو جهد نموده و می نماید. در وسط کرد هم ایی های متعدد و تماس های وسیع با جهان صلح خواه و سازمان های دموکراتیک و مترقی، ارتباط سازمان های دموکراتیک با جهان تا مین نمود.

گردد هم ایی هیئتات اجرایی سازمان همبستگی آسیا - افریقا که دهمین دوره اجلاسیه آن می باشد نه تنها از نظر ارتباط و مقام همه با سازمان های همگون در کشور ما میباشد بلکه مویده اهمیت و پرستیژ مردم و کشور ما درجهان میباشد.

قبل از آنکه به ارتباط سفر این هیئتات مهم بحث شود لازم است تا مختصرا پیرامون تاریخچه تشکیل فعالیت های سازمان همبستگی

خلق های آسیا و افریقا سخن چند ارائه شود.

سازمان همبستگی خلق های آسیا - افریقا اولین بار در سال ۱۹۵۷ طی کنفرانسی که در شهر قاهره تشکیل گردید به میان آمد و دومین کنفرانس سازمان مذکور در ۱۱ اپریل سال ۱۹۶۰ در شهر ((کونا کوی)) دایر گردید.

سازمان همبستگی خلق های آسیا - افریقا که از بدو تا سپس خویش قسم های فراخی در راه همبستگی زحمتکشانش آسیا و افریقا برداشته قبل از جلسه جاری کابل آخرین جلسات شورای خویش را از تاریخ ۲۰ الی ۲۶ مارچ ۱۹۸۱ در عدن مرکز جمهوری دموکراتیک خلق یمن دایر گردید که هیئتات نما - یندگی جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت ریاست دکتور سس اناهیتا «راتبزاد» عضو بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس سازمان صلح و همبستگی جمهوری دموکراتیک افغانستان، در آن فعالانه شرکت جست و نه تنها توجه مشمولین کنفرانس را به وطن ما و انقلاب ما و اوضاع اطراف افغان - ستان جلب نمود بلکه تا پیش و پشتیبانی همه جا نه و بی شایبه هیئتات های نمایندگان کشورهای سازمان های مختلف مشمول کنفرانس را نیز جلب نمود.

اینک ما، مردم ما میزبان دهمین کنفرانس هیئتات اجراییه سازمان همبستگی خلق های آسیا و افریقا میباشند مردم ما در حالی از مهمانان قهرمان و ستاره های درخشان آسمان نویسنده گی خلق های آسیا و افریقا پذیرای می کنند که جنگ اعلام ناشده دشمنان

صلح و ترقی یعنی امپریالیزم و راس امپریالیزم امریکا، هممونیزم عظمت طلب چین و ارتجاع لجام گسیخته منطقه علیه کشور و مردم ما جریان دارد و مردم ما قهرمانان در دستگیر دفاع از میهن و دست آورد های انقلاب نور به خصوص مرحله نوین و تکاملی آن میباشند.

اهمیت اجلاس دهم هیئتات اجراییه سازمان همبستگی خلق های آسیا و افریقا درین مرحله احساس تاریخی در کابل در پهلوی آنکه حیثیت فزاینده و موقف برآورد زنده کشور ما در صف کشورهای صلح دوست و دموکراتیک فزونی می بخشد، نمایندگان مشمول کنفرانس به چشم سر حقا نیست انقلاب ملی و دموکراتیک مردم افغانستان را مشا هده می کنند بلکه علاوه بر آن این ستاره گان آسمان ادبیات خلق های آسیا و افریقا با دیدن حقیقت انقلاب نور نه تنها به قلب بودن و دروغ بودن تبلیغات سوء و غلط دستگاه های تبلیغاتی امپریالیزم و ارتجاع اضافه تر بی می برند بلکه پس از بازگشت به کشورهای شان منحیت وظیفه وجدانی حقایق سر سخت و روشن را در باره انقلاب نور و نبرد عادلانه مردم ما به مردم خویش و مردم سراسر جهان ابراز خواهند کرد و یکبار دیگر جهانیان از لابلای گفتار واقعی این نمایندگان واقعی در صفوف فشرده تر مویده و حامی انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ما خواهند شد.

به گفته بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک

افغانستان هنگام ملاقات با هیئتات اجراییه سازمان همبستگی خلق های آسیا و افریقا فرمودند که در عصر مانویسنده بیطرف وجود ندارد. شما نمایندگان خلق های آسیا و افریقا و ستارگان ادب این دو قاره از موضع طبقاتی مدافع زحمتکشانش هستید و هستند نویسنده گان اجیر که از منافع کثیف و آزماننده امپریالیزم و ارتجاع دفاع می نمایند لذا مردم ما در حالیکه از میزبان بودن این هیئتات صلح و همبستگی با افتخار پذیرای می کنند. یقین کامل دارند که مسافرت این هیئتات عالیقدر در پهلوی آنکه مویده دفاع کلیه بشریت صلح خواه و مترقی از داعیه برحق شان یعنی انقلاب نور و دست آورد های آنست، علایق مستحکم شانرا با خلق های رزمجو و حق طلب و صلح جوی جهان مستحکم تر می سازد.

اینک حالا مردم ما از برکت پیروزی انقلاب نور و بخصوص در مرحله نوین و تکاملی آن بیش از پیش توانسته اند همویت انقلابی و حماسه آفرین خویش را بسوی سراسر جهان تثبیت تر سازند. امروز در هیچ محفل سیاسی در هیچ نقطه جهان نخواهد بود که در آن راجع به انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ما، میهن ما و قهرمانی های خلق سخن زده نشود.

مردم میهن ما با پیروزی در نبرد خونین علیه امپریالیزم و ارتجاع دست نشانده اش نشان خواهند داد که علی الرغم تلاش آنها هویت و شخصیت خویش را از دست نداده بلکه بیش از پیش آنرا تثبیت نموده اند.

ما ایمان کامل داریم که امپریالیزم و ارتجاع با وجود قدرت جبروتی خویش شکست پذیر است و این حقیقت در آینده نه چندان دور به جهانیان یکبار دیگر ثابت خواهد شد. زنده باد همبستگی یکبار جو یا نه خلق های مبارز جهان.

گردهم آبی های اختصاصی ژوندون

مسائل: سیاسی، اجتماعی و خانوادگی

درباره نقد و انتقاد و فرهنگ و هنر

دشواریهای همگانی مردم در زمین

مسائل ترافیکی و ترانسپورتی

طرح و تنظیم: رؤوف راضی
حکم: راحله راضی خرمی

دربین جدول:

- ۱- سمونوال احمد علی احمدیار رئیس ترافیک
 - ۲- سمونل عبدالصیر شپیر معاون ریاست ترافیک
 - ۳- سمونیار عبدالرزاق مدیر ترافیک شهر کابل
 - ۴- محرم علی معاون باروالی کابل
 - ۵- سمونل عبدالباقی آمر پلان ریاست ترافیک
 - ۶- غلام حضرت زیارکش مدیر پروگرام های ملی بس
 - ۷- احمد غوث زلمی ژورنالیست
- شرکت داشتند.

را حله راضی خرمی:

پرداخت هفتگی نامه خانوادگی و اجتماعی ژوندون به مسائل ترافیکی و دشواریهای ترانسپورت شهری و وقف باری دیگر جدول ها و گردهم آبی های اختصاصی به بررسی و کاوشگری ریشه های این مشعل اجتماعی از آنجا ناشی می گردد که با همه تلاش پیگیری که از ارگانهای مسوول خدمات شهری وعامه در راه تنظیم شبکه ترانسپورت شهری بچشم می خورد، توزیع خدمات آن نه به نحوی است که مشکلات از میان برداشته شود و نه به گونه ای که مردم از آن راضی باشند. شهر کابل به گفته دست اندر کاران امور آمار و احصائیه گنجایش نیم میلیون نفر جمعیت را دارد و در چند سال اخیر شرایط

خاص انقلابی موجب گردیده است که بیش از یک میلیون و دو صد هزار نفر در آن ساکن گردد که همین موضوع انگیزه بی شده است برای بوجود آمدن نابسامانی در توزیع خدمات عامه شهری و افزایش دشواری ها در زمینه های مسکن، ترانسپورت، آب و برق و دیگر از این مانند ...

مسائل و امور ترانسپورت شهری و آنچه مجموع به ترافیک شهر مربوط می گردد از آن جهت مورد توجه ماست که کمتر همشهری و هموطنی است که در زندگی روزانه خود آنرا به عنوان یک دشواری تلقی نکند و از کمبود بس های شهری و عدم پارکینگ ها و بی توجهی رانندگان در برابر مقرره های ترافیک گله مند نباشد و نندون

به خواست گروهی فراوان از خوانندگان علاقمند به مسائل اجتماعی خود یکبار دیگر برابرلم ها و دشواری های خانواده ها در زمینه امور ترافیکی و ترانسپورتی را به جدول می گذارد و آرزو دارد این گفت و شنودهای صمیمانه و انگیزه جویی های پیگیرانه گامی باشد که در جهت از میان برداشتن آوارانه دغدغه طرح های بهتر، عملی تر و موثرتر در توضیح بهتر خدمات شهری و تنظیم آن به گونه ای که حد اکثر استفاده از حد اقل امکانات در جهت خدمت گذاری به مردم بعمل آید.

با چنین خواست و آرزویی جدول امروز را به کشایش می گیریم.

رؤوف راضی:

با مقدمه کوتاه می پیرامون اهداف هفتگی نامه ژوندون از تدویر گردهم آبی های اختصاصی و راه اندازی جدول هایش در بررسی دشواری های همگانی سخن را به مسائل ترافیکی و ترانسپورتی مردم کشانیده میگوید: - در شرایط کنونی و با توجه به ازدیاد روز افزون جمعیت شهری می توان گفت که تا مین خدمات شهری و در این شمار خدمات ترافیکی و ترانسپورتی در شمار ضرورت های اولی زندگی مردم در آمده است.

هفتگی نامه ژوندون به آن جهت مسایل ترافیکی و دشواریهای ترانسپورتی را برای دو مین دفعه به جدول می آورد که از سویی هیچ يك معضلاتی که در دور نخست سخن این

مجله با مسوولان امور به طرح آمد و رفت نگردیده و مشکل همچنان به شکل يك ناکشودنی وجود دارد و از سوی دیگر خانواده بی است که از کمبود بس های شهر از عدم پارکینگ های مناسب در نقاط مختلف شهر، از عدم رعایت مقرره های ترافیک به وسیله رانندگان و پیاده رو ها، از آلودگی پیاده رو ها به وسیله فرو شنندگان دور و واز ده ها مورد دیگر از این مانند شکایت نداشته باشد.

ما میکوشیم بدون رویه بینی و قشری گرای و بدون آنکه شرایط و امکانات را حل دشواریها از نظر دور بداریم با عین بینی بر رسی و انگیزه یابی سبب های نابسامانی ها در زمینه مورد بحث برداریم و بکوشیم با شناخت علت ها و راستین شرایط اجتماعی کاوشگر شیوه باشیم که با تطبیق آن اگر مشکلات را یکجا حل نمی توانیم، حد اقل از پهنای آن بکاه و ساحه آنرا هر روز تنگتر گردانیم.

مسائلی را که در این دور سخن به عنوان دشواری های اساسی به طرح می آوریم می توان در این موارد فشرده ساخت: - یک اینک:

قانون جدید ترافیک با مقرره های وابسته به آن به چه پیمانهای با خصوصیت مسوول تیبیک جامعه ما سازگاری دارد و می تواند خود را جهت تطبیقی بیابد و با اجرای آن رفوع و ضرورتها را در پیاده رو ها و نابسامانی های فعلی

این تنها هفتگی نامه ی همه خانوادہ های کشور به پاسخ بخش نخست پرسش های شما اشاره های چند را ابراز میدارم :

ریاست ترافیک به عنوان ترافیک مرکزی کشور، به منظور تامین امن و نظم جاده ، جلوگیری از احتمالاتی که منجر به حوادث ترافیکی می گردد و برای از میان برداشتن دشواری ها و معضله هایی که شما اشاره فرمودید مسوده قانون ترافیک را با مقرره های ضمیمه آن یعنی : جواز سیر و سایط نقلیه و جواز را تندمی ، سیر و حرکت ، را طرح و برای طی مراحل اداری آن به مقامات باصلاحیت سپرد که بعد از غور و مطالعه به تصویب آمد و مورد انفاذ قرار گرفت . در این قانون تلاش این بوده تا با در نظر-

گیری مصوبات کنوا نسیون منعقدہ زینوا هم حقوق ترافیک بین المللی رعایت گردد و هم بادرک درست و راستین شرایط و خصوصیت های تیک جا معه ما طرح مواد قانون به گونه یی باشد که جهت اجرایی و تطبیقی قوی داشته باشد . مادرموقع تدوین این طرح قانونی صرف به نظر مشاوران امور ترافیکی بسنده نکردیم ، بلکه به منظور اینکه تمام دشواری های تامین خدمات عامه در آن در نظر گرفته شود تماس هایی با ادارات وارگان هایی که با ترافیک

جاده ارتباط مستقیم دارند دعوت به عمل آوردیم و نظرخواهی کردیم که در این شمار می توان از شاروالی کابل ، آبوبرق ، پوهنتون کابل مخابرات ، وزارت تعلیم و تربیه ، ترانسپورت زمینی ، گمرکات ، مستوفیت ، وزارت تجارت ، شفاخانه نور و برخی موسسات دیگر نام گرفت .

ناتمام



نمایی از میزگرد ژوندون که پیرامون مسایل ترافیکی و ترانسپورتنی کشور دایرگردد .

می تواند تعیین گردد و مراقبت شود که موتور ها بیشتر از ظرفیت بار نداشته باشند ، باید در فاصله های معین در شاهراه ها پست های مراقبت بسیار و مجهز به تلفون وجود داشته باشد و ترافیک شاهراه مجهز به آمبولانس های مورد نیاز گردد و خیلی باید های دیگر که تاکنون به عمل نیامده است . و بالاخره پنج نکته :

امور ترانسپورتنی شهری چه وقت و باچه تدابیری به اصلاح می آید ، ملی بس این بگانه موسسه ترانسپورتنی شهری کابل چه وقت و با چه شرایط و امکاناتی توانایی این را می باید که خطوط مواصلات شهری خود را به نظم آورد و امریکانه علت کمبود بس های شهری به گفت آید تارفع مشکل اساسی و خریداری تعدادی بس تازه که در مجموع با تعداد بس های کنونی بتواند جوابگوی نیاز های ترانسپورت شهری باشد چه راه حل های موقتی برای بهبود و اصلاح وضع کنونی وجود دارد ؟

ایشناسایلی است که یک یک و به صورت جداگانه به جدل می آید و اکنون از رئیس ترافیک تقاضا داریم توضیح دهند که قانون جدید ترافیک چقدر می تواند در از میان برداشتن و یا کاهش بخشین به دشواری هایی که بر شهردیم موتور باشد ؟

رئیس ترافیک :

با ابراز تشکر و سپاس از وزین نامه ژوندون

گرفته شده تا احساس مسوولیت بی التفاتی های آنان در برابر امور ترافیکی کاهش یابد یا نه ؟

به عنوان مثال اگر مسوولان امور شهر - سازی و راه سازی بدون مشوره فنی مسوولان ترافیک ، به گونه یی اقدام به احداث راه های تازه شهری کنند که در آن فقط حجم گنجایش ترافیکی زمان تطبیق پروژه در نظر گرفته شده باشد و نه از سال های بعد ، در این صورت قانون جدید در این مورد خاص چه تجاوز واصل های جزایی را در نظر گرفته است ؟

چهار نکته :

موجودیت ترافیک شاهراه یک نیاز مبرم و حیاتی در امور ترافیکی کشور ماست ، شاهراه های ما باید مجهز به پارکینگ های مناسب در فاصله های معین باشند تا رانندگان در حاشیه سرک توقف نکنند و منجر به حوادث ترافیکی در شاهراه نگردند . در حالیکه تاکنون این ضرورت شاهراه ها بر آورده شده است .

همچنین باید سرعت موتور ها در شاهراه قابل کنترل و مراقبت باشد ، باید در فاصله های بیشتر از پنجاه کیلو متر در هر موتور دو راننده ایفا و وظیفه کنند تا با بروز احساس خستگی یکنفر راننده دو می بجای وی به هدایت موتور بر داند ، باید برای هر وسیله نقلیه مقدار وزن مجازی که برده

رایکی و ترانسپورتنی در چه حدی انتظار ده میشود و این انتظار چقدر با واقع بینی ، کار است ؟

دو دیگر اینکه :

در قانون جدید تاجه حدی خلا ها و کم است هایی که در قوانین و مقرره های پیشین وجود داشته است رفع گردیده ؟ به عنوان نشاندگی در همین بخش یادآوری کرد که قوانین پیشین ترافیک یک بعدی بوده و در مسایل جزایی تقریبا همیشه شامل رانندگان میشده است چنانکه ماکثر به یاد داریم برای پیاده روی که به سبب کم التفاتی بی توجهی هایش در سرک موتور و سبب حادثه های ترافیکی می گردید مورد مجازات قرار گیرد و یا در صورت مرگ و ی راننده بی گناه ره به زندان نبرده باشد .

سه آنکه :

باتوجه به این نکته که مسایل ترافیکی در بخش تطبیقی و اجرا بی اش تنها به ارگان بهمن ترافیک تعلق نگرفته بلکه ادارات دیگر ازمانند آبشاروالی ، مخابرات ، آبرسانی ، اداره برق ، نیز در آن سهم دارند و در صورتی که بی حلقه زنجیری ارتباطی میان این ادارات و با وجود نداشته باشد و هر یک از ارگان های بی حلقه در بخش های تامین خدمات شهری سهم ی تواند خود را به انجام نیا و رند ، اجرای کامل لغو در هر دو ها نا ممکن می گردد ، آیا در قانون مسایل تکلیفاتی هایی برای این ارگان ها در نظر

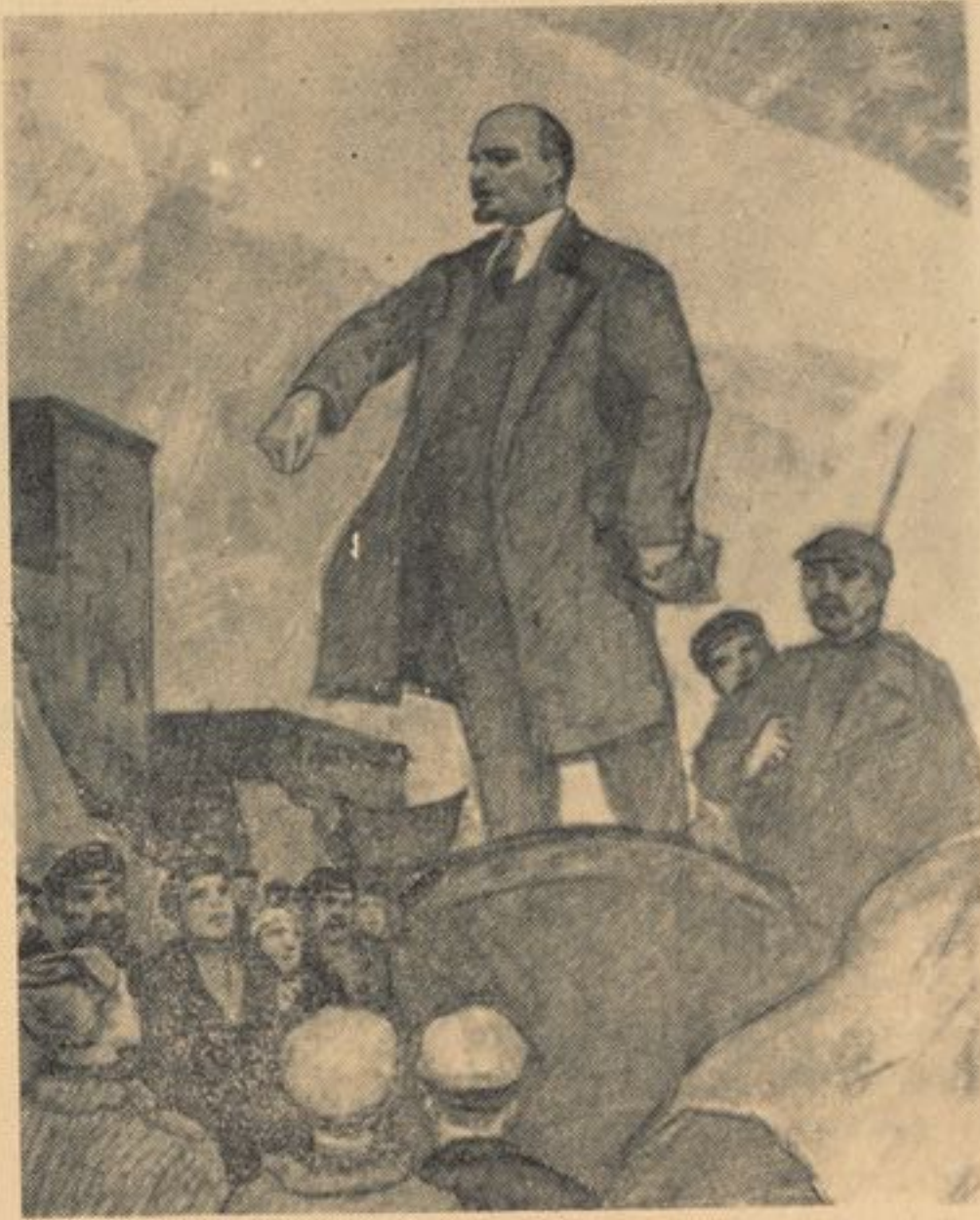
انقلاب کبیرا کتو پرو جنگ داخلی

بلشویک ها انقلاب سو سیاه

لستی را تدارک می بینند :

در شام سوم ایبریل ۱۹۱۷ کارگران بطرو گراد لنین را در خانه اش ملاقات کردند . او بعد از تبعید ده ساله در خارج به وطن برگشته بود . ستون های کارگران سیاهیان و دریانوردان در حالیکه سرود انقلاب را می خواندند مارش کنان در امتداد خیابان های پایین شهر به طرف استیشن راه آهن فنلند حرکت می کردند بیرق های سرخ سر بلند و با افتخار بر سه اعتراض در آورده می شدند با آنکه میدان پیش روی استیشن قبلا مسدود گردیده بود با وجود آنهم افواج مردم پشت سر هم می آمدند سپس دو موتر مسلح بداخل خیابان شدند و صدای بوق دوامدار ماشین ریل که به آهستگی به ایستگاه نزدیک می شد شنیده شد .

چند دقیقه بعد تر لنین داخل خیابان شد که با کشیدن هورا بدرقه گردید کارگران لنین را بر سر یکی از موتر های زرعی بالا کردند . لنین طی یک بیانیة مختصر خود شعار داد :



لنین هنگام سخنرانی در شهر بطرو گراد (۱۹۱۷)

((زنده باد انقلاب سو سیالیستی!))

فقط یکماه از انقلاب فبروری گذشته بود . هنوز بسیاری مردم به حکومت موقت اعتماد داشتند و از روی می بردند که این حکومت کاری را به نفع مردم انجام خواهد داد به مردم زمین توزیع خواهد کرد به فحطی و جنگ پایان خواهد داد در صورتیکه حکومت موقت از منافع ملاکان و سرمایه داران حمایت می کرد ، هیچ کاری انجام نداد و اصلا نمی خواست برای مردم کار کند . جنگ تباہ کن ادامه داشت و مردم از گرسنگی می مردند ملاکان هنوز زمین ها را و سرمایه داران فابریکات را در اختیار داشتند . هیچ تغییری به نفع هیچ یک از گروه های ملی و ملیت های ساکن روسیه بوجود نیامد ، او کراینی ها ، روسیه سفید

مخفی سازد . او در کنار در رازلف که از بطرو گراد کمی داشت بسر برد و در کارش را ادامه داد او در یک چوبی زندگی می کرد و هنگام شب بداخل یک چیری استری می نمود .

اگر چه او در یک سال خشک دریا زندگی می کرد عیوض چه دور و جدا از حزب کارگران نبود ، هرروز رفقای تازه و نامه های رفقای پیش می آوردند .

در ماه آگست کمیته مرکزی حزب فیصله کرد لنین باید به پرود زیرا اختفای بیشتر در بطرو گراد برایش خطرناک در آنجا لنین مستقیما تدارک انقلاب سو سیالیستی را گرفت بدستور وی دسته های گارد در فابریکه ها تشکیل گردید آگاه ترین و انقلابی ترین کارگران به دسته های قشون سرخ لنین تشکیل قشون سرخ را به انتخاب قوماندانان شناخته گارد سرخ یعنی کسانیکه نه قوای ضربتی می باشند بلکه هم لیاقت و مهارت تنظیم جنگ خیابانی را داشته باشند خیلی و ارزنده خواند .

بلشویک ها کار بزرگ تبلیغ را در میان اردو ادامه دادند بازاران و دریا داران از جنگ و مریض شده بودند . در تحریک رهنمای بلشویک ها سر بازاران افسران خود رو گردان شدند به عقب بلشویک ها آمدند این پیوستن سر بازاران به بلشویک ها بیشتر و بیشتر گردید و گرفت .

نظر به بدستور بلشویک دهاقین زمین های ملاکین را تصرف نمودند . تقریبا همه کارگزار فابریکات روسیه اعتصاب را کردند و طی آن تقاضای واگذاری قدرت را به شوراهای می نمودند

حزب بلشویک کارگران ، سربازان و دهقانان را برای انجام و به پیروزی رساندن انقلاب سو سیالیستی دعوت می کرد . او همیشه در اجتماع بزرگ کارگران و سربازان صحبت می کرد . حزب بلشویک روز تا روز قوی تر می شد چنانچه شش ماه بعد اعضای آن ده چند گردید .

حکومت موقت متوجه گردید که لنین خطرناکترین دشمن او است بنا بر این مان صادر کرد که او را دستگیر نمایند و حتی دستور قتل وی را طور مخفی داده بود . اگر چه حزب بلشویک به خاطر نجات جان رهبریشان ترتیبات لازم را گرفت بانهم لنین مجبور شد بار دیگر مانند دوران تزارها خود را

اوزبک ها و دیگر مردم هنوز مثل گذشته در تحت ظلم و ستم روس ها و اربابان روسی بودند فقط حکومت کارگران و دهقانان می توانست تمام نیازهای مردم را برآورده سازد مگر تاسیس چنین یک حکومت مستلزم یک انقلاب سو سیالیستی بود .

بلشویک ها به تبلیغات خود در بین طبقه کارگر و در میان سربازان ادامه میدادند . در روزنامه های شان از طریق اوراق تبلیغاتی به کارگران و سربازان توصیه می نمودند تا اتحادیه های خود را بسازند ، قدرت را بدست گیرند و زمین ها را از ملاکان بگیرند و جنگ را یکباره توقف دهند .

لنین از طریق روزنامه های

و صلح می خواستند. دهقانان
شکشان ستمدیده ملیت های
روسیه یکجا با کارگران و
کاروان روسی، به خاطر بدست
آوردن آزادی شان قیام نمودند.
های انقلاب سو سیاستی
و نزدیکتر می شد.

انقلاب کبیر سو سیاستی اکتوبر
(که قبلا آغاز گردیده بود) می باشد.
درین هنگام دسته های گارد
سرخ، سر بازان و دریا نوردان
به طرف سمو لنی مارش نمودند.
در میدان پیش روی موترها - موتر
سایکل ها و موتر های زرعی و
اسب های زین زده ایستاده شدند.
قبلا هیچگاه کسی چنین از-
دحام مردم بداخل اطراف و
گردور های سمو لنی بوجود نیامده
بوده است. در اینجا زوال صدا
ها و شرنگس اسلحه بگوش می
رسد زنگ قو مانده صریح نظا می
به صدا در آمد. در میان بلشویک
های سمو لنی، در ژینسکی،
سورد لوف، استالین و بودوا-

تیلگراف - مرکز تیلفون استیشن
های راه آهن و فابریکات برقی برای
آنها اهمیت حیاتی داشت تا آنها
بتوانند به آن وسیله اعمال قدرت
نمایند.

چونکه این نقاط اساسی در اختیار
کارگران و سر بازان انقلابی بود
حکومت موقت در قصر زمستانی
اش در انزوای کامل مانده و ارتباط
اش با سایر نقاط کشور قطع گردید
و قادر نبود که قطعات نظامی را به
کمک خود بخواند. حتی در پترو-
گراد هم این مجال را نداشت که
فرمانی صادر نماید زیرا دستگاه
تیلفون و تیلگراف در اختیار انقلاب-
بیون قرار داشت.

دسته های سر بازان - کارگران
و دریانوردان انقلابی در حالیکه

حکومت موقت را مصئون نگه دارد
مگر آنها به حیث آخرین امکانات
از آن استفاده می کردند. گروه
های سر بازان و دریا نوردان قصر
زمستانی را از چهار طرف محاصره
کردند. و حوالی ساعت ده شب
بیست و پنج اکتوبر با شروع فیر
ماشیندار دسته های گارد سرخ
استحکامات پیش روی قصر را
شکستند و به محوطه قصر هجوم
بردند اگر چه بلافاصله دروازه
غولپیکر آهنی قصر بسته شد مگر
دوباره بزودی آنرا باز کرد و به
داخل قصر سرا زیر گوردیدند.
افسران داخل قصر مقاومت می
کردند و از فراز پشته زینه ها و از عقب
پایه ها و ستون های سنگی قصر
فیر می نمودند دسته های قشون



درین تابلو یورش انقلابیون بر قصر زمستانی نشان داده است

قرار حا کمیته شورا هایدنیال
بویک ها حرکت نمایند.

انقلاب کبیر سو سیاستی

ولنی، مرکز رهبری انقلاب:
سمو لنی (دفاتر کمیته مرکزی
بلشویک) به حیث اداره
کاری قیام تعیین گردید، و این
ست همان جایی بود که لنین
راه با یک بلشویک و فادارش در
۲۴ اکتوبر از مخفی گاه خود به
رفت آنها تا یک قسمت راه
را می توانست باقیه راه را
گوجه های تاریک عبور نمودند
در کوچه های هرگز نمی
استند تصور کنند کسی را که با
کوچک و کلاه ساده کارگری
به طرف شان می آید، رهبر

یسکی حضور داشتند.
درین وقت لنین به سمو لنی رسید و
لیدر شیب قیام را عهده دار گردیده
و آنرا تا سر حد پیروزی رهبری
کرد.

طبق پلان مرتبه نخستین کاری
راکه لنین با رفقای همکارش انجام
داد عبارت از اشغال پل های بالای
دریای نیوا بود این پلها که به
آسانی از روی دریا برداشته شده
می توانست یگانه و سیله ارتباطی
بود که بدانوسیله حکومت موقت
می توانست قسمت پایین شهر
پترو گراد را از قسمت محلات کار
گری خارج شهر قطع نماید مگر
انقلابیون کنترول عام و تام این
پل ها را تا شام ۲۴ اکتوبر بدست
گرفتند. همچنان اشغال اداره

سرود های انقلابی را زمزمه
می کردند بداخل شهر مارش
کردند و تا شام ۲۵ اکتوبر تمام
شهر در اختیار آنها قرار
گرفت فقط قصر زمستانی هنوز
تصرف حکومت موقت باقیمانده
بود.

تصرف قصر زمستانی:
حکومت موقت استحکامات
شانرا در قصر زمستانی بوجود
آورد. دهلیز های فراخ، اطاق
های گشاد و راهرو های آن توسط
دسته های افسران و گروه های
وفادار به بورژوازی حفاظت و مرا-
قت می شد همچنان آنها میدان
پیش روی قصر را توسط سدها
بسته بودند باوجودیکه این استحکامات
بسیار بوده و نمی توانست

سرخ به پیش روی ادامه دادند تا
اینکه سرانجام داخل تعمیر شدند
جایی که در آن چند تن از ترس خود
را در گوشه ای گرفته بودند آنها
عبارت بودند از وزرای حکومت
موقت.

در حوالی ساعت دو بجه شب و
اوایل ساعات صبح حکومت موقت
بورژواها سقوط کرد و کارگران
و دهقانان قدرت را بدست خود
گرفتند. انقلاب سو سیاستی
به پیروزی رسید روز بیست و پنج
اکتوبر ۱۹۱۷ (مطابق تقویم جدید
مصادف به هفت نوامبر) به مناسبت
روزی که در آن انقلاب کبیر اکتوبر
به پیروزی رسید ثبت تاریخ گردید.
بقیه در صفحه ۳۵

گوداگیا نو په وسیله د فلسطیني عربو څخه ناڅه دوه ملیو نه اوسیدونکي په کده کو لو اخته کړیدی .

فلسطیني مېا رزین د خپلو روا - قو قو د تر لاسه کو لو له پاره دغه خاوره په خپلو وینو خړوبوی او نه پریریدی چی خپله دغه لر غو نی مینه دامپریا لیستی صهیو نیستا نو غوړه گو له شی دوی په پوره ویاړ سره د خپل انسا نی کرا مت ، شېها مت ، بت او نا موس د سا تنو له پاره بی شمیره سر ټیند نی کړیدی چی د نړی امپریالستانو او صهیونیستانو ته کلک غاښ ما توونکی گوزا ر گڼل کیږی .

اسرا نیلی گو دا کی دو لت د رامنځ ته کیدو له امله په ۱۹۴۸ کال کی ددغو اجیرا نو او فلسطیني مبارزینو تر منځ خو نړی جگړه پېښه شوه ، ور پسی په دغه لړ کی د ۱۹۶۷ کال خو نړی یو پېښو له امله داسفحال شویو سیمو څخه دنیمای ی فلسطیني او سیدو نکو دکپه کولو ترازیدی را منځ ته شوه خو په خواکی د فلسطیني مبارزینو وینی د خپلو حقو قو په تر لاسه کو لو کی لاپه جوش را غلی او خپلی نه ستړی کیدو نکي هلی ځلی یی د پوره بریا - لیتوب په لور لاپسی زیا تی کړی او ددوی د مبارزو طو فان ورځ په ورځ په بیاوړی تو گه پر مخ روان شو چی اوس د نړی ټول سو له خو ښه - ونکی او سو کا لی غو ښتو نکي خواکو نه د دوی ملاتړ او مر ستی ته ور دا نکي .

د ۱۹۶۷ کال جگړه دامپریا لیستی خواکونو د پلانونو د عملی کو لو پل گام ډبه دی جگړه کی اسرا نیلی گوداگیا نو د یو رشلم په غصبولو سر بیره د عربی هیوادونو یوه برخه هم ونیوله دغه پرا ختیاغو ښتو نکي جگړی د ۱۹۰۵ کال د صهیو نیستانو اوومی کنکری پلانو نه او پر یکړی پر مخ بیا یی .

د فلسطین خلک د دغو لو ټمارو په ټو لو سپری وژو نکو او خا وری نیونکو عملو نو ښه پو هید لی او دهغوی مبارزه په هر ډول چی وی دجگړه غو ښتو نکو داړه مارو په مقابل کی دکپوالو او نورو فلسطیني مبارزینو درواحقوقوادود خپلی خپلواکی

دنړی ټول خلک د فلسطین داتلو خلکو له نه ستړی کیدو و نکو هلو ځلو او مېا رزو څخه پوره خبر دی او په دغه هکله تل له دوی سره خپل پیو ستون او ملا تر پخړگندوی ، دنړی متر قی ډلی او حکومتو نه د نوامبر ۲۹ نیټه چی د قو س لسه ۸ نیټی سره سمون خوری د ۱۹۷۷ کال څخه راپه دیخوا ددغو اتلسو خلکو د پیو ستون په ویاړ لمانځی له دغی ورځی څخه د نما نخلسو ستر هدف د نړیوا لو متر قی خواکو نو لایو مو تی کیدل او دامپریا لیزم په ضد دکپوسنکر نیول دی تر څو چی د نړی مظلوم خلک ددایره - مارانو له نا ولو منکو لو او شوعو غرضونو څخه وژغور ل شی .

د فلسطین قهرمان ملت چی د صهیو لیزم او نړی یوال امپریا لیزم دناوړه او شو مو غرضو نو لسه مخی له خپلو رواحقو قو او پلر نی وطن څخه په زور ، ظلم سره بی - برخی ازیستل شوی دوی په پوره میړانه او بر یا لیتوب سره خپلی د بریا - لیتوب په لور مبارزی ته په ویاړ لی تو گه دوام ورکوی ، د دغو جنگیالیو اویاتورانو څخه نا څه یو نسل له خپل پلر نی کور (فلسطین) څخه بهر د دښمن سره د تودو جگړو په سنگرو نو کی زیږیدی لی او را لوی شویدی .

امپریا لیستی صهیو نیستا نو د خپلو شومو غرضو نو د سر ته رسو لو له پاره د یو تیری کوونکی دولت د را منځ ته کو لو پلانو نه جوړ او عملی کړل ، له همد غسی خیا نت نه په ډکی ورځی دغوداړمارو خواکو نو په ۱۹۱۷ کال کی د بالفور دمعاهدی له مخی د فلسطینیا نو په پلر نی مینه کی یو تیری کوونکی دولت په دی تو گه چی له اروپا یی هیواد و نو څخه یی د یهو دی صهیو نیستا نو ډلی را ټولی کړی او د اسرا نیلی گوداگیا نو تش په نوم دولت یی جوړ کړ .

د فلسطینیا نو پلر نی وطن څه نا څه پنځه څلو یښت پیړی لر غو نی تاریخ لری چی په او سنی تاریخ کی د ستړی تر ازیدی ستونزی په څیر د سیمی له پاره ډیره کړکیچنه مسا له ده څخه چی امپریا لیستا نو په دغه لر غو نی سیمه کی دخپلو

د څرگند وی لیکنه

د فلسطین له خلکو سره د پیوستون نړیواله ورځ

او پلر نی وطن او مینی د تر ټولو کو لو له پاره تل روا نه ده . دا څرگنده ده چی د فلسطین خلکو روا دا عیه په نړی کی دخپلو غوښتو نکو غورځنگونو لپاره د حیثیت لری او د نړی دخلکو د خپل دتامینو لو له پاره د مبارزی د ستون او یووالی کړی ده نو له همدغه امله د ټولی نړی سوله غوښتونکو غورځنگو نه ، خواکو نه او څو څښتو نه د دغی ستړی ستونزی حل کولو له پاره خپل پیو ستون څرگند وی .

که چیری وویل شی چی په سیمه کی پر ته له فلسطین څخه سو له منځ ته نه را ځی سمه به څکه چی دسو لی بنسټو نه ایجا چی د فلسطین د خلکو حقو ق خپلواک دولت دی تضمین او جوشی . فلسطیني مبارزین په دغه وایی :

پریریدی امپریا لیزم هر څه کوی هغه وکړی خو موږ په خپله ازاده دیوالی له سنگر څخه د انقلاب له پاره را پورته شوی ی ای د فلسطین خلکو ! تا سی فلسطین د انقلاب بتسب یا ستی ای د فلسطین خلکو ! تا سی فلسطین د انقلاب سرلیک او عنایت یاست .

ستا سی ملگری تر اوسه له سنگره دامپریا لیزم او صهیو نی په ضد جنگیږی ، موږ به د خپل پاکی خاوری خپلوا کی حتما تر لاسی کوو او په مبارزه کی د بر یا لیتوب په لور مخ په وړاندی روان یو .

د افغانستان دمو کراتیک جمهوریت د دولت د افغانستان د خلکو د کراتیک گوند تر بسمی او سالار لارښووی لاندی د افغانستان آزادو او خپلوا کو خلکو په نمایندگی تل د نړی په هر گوټ کی له منځ خواکو نو او دهغوی له مبارزو هر اړخیز ملاتړ کړی او کوی څرگنده ده چی افغانستان زېږون خلک د خپلو فلسطیني ورونو د او رښتینی غورځنگ سره پوره لری او تل له دوی سره خپل ماتیدو نکي ملاتړ او پیوستون څرگند وی .

درخشش ادب در عصر ظهیر

ادبی عراق تربیت و پرورش یافتند در تجدید سبک و تغییر شیوه جدید شعر نقش های موثری را بازی کردند و ایشان بیشتر کسانی بودند که در اثر ناآرامی و ناامنی خراسان دیار خویش را ترک گفته بودند. اما درین میان آخرین شخص که توانست شعر را تحت تاثیر اندیشه های ادبی و معنوی خود قرار دهد ظهیر فاریابی است.

درین دوره شاعران از حمایت و معاضرت سلاطین برخوردار بوده در شمار طبقات محترم جامعه به حساب می آمدند و به اصطلاح از زندگی خوب و نان وافر برخوردار بودند شعرا که سرمایه معنوی شاهان روز به حساب می آمدند کار اصلی شان مدح و تبلیغ بود هر چند مدح غرا و مبالغه آمیز مینمود مورد لطف و مرغوب خاطر ممدوح قرار میگرفت.

استفاده جویبی های فرمان روایان از کار شعر و شاعری زمینه را آماده بیکارهای شاعرانه ساخته بود چنانچه کشا کشا های قزمل ارسلان جهان پهلوان و تابک ابو بکر نمونه ایست ازین بیکارهای شاعرانه در قرن ششم چنانچه مدح و تبلیغ رسا و پر مبالغه شاعری را قرن بخشش و الطاف ممدوح قرار میداد کار شاعری خود درین عصر التزام سرمایه سنگینی را مینمود و شاعر بیکه در کسب دانش و تحصیل فنون زبان مشقات عظیم را بر خود هموار نمیساخت تا ممکن بود به جایی برسد. اندیشه موقف فاریابی و رسالت مندی اگر شاعران این دوره را مردان فاضل و زبان دان و آگاه و اندیشمند از

بقیه در صفحه ۵۴

ها تعداد زیادی از شاعران زمان را به تقلید از شیوه خود وا داشته است. سادگی کلام و استخدا م معانی و مضامین دقیق انوری با آغاز و ادامه پیرا و انش و افراط بیش از حد وضع را به جایی کشید که شعر بدون شرح و تفسیر نامفهوم گردید بر عکس عده دیگری افکار باریک، اصطلاحات و مطالب علمی را وارد دنیا ی شعر و ادب ساختند که سرانجام دشواری و ناهمواری شعر درونی را موجب گشت تغییرات و تحولاتی که دامنگیر انواع شعر گردید تشبیهات تازه مصراع و ادبیات عربی را وارد اشعار درونی ساخت چه درین عصر شاعران و نویسندگان دسترسی به زبان خود میدانستند و از آن در اندیشه بودند که اگر زبان درونی را در ادب دوباره زنده سازند شاید آثارشان در خور ارزش نباشد و بتأسی ازین گونه طرز تلقی و اندیشه ها از مایه های ادبی زبان خود کمتر استفاده و در عوض به تتبعات و تحقیقات در زبان عربی پرداختند خصوصیات و برانندگی های دیگر این عصر همانا اوج گیری غزل و غزل سرایی است البته با راه فاریابی مضامین دقیق و لطیف، غزل از حالت سادگی اولی برآمد تا آنجا که در قرن هفتم باو چزیبایی و بلوغ رسید. اما رباعی بازار دیگری داشت چه در اواسط قرن پنجم مضامین فلسفی و عرفانی در قالب رباعی سروده شد. شاعران گاهی موضوعات سیاسی، عشقی و انتقادی و گاهی هم مدح رادرین قالب بیان میکردند.

شاعرانی که درین دوره در حوزه

دور دست بر اثر کشور کشایی ها و لشکر کشی های غزنویان و سلجوقیان دامنه و توسعه پذیرفت که در اثر آن شعر و ادب از دربار بیرون آمد و در بین عامه مردم راه باز نمود و مراکز ادبی جدید جهت تربیت شعرا در بین توده ها و مراکز بود و با شاعران مردم در شهر های چون آذر بایجان و عراق اساس گذاشته شد این تغییر و دگر گونی ها در پذیرش وجوه شاعران و ادیبان رنگ خاصی به ادب درونی بخشیده گشتا پیش راه شعر و شاعری در بین جهت ها باعث شد که عده زیادی از لغات، اصطلاحات، جملات و کلمات غیر درونی و ترکیبات و تغییرات تازه در زبان شعر و ادب وارد زبان درونی بسا دستیابی شاعران به زبان و اندوخته تازی و ورود لغات و کلمات ترکی این ها همه مضامین تازه و افکار نو و کلمات بیشتری را برای بیان مطلب و شرح وقایع و حالات به شاعران عصر بار آورد که در نتیجه زبان و شعر درونی درین دوره وارد مرحله نوینی گردید عوامل جدید آهسته آهسته اثر خود را در شعر و ادب وارد ساخت و سبک سخن و در آستانه تحول قرار گرفت سبک معمول و شیوه سخن سرایی عصر غزنویان عوض شد اگر چه به خاطر حفظ و نگهداری سبک قدیم کوشش هایی شده اما درین جا شعر و ادب در آستانه یک مرحله تغییر پذیر و تحول قرار داشت و با گذشت نیمه اول قرن ششم این تحول کاملاً محسوس گردید. رسالت مندی این تحول و دیگر گونی با گویندگی انوری نقش بزرگ را بعهده وی میگذرد که بعد

قرن ششم عصر است که در آن شعر بلند آوازه و سخن سرایی ظهیر فاریابی با توانایی بیخه تابناکش در دنیا ی شعر بزندگی داشت.

روزگار بوقلمون این عصر در ای سروده های ظهیر منعکس دیده و اورگان نیز م اجتماعی، سیاسی و اخلاقی جامعه آنروز در تغزلات و رباعیات شاعران ششم چهره میکشاید و فروده های شعر و ادب این عصر که روزگار است که ما آنرا عصر سلجوقیان مینماییم و عصر بادگر گونی هایی که دارد قرن اول ادبی نیز نامیده میشود. و برای شناخت افکار و اندیشه های شاعر خود را به شناخت اوضاع اجتماعی و چگونگی وضع شعر و ادب درین قرن ناگزیر می یابیم، است گفت عصر ظهیر یکی از مبارز ادب درونی است این دوره در تاریخ ادبیات شامل زمانی نگردد که از اواسط قرن پنجم تا اواخر قرن ششم میشود. قرن ششم از حیث سیاسی و توجه به شعر و ادب از قرون گذشته برتری حاصل میکند و ورود سلاطین سلاجقه بار دیگر بزم شعر را گرم و با زینت ساخت تحول در شعر و ادب و بخشش و وضع شعر و شاعری حصول عوامل چون کوشش شعرا و نویسندگان در خراسان و راه نهر و سیستان برای فراهم آوردن زمینه های وسیع مقدماتی و معنوی و هم تشویق شعرا به امیران و دودمان مستعد بود همگام با عوامل ملی چون ترویج و در سر زمین ها و مناطق

که در ساحه پروگرامهای مراقبه و قایه معیوبیتهای دوره طفولیت و احیای مجدد اطفال معیوب همکار بتوانند .

تهیه خطوط راهنمای کلی پروگرامها و اعضای توجیهی یونیسیف از آن استفاده بتوانند و همچنین آمرین مسئول ملی در فعال ساختن ستراتیژیهای جاری یاری دهد .

احیای مجدد بینالمللی در انجمن سیمینارهای گروههای محدود اکناف مختلف جهانی به شمول نمایندگان حکومتات - مشاوران و پرسونل یونیسیف همکاری نماید .

تهیه مواد معلومی درسی اساسی ستراتیژی از قبیل اشکال اسباب و وقایه ناتوانیها تشخیص معیوبیتها و وسایله جلوگیری از این حوادث در بیست اجتماع وفا میلها و تهیه مواد تربیتی برای کارگران ملی .

مطالعه واقعات و بررسی پروگرامهای معمول در مناطق مختلف که بتوانند در اجرای ستراتیژی مجوزه مفید ثابت گردد .

پروگرام مختلط معاوانت تخنیک یونیسیف و احیای مجدد بینالمللی از طریق موسسات غیر دولتی اورگانهای ملل متحد توسط متخصصین متبحر در فعالیتها بوده است .

متذکره همکاری میکند . این پروگرام معاوانت تخنیکیک



امروز بكمك و سايل تخنيكي مي توان اطفال معيوب را در رديف اعضاي فعال جامعه بشري قرار داد

آيا معيوبيت هاي دوره طفوليت

قابل تداوي است؟

عضو یونیسیف ، تعیین وسایله و ذرائع پروگرامهای قابل تطبیق تهیه وسایله تربیتی و معلومی بشمول ارسال مشاورین تخنیکیک

زاد قدم اول تشخیص - تداوی و احیای مجدد مناسب رابه وسیع ترین ساحات ممکن در جا معسه توسط فامیل تامین نماید .
- تامین احتیاجات مجموعی طفل تا اهمیت پرورش ونموی طفل را نسبت به ترمیم تشوشات و ناتوانی شان تبارز دهد .

- تنویر ذهنیت واستحکام توانایی فامیل و جامعه در جهت وقایه معیوبیت و کمک به اطفال لیکه معیوب گردیده اند احیای مجدد بینالمللی جهت برآوردن اعداف متذکره معاوانتها ی تخنیکیک را به یونیسیف از طرق ذیل تهیه میدارد:
- همکاری در جهت تطبیق پروگرامهای اطفال در مسائل

احیای مجدد بینالمللی مختلط از يك عمده موسسات ارتباطی وقایه و احیای مجدد معیوبیت در سرتاسر جهان میباشد و يك پروگرام کمک تخنیکیک را پی ریزی نموده اند تا یونیسیف را در تطبیق ستراتیژی جدید استعانت به اطفال معیوب کمک نمایند .

اهداف عمده این ستراتیژی برای وقایه وارجاع معیوبیتهای دوره طفولیت ذیلا توضیح می گردد:

- توسعه و تقویه پروگرامهای صحی - تغذی - تربیتی و رفاه اجتماعی اطفال و فامیلها ی شان تا آنها بتوانند از اخلال ناتوانی مولده جلوگیری نموده معیوبیتها



اشخاص معیوب هم استعداد دارند باید استعداد شانرا رشد داد و جهت مطلوب از آن استفاده کرد

اطفال یا معیوب به دنیا می آیند و یا معیوبیت را کسب میکند. این اطفال کور، کر و دیوانه اند و یا اینکه فعالیت فیزیکی محدود دارند. اکثر این اطفال مانند اکثر کاهلان معیوب به احیای مجدد، تداوی و تعلیم و تربیه ای که توانایی شان را به حد اعظمی ترمیم نماید دسترس ندارند. این حقیقت در مورد یکصد و بیست میلیون اطفال معیوب که امروز در ممالک روبه انکشاف زندگی میکنند صدق میکند.

تا سال دو هزار عیسوی یا اخیر قرن بیست تعداد اشخاص معیوب اقل به ششصد میلیون در جهان ارتقاء خواهد نمود یک ثلث نفوس جهان کمتر از پانزده سال دارند که باین حساب یکصد و پنجاه میلیون طفل معیوب در ممالک روبه انکشاف عرض اندام خواهد نمود. اگر حکومت با همکاری مردم موفق موجود را تعدیل نکنند بیم آن میرود که این ها از کمک و دسترسی بدور مانند.

احیای مجدد بین المللی متشکل از یکصد و پانزده موسسه و در شصت و چهار مملکت نمایندگی دارد.

اهداف احیای مجدد بین المللی همکاری به تاسیس موسسات و طرح پروگرامهای در جهت وقایه و احیای مجدد معیوب بین میا شد تا بقیه در صفحه ۵۵

تغذی، تعلیمات اساسی، رهنمای خانواده و امور خیریه اجتماعی تضمین نموده و یک رول حیاتی را در امر وقایه و ارجاع معیوبیتها بازی میکنند.

۷ - عموما اسباب اصلی معیوبیتها، طرز جلوگیری و امکان احیای مجدد و پاییین بودن سطح دانش و جهالت تشکیل میدهند و همین فامیلها و جوامع اند که اطفال معیوب بار می آرند.

واقعیتهای معیوبیت دوران طفولیت

امروز بیشتر از ۵۰۰ میلیون نفوس جهان در فعالیتها ی عادی روزانه سهم کافی گرفته نمیتوانند. که اقل یک ربع شانرا اطفال تشکیل میدهد. این اشخاص مصاب تشوشات فیزیکی، دماغی و حسی اند که یا ناقص الاغضا بوده و یا اینکه یک قسمت بدن خود را از دست داده اند. اینها یا فلج اند و یا اینکه قدرت محدود شنوایی، بینایی و دماغی دارند. یک عده شان هم تشوشات احساسی دارند. این گروه میتوانند که به طرف معیوبیت سوق یابند یعنی ممکن است به اخلال حرکی، خوراکی، بینایی تکلم، شنوایی و آموزش مبتلا شوند. این محدودیتها ست که مانع کارشان در فامیل و اجتماع میشوند. به این دسته اشخاص کلمه معیوب اطلاق میشود. یکدهم



معیوب بین مانند اشخاص عادی دارای عین ضروریات و احتیاجات باید به آنها احترام گذاشت و آنها را کمک کرد

به میان آمدن طرز العمل جدید گردیده است:

۱ - معیوبیتها ی و خیم میلیون ها طفل قابل جلوگیری است.

۲ - کمکهای اساسی به اطفال مصاب تشوشات فیزیکی، دماغی و حسی و انگیزه های که برای انکشاف و نمو ی طفل ضروری پنداشته میشود اکثر اغماض گردیده است.

۳ - عدم توجه به پروسه های معمولی که برای انکشاف و نمو ی طفل اهمیت به خصوص دارد سبب معیوبیتها ی قابل ذکر با مقایسه توجه به تداوی تشوشات و ظیفوی طفل شده است.

۴ - اسباب عمدتاً تولید تشوشات و معیوبیتها ی طفل را تغذی ناکافی، اشکال ولادت، امراض قابل وقایه انتانات و تصادفات تشکیل میدهند که این عوامل بیشتر مردم کم بضاعت و آنها یی را که به عرضه خدمات بشر خواهانه کمتر دسترس دارند معلول میسازد.

۵ - ولادت یک طفل معلول و یا تولید معیوبیتها، یک بار اضافی رابدوش فامیلها میگذارد که این حوادث توان مالی فامیلها را بیشتر وازگون نموده سبب تضعیف مزید بی بضاعتی در یک حلقه بسته میگردد.

۶ - تنها تعمیل پروگرامهای مجوزه است که بهبود حیات طفل و فامیل رادر جهت تامین صحت،

یکی مرکزی مهم برای کلیه مراجع در امر وقایه - ارجاع معیوبیت دوران طفولی سرو کار دارند و مستر کرده میشود.

طرز العمل یونیسیف معیوبیتهای دوران طفولیت

یونیسیف یک پروگرام وسیع در جهت وقایه و احیای مجدد معیوبیتها ی دوران طفولیت پیاده کرده است. این پروگرام از نتیجه مطالعه که توسط احیای مجدد بین المللی که یک موسسه غیردولتی است و در مورد حل مشکل اشخاص معیوب تخصص و تجربه دارد و ازین طریق به یونیسیف معاونت میکنند میان آمده است.

فعالیتها ی یونیسیف در مورد احتیاجات اطفال معیوب و فامیل های شان توجه بخصوصی مبذول ندارد، و از طریق طرح ستراتیژی های فعال وقایوی - معیوبیتها ی دوران طفولیت و تنقیص اثرات ما عاثر آنرا که به تصویب مجمع اجرائیوی یونیسیف رسیده میتوان به آن عده مالکی که در طرح پروگرامها و تداوی معیوبیتها ی دوران طفولیت سازمند کمک باشند رهنمایی های عمل ملاحظه نماید. به اینصورت امکانات تازه همکاری یونیسیف و سایر موسسات مربوط رابدخل پروگرامت کمک های صحی و سایر خدمات اجتماعی ممالک رو به انکشاف میسر میسازد. بی برد به واقعیت ذیل سبب



اشخاص معیوب هم می توانند به نوبه خود در امور اجتماعی سهم گیرند

موج دیگری از همبستگی با انقلاب و مردم افغانستان



معین توفیق بوسیو شاعر و نویسنده انقلابی فلسطین .

خوانندگان محترم ما اطلاع دارند که چهارمین جلسه نوبتی عیات انجمن اجرائیهی انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا اخیراً باشکوهی در شهر زیبای کابل این گهواره پر افتخار انقلاب نجات بخش نور دایر گردید. در ارتباط بدین رو یداد با عظمت که برای او لین بار در کشور محبوب ما بو قوع می- پیوندد راپور تر مجله باچندن از اشتراک - کنندگان این جلسه باشکوه گفت و شنودهایی بعمل آورده است که بعد از شرح مختصری پیرامون انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا شما را بخواندن آن دعوت می نمایم .

انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا سازمان جهانی نویسندگان است و بر پایه عضویت جمعی و انفرادی نویسندگانی که با آثار و فعالیت های ادبی خود تلاش می و رزند فرهنگ و ادبیات ملی خلفها را تحکیم بخشند، همبستگی نویسندگان همه نیرو های مترقی را مستحکمتر سازند، با آثار خود پیروزی تمام دست آورد های جنبش آزادی بخش خلفها را گسترش دهند و یساری رسانند بمیان آمده است .

در سال ۱۹۶۹ اساس گذاشته شد که به آثار بر جسته ادبیات آسیا و آفریقا و فعالیت های بزرگ اجتماعی داده می شود . قرار است انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا بیستین سالگرد تاسیس خود را در سال ۱۹۸۳ تجلیل نماید .

با تقدیم مقدمه مختصر اکنون شما را در جریان گفت و شنودی که با چند تن از اعضای اشتراک کنندگان چهارمین جلسه نوبتی عیات اجرائیهی انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا صورت پذیرفته است قرار می دهیم :

معین توفیق بوسیو شاعر، نویسنده و چهره مردمی فلسطین مستشار فرهنگی با سرعزات عضو عیات رئیسه اتحادیه ژورنالیست ها و نویسندگان فلسطین و معاون سر محرر مجله لوتس یکی از اشتراک کنندگان چهارمین جلسه نوبتی عیات اجرائیه انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا می باشد که با اهتمام فرست بیای صحبت او می نشینیم و در آغازین گفت و شنود مو صوف ضمن معرفی خود در مورد فعالیت های ادبی خویش چنین روشنی می- اندازد :

زاده موفق گردیدم . وی در برابر سوال دیگری در مورد نقش سیاسی و اجتماعی انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا در تحکیم امنیت و صلح و سعادت مردمان گیتی چنین گفت :

انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا یکی از اتحادیه هایی است که همواره جهت ایجاد وحدت و همبستگی میان نویسندگان و خلق آسیا و آفریقا کار ارزنده و پر ثمر خویش را به جلو می برد و بر ضد امپریالیسم جهانی از تجاع ، صهیونیسم و دیگر قدرت های عقب گرا که می خواهند ثقافت و فرهنگ ملل جهان را از بین ببرند مبارزه می نماید. وی در مورد سفر خویش به کشور ما افغانستان انقلابی چنین گفت : این اولین باری است که من به افغانستان می آیم و ما بدین جهت به افغانستان سفر نمودیم که شعرا و نویسندگان همزم خود را در این جا ملاقات نمایم و باهم معرفت حاصل نمایم. ما اکنون بالای ادب افغانستان مصروف کار می باشیم و در راه کسب شهرت آن از هیچگونه سعی و کوشش دریغ نمی ورزیم . مجله «لوتس» ارگان نشراتی انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا می خواهد که شماره خود را در باره شعر و ادب افغانستان انقلابی اختصاص بد هد و به نشر برساند .

مادرین مورد نیز با دکتر اسدالله حبیب رئیس اتحادیه نویسندگان افغانستان صحبت نمودیم و به توافق رسیدیم .

معین توفیق بوسیو در مورد نقش نویسندگان و شعرا در امر بیداری توده ها چنین ابراز نظر نمود : زمانیکه در میان مبارزین و انقلابیون فلسطین که در جریان مقابله با صهیونیست های باشند برویم مشاهده خواهیم نمود که همه مبارزین فلسطین شعرا و نویسندگان

این انجمن از همان آوان تاسیس خویش تاکنون از بزرگترین سازمان های حامی صلح و تشنج زدانی بوده بر نامه متسرقی ضد استعماری و ضد امپریالیستی را در کار خود تعقیب نموده است .

این انجمن در جریان کار و فعالیت خود از مبارزات عادلانه مردم فلسطین ، از مبارزات قهر مانانه مردم و یتام و از مبارزات برحق مرد افغانستان در برابر از تجاع، همونیزم و امپریالیسم عملا دفاع بعمل آورده است .

انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا تاکنون شش کنفرانس دایر نموده است و نخستین کنفرانس مو سس آن در ماه اکتور سال ۱۹۵۸ در تاشکند بر گزار گردیده است . از سال ۱۹۶۸ به بعد انجمن هفته نامه «لوتس» را منتشر می سازد ، جایزه ادبی انجمن نویسنده گان آسیا و آفریقا «لوتس»

فلسطین را دوست می دارند بدین جهت ایشان بخاطر ایجاد و تحکیم صلح با می نمایند اکنون شعرا و نویسندگان فلسطین باخون خود برای مردم فلسطین می نویسد و تعداد زیادی از آن ها در این راه ج شهادت به لب کشیدند . با در نظر دانستن نکات فوق واضح می گردد که شعرا و نویسندگان در امر بیداری توده ها نقش بزرگ توان بدوش دارند .

موصوف در مورد این سوال که در دو اقامت خود در کابل بدر یافت چه حقا راجع به انقلاب و مردم افغانستان موفق آیا حقیقت اوضاع کنونی جامعه ما با پرو گند هایی که رادیو های دروغ بر امپریالیستی در این مورد براه انداخته چه تفاوتی دارد ؟ چنین گفت :

در ارتباط به سوال شما باید تذکر بد که این اولین باری است که من به شهر آمدم و در دوران اقامت خود در این او ضاع آن رابطور نار ملی در یافتیم ، بکار و بار روزمره خود بطور عادی ادامه دهند و مصونیت کامل در شهر وجود می نماید و هیچگونه عدم مصئونیتی احساس نمی می و ی گفت : ما مردم افغانستان را در داریم و با احساس امنیت در کابل بخرسند گردیدیم و دانستیم که رادیو دروغ پراکنی غربی حقایق مربوط به مردم و انقلاب افغانستان را به شکل وارونه انعکاس می دهند و بر ضد مردم افغانستان پروپاگند براه می اندازند .

او گفت : ما مردم فلسطین با شما هم پیروزی های هر چه مزید را برای مردم انقلاب شما خوا هانیم و پیروزی افغانستان در حقیقت امر پیروزی فلسطین است و انقلاب کشور ما با انقلاب فلسطین همبسته است و نویسندگان کشور شما از اول یکی بود .



اتوهوای نویسنده انقلابی جمهوری سوسیالیستی ویتنام



مامادوتراوری دیوب نویسنده مشهور کشور سنگال

وی افزود: من وقتی که بکابل می آمدم از طرف یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین پیاپی را عنوانی ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان باخود آوردم که در آن چنین آمده است:

هردانه زیتون تان مرمی و هر دانه مالته تان به همی تبدیل شود و در راه محو و نابود ساختن دشمنان مردم و انقلاب تان بکار رود. او راجع به آینده اتحادیه نویسندگان جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین ابراز نظر نمود:

اتحادیه نویسندگان و شعرا جمهوری دموکراتیک افغانستان جزء انقلاب افغانستان است. از آن جایکه پیروزی کامل انقلاب نور مردم افغانستان امری است حتمی بنا بر آن مابه آینده خوب اتحادیه شعرا و نویسندگان جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتقاد کامل داریم.

ممنوع و بعداً بجرم و ظنیستی به زندان افتیدم. تا کنون صد اثر برشته تحریر درآورده ام و در داستان نویسی و سناریو نویسی دسترس کامل دارم. آثار من جایزه لوتس انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا را حایز گردیده است و بهین ترتیب به دریافت جایزه دو لتی موفق گردیده ام.

آثار من بچند زبان خارجی چون زبان های اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی، چابانی، فرانسوی، هندی، کیوبایی و دیگر زبان ها ترجمه شده است. مشهورترین کتاب من که خوانندگان و افری دارد و در باره اطفال برشته تحریر آمده است. ما چرا های مردمان و ملخ نام دارد و بهین ترتیب داستان «منطقه غرب» که جایزه لوتس را هم بدست آورده است اثر این جانب می باشد و موضوع آن را اعمار سوسیالیزم در جنوب غرب ویتنام در برسر می گیرد.

موصوف پیامش رابه مردم و نویسندگان افغانستان اینطور ابراز نمود:

من از صمیم قلب به انقلاب نور و مردم افغانستان احترام دارم. برای اینکه مردم ویتنام و مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان در کشور های انقلابی خویش برای اعمار جامعه نوینی مبارزه می نمایند.

وی در مورد نقش شعرا و نویسندگان در امر بیداری توده ها نظر خویش را چنین بیان داشت:

به نظر من بیدار نمودن توده ها و طبقه مشترک نویسندگان و تمام مردم آگاه است. بطور مثال در مرحله کنونی تمام مردم ویتنام درجهت اعمار سوسیالیزم و دفاع از وطن در مقابل هژمونیزم مبارزه می نمایند این وظیفه هرویتنامی است که این امر را همراه با نویسندگان ویتنامی انجام بدهد و با آنها مبارزه مشترکی را به جلو ببرد.

وی افزود: من وقتی که بکابل می آمدم از طرف یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین پیاپی را عنوانی ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان باخود آوردم که در آن چنین آمده است:

هردانه زیتون تان مرمی و هر دانه مالته تان به همی تبدیل شود و در راه محو و نابود ساختن دشمنان مردم و انقلاب تان بکار رود. او راجع به آینده اتحادیه نویسندگان جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین ابراز نظر نمود:

اتحادیه نویسندگان و شعرا جمهوری دموکراتیک افغانستان جزء انقلاب افغانستان است. از آن جایکه پیروزی کامل انقلاب نور مردم افغانستان امری است حتمی بنا بر آن مابه آینده خوب اتحادیه شعرا و نویسندگان جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتقاد کامل داریم.

مامادوتراوری دیوب شاعر و نمایشنامه نویس کشور سنگال رئیس اتحادیه شاعران و نویسندگان سنگال و معاون سردبیر مجله «خاطره نفوس»، «ترانه دلکین»، نمایشنامه های «پورتگالی ها خارج شوید»، «فلم نامه بیکه» و «دکین» و یاد داشت های زیر عنوان «در سر زمین لنین» بچاپ رسیده اند یکی دیگری از اعضای اشتراک کنندگان چهارمین جلسه نویتی انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا است که در مورد نقش شعرا و نویسندگان در امر بهبود بخشایی به زندگی اقتصادی و اجتماعی مردمان جهان چنین ابراز نظری نماید:

به نظر من یک نویسنده در مقابل مردم خود وظایف بس بزرگی را بدوش دارد کشور ما بهشهر که برای چندی در تحت تسلط استعمار قرار داشت در این مدت ضربات بزرگی به فرهنگ ما و تمدن جامعه ما وارد آمد بدین اساس ما نقش یک نفر نویسنده را بدستی درک نموده وجود می توانیم و طبقه اساسی واولی نویسنده این نمی باشد که از آزادی و شرافت مردم واز دولت حاکمیت ملی مردمان جهان دفاع بعمل آورد و بین خوبی از تاریخ جوامع بشری بشماراید. نویسندگان باید در معرفی هویت فرهنگی مردم سهم بگیرد و برای اتحاد و همبستگی هرچه مزید میان توده ها کوشش بفرج دهد و بدین جهت است که مردم، نویسندگان را دوست دارند و نویسنده فرزند مردم، مدافع وطن و سمبول ارزش های اجتماعی بشمار می رود.

وی گفت: من مجموعه اشعاری هم دارم و یک نمایشنامه تئاتر بنام «وطن یا مرگ» برشته تحریر در آورده ام و کتابی هم تحت عنوان «یاد داشت های سفر دسر زمین لنین» تالیف نموده ام.



سالون کنسرت روسیا در مسکوه در آن فستیوال اخیر بین‌المللی فلم دایر شد و فلم های بی به نمایش گذاشته شد .

ترجمه : یوسفزی

دوازدهمین فستیوال بین‌المللی فلم در مسکو

تحت شعار صلح و دوستی میان ملل

برگزار شد

ضدیت بانیهو فاشیزم و جنگ طلبی

موضوعات خاص فلم‌های

فستیوال را تشکیل میداد

سینما مقام خاصی رادر جهان امروز ای احراز کرده است ، زیرا فلم‌ها به چنان زبان بین‌المللی صحبت می‌کنند که همه میتوانند باندازه توان فکری شان از آن استفاده میکنند .

بنابر همین دلیل است که سینما به پیمانانه بزرگی در تشکل فکر و دید اخلاقی شخص تاثیر افکنده و باید هم نفوذ مثبتی در زمینه بنماید

فستیوال های بین‌المللی فلم مسکو خیلی مردمی و آموزنده بوده زیرا هدف آن مبارزه علیه بیعدالتی و تبعیض در جهان است . فستیوال اخیر فلم در مسکو تحت شعار ((انسانیت در هنر سینما و سینما برای صلح و دوستی میان ملل)) دایر شد .

فستیوال بین‌المللی فلم مسکو که سابقه تاریخی آن به بیست سال قبل میرسد به حیث يك فستیوال مهم فلم خودش را تبارز داد .

یکصد کشور مختلف و چهارموسسه بین‌المللی نمایندگان

پرشید سریع مردمی و انسانی خود
 ادامه میدهد بیوسته در صدد ابراز
 پیام و الهاماتی برای انسانها در
 مبارزه آنها بر ضد جنگ، عقب
 ماندگی، خرافات و سلطه‌های
 استعماری و امپریالیستی است،
 فلم ساخت اتحاد شوروی که در
 فستیوال اخیر مسکو به نمایش
 گذاشته شد همچو الهامات و پیام
 های عالی را برای انسانهای سراسر
 جهان دربر داشت.



صحنه از فلم های برنده جوایز



صحنه‌هایی از فله‌هایی شرکت‌کننده فستیوال بین‌المللی اخیر فلم در مسکو

پیش را جهت شرکت در فستیوال مسکو فرستادند. مدیران جوان و کارگردانان از قاره‌های آسیا، آفریقا و یکتای لاتین در این فستیوال شرکت کردند.

تعداد زیادی فلم‌های آن فستیوال صحنه‌های ترازدیک را از جنگ‌های تجاوزگران فاشیستی ارا نه کردند و در عین حال علیه نیوفاشیسم و اشتغال جنگ در جهان که در فواصل تسریع روز افزون مسابقات تسلیحاتی به شمول مسابقات تسلیحاتی در وی تو لید بم نیوترون این سلاح کشنده جمعی از طرف امپریالیسم امریکا و متحدین ناتوی آن به شکل خطر جدی علیه صلح و امنیت جهانی ظهور نموده، اخطار دادند.

که فستیوال بین‌المللی فلم مسکو دو هفته زودتر گرفت با انجام کنفرانس‌های مطبوعاتی و صحبت‌های سودمند ملی مراسمی با اهدای جوایز به برندگان پایان یافت. درین فستیوال مدال‌های طلا نصیب فلم ویتنامی موسوم به ساحه و حشی و فلم روسی موسوم به تهران ۴۳ گردید.

مدال‌های نقره نصیب فلم‌هایی از ناروی و جاپان شد. همچنان سایر شرکت‌کنندگان نیز باخذ جوایز مناسب نایل آمدند. هنر سینما در اتحاد شوروی که با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر مانند سایر پدیده‌های هنری انسان، ساختمان فیزیکی و روانی او بیشتر هنر سینما و قرار داد آن بر خدمت انسان و مبارزه علیه ظلم و بیعدالتی خواندند.

اکثر فلم‌های شامل فستیوال بر حوادث تاریخی متمرکز بود و از انسان، ساختمان فیزیکی و روانی او

هدفتك دواستان بديده:

از دوا پاك جهان

این هفت روز از اربیت مشوروی

نگار نبوت از

این قصه از نبی زبیر شکر لیکه دست از چنوف
بلا شمس برگزین شده است

قسمت دوم

وقتی آفتاب در آسمان بالا آمد
یعقوب يك گاری از همسایه اش
به امانت گرفت و مارفارا به شفاخانه
برد ، مریض ها آنروز زیاد نبودند
و خوشبختانه او سه ساعت بیشتر
معطل نگردید ، تا اینکه نوبت به
او رسید و زدنش را به ((ماکسیم
نیکلا ویچ)) معاون داکتر که مردی
بود پیر و عصبی و اما به قول مردم
فهمیده از داکتر ، نشان داد و
گفت :

انشاء الله که حال شما خوب
باشد ، ماکسیم نیکلا ویچ مرا ببخشید
که برای مریضی های کم اهمیت
شمارا زحمت میدهم ، اما خودتان
ملاحظه میفرمایید متعلقه مریض
است و آنطور که همه میگویند شریک
عمر ، این تعبیر را ببخشید .

معاون داکتر ابرو ها را بهم
نزدیک کرد و بروت هایش را دستی
کشید و بعد به معاینه پیر زن پر-
داخت ، مریض روی يك چهار پایه
نشسته بود ، خمیده بود و پوستی

واستخوانی ، بینی اش نوک تیز و
دهانش باز بود ، شباهت به مرغی
داشت که آب بنوشد .
معاون داکتر آهسته گفت : ((که
اینطور)) و آهنگ کشید و ادامه
داد :

انفلوانزا ست و شاید کمی هم
تب داشته باشد ، تیفو س اینروز
هادر شهر زیاد است از دست من
چه ساخته است ؟ پیر است خدارا
شکر

چند سال عمر دارد ؟
ماکسیم نیکلا ویچ شخصت و
نه سال .
پیر زن است دیگر ، بوی
حلوا یش میاید .
یعقوب بانها بیت ادب تبسمی کرد
و گفت :

البته حق باشما ست و من
از لطف تان متشکرم ، اما اجازه
بدهید عرض کنم که هر حشره یی
به زندگی خود علاقمند است .
معاون داکتر با چنان آهنگی

جواب داد که انگار مرگ وزندگی
آن زن فقط در دست اوست .
دوست عزیزم به تو میگویم
چکار باید بکنی ، بکدستمال آب
سرد روی سرش بگزار و از این
گرد هاروزی دوبار به او بده و خدا
حافظ شما .

از خطوط قیافه معاون داکتر
یعقوب فهمید که حال زنش خطر-
ناک است و هیچ گردی نخواهد
توانست آنرا بهتر کند ، برای او
کاملا واضح بود که شفای مارفا
امکان ندارد و حتما خواهد مرد ،
بازوی معاون داکتر را گرفت و
چشمایش را بهم زد و آهسته گفت :

بلی ماکسیم نیکلا ویچ ، اما
خوشش را بگیرید .

من وقت ندارم ، هیچ وقت
ندارم ، زن پیرت را بردار و ببر و
دست حق هم به همراهت .

یعقوب به التماس افتاد :
این محبت را در حق من بکنید
شما خودتان میدانید که اگر قبض
میبود و یایک عضو داخلی اش از کار
میا افتاد باد و او گرد خوب میشد ،

اما او سر ما خورده است و درمورد
سر ما خوردگی او لین علاج این است
که از بیمار خون بگیرند .

معاون داکتر فریاد زد : ((برو
بیرون)) یعقوب هم با آزرده گی زیر
بازوی مارفا را گرفت و او را از اتاق
بیرون برد و همینکه در گاری
نشستند با عصبیت و نفرت نگاه
به شفاخانه انداخت و گفت :
عجب مرد باکمال ! اگر آدم
بولداری میبود خونش را میگرختی
اما برای بیچاره ها حتی از يك رنگ
زدن هم دریغ میکنی ، پهلوان بنیاد
بد جنس .

وقتی به خانه رسیدند و داخل
کلبه شدند مارفا لحظه یی خود را
به بخاری گرفت و سرپا ایستاد
از ترس اینکه مبادا اگر بخوابد
یعقوب دوباره از ضررهایش
شکایت کند و به او دشنام دهد که
همیشه میخواست بد و دست به سیاه
و سفید نمیزند .

یعقوب باخستگی و کسالت نگاه
هی به مارفا انداخت و به یاد آورد
که فردا روز تولد یو حنا ی تعمیر
شما

اکون شمارا ببیند .
 طرز حرف زد ن رو چیلد و خال
 های متعدد سر خرنگی که در
 صورتش جای سوزن انداز نکند -
 شته بود در یعقوب حس نفرت
 عمیقی برانگیخت ، فریاد زد :
 - یعنی چه ؟ چرا دنبا ل من
 میایی ، برو گمشو احق .
 رو چیلد هم بر آشفت و دادزد :
 - اگر متوجه نباشی که کمی
 مود بتر رفتار کنی به آسمان پر
 وازت میدهم و به جهنم میسفر -
 ستمت .
 بقیه در صفحه ۴۱

او داشت احساس گناه میکرد .
 در راه گورستان تا کلیه روچیلد
 تعظیم کنان و خندان به سوی
 یعقوب آمد و گفت :
 - من دنبا ل شما میگذستم ، موسی
 سلام میرساند و عرض میکند که
 همین اکنون تشریف بیاورید ،
 پیش او .
 یعقوب احساس کرد که دلش می
 خواهد گریه کند ، براه خودادا مه
 داد و فریاد زد :
 ((برو)) رو چیلد پشت سرش
 دوید و با وحشت فریاد زد :
 - عجب فرمایشی میفرمایید ،
 موسی میرنجد ، او میخواهد همین

روز بخاری را روشن میکرده ، می
 بخته ، می جوشانیده ، آب میآورده
 خمیر میکرده هیزم میشکسته و روی
 یک تخت پهلویش می خوابیده
 است و شب ها بی که یعقوب مست
 و خراب از جشن های عروسی با ز
 میکشسته ، مارفا با احترام سازش
 راز او میکرده و به دقت به دیوار
 میایخته و خودش را هم به رختخواب
 میبرده و میخوابانیده است و تمام
 این کارها را با آرامی انجام میداده
 و همیشه اثری از شرم و حیا و
 حجب بر صورتش دیده میشده است
 و اکنون یعقوب در برابر این همه
 مهربانی و رویه خشنی که خودبا

هنده است و پس فردا عید نیلای
 بجز کننده و روز بعدش هم یکشنبه
 است ، دوشنبه هم که کار کردن
 اکنون خوب ندارد ، چند روز تمام
 هیچ کاری نمیتواند انجام دهد و
 سنا اطمینان داشت که در یکی از
 همین روزها مارفا خواهد مرد ، پس
 یوتش را همین امروز باید تمام
 کند ، نیم گز آهنی را بر داشت و
 نازه پیرزن را گرفت بعد مارفا
 را از کشید و او هم به ساختن
 یوت مشغول شد ، وقتی کارش
 به اتمام آمد عینکش را بر چشم
 داشت و در دفتر چه ثبت ضرر
 نوشت و آه کشید .
 (قیمت تابوت مارفا ایوانفنا دو
 پل و چهل کو پیک)

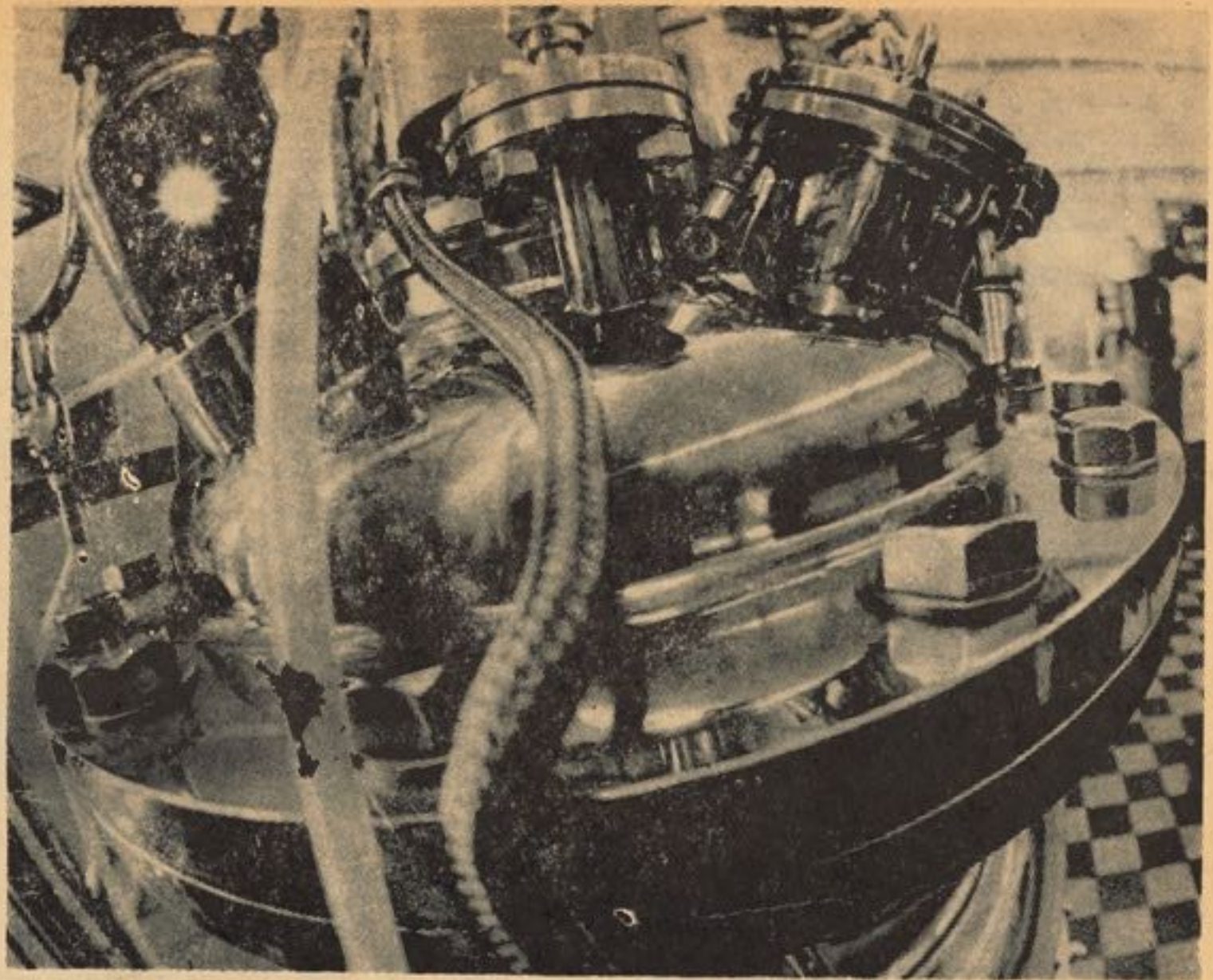
چند لحظه بعد کشیش آمد که
 را سم تقدیس و تدفین مذهبی
 را به جای آورد و مارفا چیز نامفهومی
 بزمه کرد و دم صبح نیز با آرا مش
 کامل مرد .

پیرزن های همسایه او را شنیدند
 در ملاقه بی پروا چروکی بیچیدند
 بیرون گذاشتند ، یعقوب برای
 اینکه پول برای کشیش ندهد
 خودش انجیل خواند و یک صرّقه
 جویی دیگر هم در گورستان کرد و
 آن اینکه نگهبان آنجا پدرتعمیدش
 بود ، چهار نفر دهاتی تابوت را بر
 سر گرفتند و یک عده پیرزن ،
 چند تاگدا و ده نفر چلاق آنرا را
 شایعت کردند .

دهاتی های سز راه از سر دل
 سوزی صلیب میکشیدند و یعقوب
 خیلی راضی بود که تشریفات در
 نهایت احترام ، به ازانی وبدون
 بخش کسی خاتمه مییابد .

وقتی برای آخرین دفعه از مار
 خدا حافظی میکرد با انگشتهایش
 به تابوت زدو فکر کرد : ((عجب
 تابوت خوبی)) اما وقتی از گورستان
 برگشت خستگی شدیدی و به
 او چهره شده بود احساس ناراحتی
 میکرد تنفس تبا دار و سنگین بود و به
 سختی روی پای خود ایستاده
 میتوانست ، مغزش از افکار غیر
 عادی انباشته بود ، دوباره به یاد
 آورد که هرگز از مارفا دلجویی
 نکرده و هیچ گاه تو جیبی به او
 نداده است ، پنجاه و دو سال که
 آنها در این کلیه با هم زندگی کرده
 بودند به ایندیت می پیوست اما در
 خلال این ابدیت او هرگز به فکر
 مارفا نبوده و با او مثل سنگ یسا
 شک رفتار کرده است ، اما او هر
 تعمید





درین عکس يك دستگاه تخم‌دهنده لایرا تواری را مشاهده می کنید.

از مجله سوویت یونین

مترجم: بریالی علی زاد

این يك اشتباه است که:

مکروبها را خطرناکترین دشمنان

صحت و سلامت خود بدانیم!

این موجودات جسمی کوچک را فقط زمان بروز امراض به خاطر داشته اند در حالیکه

آیا میکرو بیولوژی خواهد توانست کلیه نیاز مندی های بشر را از نظر غذای جوای بگوید؟

...

درین اواخر انکشاف سریع معضله عدم دسترسی به منابع کافی مواد غذایی پیش از هر وقت دیگر حادث گردیده و این معضله بیش از همه متوجه فقدان سبز-یجات و پروتین های حیوانی (که جز عمده و اساسی غذای عادی و روزمره ما را تشکیل میدهند) می باشد.

هم اکنون صد ها میلیون انسان در سراسر جهان با فقدان مواد

بشر تضاد کامل دارد. در ساحت افزایش تولیدات مواد غذایی - فعا - لیت های گسترده بی متوجه تکنالوژی بیوشیمی بوده است.

يك شعبه جدید که اثرات بس ارزنده از خود در جهت حل این همه معضلات به جا خواهد گذاشت طی پانزده تا بیست سال گذشته راه رشد سریع رادر پیش گرفته و در عده از کشورها به شمول اتحاد شوروی شعبات آن تاسیس و به فعالیت گسترده بی آغاز کرده اند.

اینک فشرده بی آنچه را که اوستیلاو ایچکوف آمر دیپارتمنت میکرو بیولوژی ضمن مصاحبه بی در زمینه بیان داشته پیشکش شما خوانندگان گرامی مینمایم.

از عصر انتونی لیفنگک (در قرن قبل) تاکنون تنها دانشمندان علوم بیولوژی یا کیمیا می توانستند در دوکتوران طب روابط مداوم شان را با جهان میکرو - اورگانیسمی برقرار نگهداشته اند و بقیه بیرونی این موجودات جسمی کوچک را برای زمان بروز امراض به خاطر نداشته اند و بس. که شاید این که لکشان هم بخاطر آن بوده که بسیار کم بودند مردم میکروبها را بسان خطرناکترین دشمنان صحت و سلامت شان برای حتی حیات شان قبول کرده اند یا با که این عقیده عامه يك اشتباه است که بیش نیست. ما نه تنها تو سرتیبه میکروبی های مختلفه محیط گرد بیشتر ایم بلکه آنها در داخل عضو ما نیز زیست نموده و در یک عده پروتین های فزیولوژیک نقش اساسی را بر عهده دارند که میتوان نقش آنها را در عملیه عضم مثال آورد. همچنانکه در میلیونها موارد دیگر هم این موجودات میکرو سکو پیک نقش های سببی را عهده دارند.

((شما در حین تهیه بیرونی، صفیوانی کاری چرم و تخم شراب چه فکرتان میکنند؟))
گفته های فوق را لوئیس پاستور و دانشمند شهیر فرانسوی و با میکرو بیولوژی صدسال قبل به آبیاری سازان، چرمگران و شراب سازان اظهار داشته بود. قریب يك قرن بعد ساینس موفق به کشف طرفه کنترل فعالیت میکروبها به صورت خاص ((ماهرانه)) به بطور ((کورکوران)) گردید.

میکرو بیولوژی همانطور یکبار مسئول نجات بخشیدن نوع بشر طوایف از بسا بیمار یهای عفونی میباشد از باید بشر را از وفيات ناشی از گرسنگی نیز رهایی بخشد. میکروبیولوژی و بیولوژیستان ارائه کننده این نظریه در نظر شان هیچ افراد ننموده اند بلکه حقایق را طور شاید و باید بازگو کرده اند.

الکول و آب عادی نیز میروید :
چنانچه هم اکنون زرع يك نوع
الچی غنی از ویتا مینهای مختلفه
در اطراف مسکو در منطقه
گراسنو دار در جمهوری تسمهای
بالتیک ها و مناطق آسیای میانه
شوروی معمول است . تمام آنچه
گفته آمد بیانگر این حقیقت غیر
قابل انکار اند که ترویج نیست
مغذی نقش بس مهمی را در جهت
حل معضلات گوناگون ناشی از
فقدان غذایی در جهان و اولتراز
همه در کشور های در حال رشد
بازی خواهد نمود .

ممکن خوانندگان مختصرم در
مورد بیضرر بودن محصولات که
از نظر یقین بدست می آید متردد
باشند . مگر دانشمندان شوروی
مدتها قبل از اخذ تصمیم در جهت
بلند بردن سطح تولیدات ایسن
محصولات ((سویه بازار گانی))
در جهت حل این معضله اقدامات
مقتضی نمودند . و یک سلسله
پژوهشهای دقیق و جامع را به
منظور تطبیق ارزش بیولوژیکی
و بیضرر بودن نیست از محصولات
میکرو بیولوژیکی روید دست
گرفتند . که در این مطالعات آنها
بیش از چهل سازمان به شمول وزارت
های صحت عامه و وزارت اتحاد
شوروی نیز اشتراک داشتند . که
بالاخره آنها فیصله نمودند که از
نگاه کمیت و کیفیت گوشت
حیوانات تجربوی از گوشت
حیوانات تحت مشاهد هیچ تفاوتی
ندارد .

همچنان انتی بیوتیکهای که به
مقاصد غیر طبی از آنها استفاده
میشود انکشاف یافته اند (طوریکه
انتی بیوتیکهای که در تداوی
امراض انسانی از آنها استفاده می
شود همه اساس میکروبی دارند.)
برعلاوه عده از ادویه جات ضد
ویروسی و حشره کش های با
کتر یایی نیز کشف گردیده که
کوچکترین ضرری به صحت و سلام
مت انسان و حیوانات ندارند و از
همین است که در پارکها منازل
مسکونی و تفرجگاهها به مقادیر
کافی قابل تطبیق اند .

استفاده از کودهای معدنی و
کیمیای جهت بلند بردن سطح
تولیدات زراعتی نیز جاودانی
نخواهد بود . در اتحاد جماهیر
شوروی افزایش تولید کودهای
بقیه در صفحه ۴۵

غنی از کالوری بسرعت سرسام
آور رشد مینمایند که بعد از خشک
شدن يك هر کب غنی و سرشار از
پروتین و ویتا مینهای مختلفه بوده
که میتوان از آن بخوبی در تغذی
حیوانات استفاده نمود .
سال گذشته صنعت میکرو بیو -

لوژیکی اتحاد جماهیر شوروی در
حدود يك میلیون تن نیست خشک
مغذی تولید نموده که شامل تولید



نمایی از کلچر «نیست» راکه در زیر میکروسکوپ الکترونیک عکس برداری شده مشاهده می کنید .

صنعت هیدر و لیتیک و نیست به
دست آمده از تغذی میکرو بیها با
پارافین خاص حاصله از نفت می
باشد . که مبادی این روش نیم
قرن قبل از امروز انکشاف داده
شده و بعد برای اولین مرتبه در
اتحاد شوروی به آنجا عمل
پوشانیده شد ، اینرا هم باید خاطر
نشان نمود که توده های پروتین
همچنان در گاز طبیعی ، میتایل

صنعت هیدر و لیتیک کشور های
خارجی در لست محصولات خود
نیست غذایی نداشته و ندارد . این
نیست از نظر ترکیب و ارزش غذایی
خود نه تنها به مقایسه سبزیجات
غنی تر اند بلکه شباهت قریب
باشیر دارد .

که این (شیر) مزیت دیگری
هم دارد و آن عبارت از بو تنسیل
رشد است برعلاوه نیست پروتین

ساکنان کشور های در حال
شاید روزانه فقط بیست و پنج
نیر سی گرام پروتین که آنهم اساس
بیومرغذی داشته صرف میکنند .

برای اینکه در سال دو هزار
سوی ستندرد غذایی جهان به
این سال کنونی اشی باقی بماند لازم
ستاید تا محصولات کنونی غذایی
با کربن چهار تا هفت مرتبه و غذاهای
سایر از این منابع حیوانی نه مرتبه افزا
دهند . که یگانه راه حل این
مسئله همانا افزایش محصولات
سرویتی از اثر انکشاف هر چه
در بیشتر میکرو بیولوژی می باشد .

پس آیا این بدان معنی است که باید
پروپوز نان ، برنج ، مسکه ، گوشت
و غیره خوردن قرص ها ، پودرها ،
آنها را و غیره خوراکی باب صنعتی
همچنان داده شود ؟

اینها کنون از امکانات کامل محصول
نقش بسیار کترو بیولوژیکی در
جهت بلند بردن سطح محصولات
صنعتی و نباتی استفاده نشده ،
چنانچه چنان تاکنون فقط بخشی از منابع
حیوانی در زمینه مورد استفاده قرار
پاسند گرفته و اقدامات ناچیزی در جهت
و با وجود کامل حشرات مضره حیوانی
به آب نباتی و بیماریهای حیوانی و
سازمانی بعمل آمده است .

میکرو بیولوژی مورد
طریقی جهت حل این همه معضلات
سورخاص کمکهای لازم مینماید با
ورانهاست که این علم انبارهای خو
که های صنعتی را نی بلکه درهای
ر یک منبع طبیعی آنها را بر رخ مامیگشاید
ع بشی طواهر بس ارزشمند میکرو بیو -
میباشد و است که اساس اندازه معیار
سی را را تقلیل بخشیده و تولید
میکرو بیوت ، شیر ، تخم ، و سایر
ین نظر محصولات دیگر را افزایش میدهد .

بوده است سایر کشور های جهان تحقیقات
بدرستی در جهت دریافت منابع کاملاً
مید پروتینی روی دست گرفته
حیوانی است فا بر یکات مختلفه در
طوریکه کشور های خارجی از متخصصین ،
تینسایمان آلات ، مساعده تهای بی -
فی نماند تخیلی و رهنمایی های علمی
درباره شوروی در جهت ایجاد تولیدات
مدرنی بیمانه های وسیع استفاده نموده
نموده اند .

نیست طبیعتیست که يك تضاد نیست
عادلانه زیرا که صنعت هیدر و لیز و نیست
حاصل شیر مایه غذایی قبل از جنگ
میتواند جهانی در اتحاد شوروی پا به
صحه وجود گذاشت .



انتقام جویان جگدلک

مؤلف: نفتولا خالفین

مترجم: برید جنرال گل آقا

معرفی و بررسی

یک کتاب

«انتقام جویان جگدلک» اثر از زنده و تحقیقی مورخ دانشمند نفتولا خالفین که بوسیله مترجم آگاه و محقق گرانمایه برید جنرال گل آقا به درستی برگردان گشته و پیش از این فصل‌هایی از آن به صورت پاورقی در جریده «حقیقت سرباز» به دست نشر سپرده شده بود، اخیراً به سلسله انتشارات ریاست نشرات وزارت دفاع ملی به شکل کتاب چاپ و بدسترس علاقمندان گذاشته شده است. کتاب دارای ۳۴۰ صفحه است که بایشگفتاری از برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی آرا سسته گشته، در بخشی از این پیشگفتار آمده: «از نفتولا خالفین تا کنون کتاب‌های ارزنده‌ای ما نند - (انگلستان بر ضد افغانستان) و «شیپورهای پیروز می‌نند» چاپ شده است که دیدگاه‌های مشخص نویسنده و دل‌بستگی عمیق مردم شوروی را نسبت به مردم افغانستان، مبارزات بی‌امانشان را برای حصول استقلال و پیکارهای عادلانه و رهایی بخش‌شان می‌رساند. خالفین در کتاب ارزنده‌ی «انگلستان بر ضد افغانستان» نشان

می‌دهد که در درازنای تاریخ استعمار، انگلستان غارتگر و متجاوز چشم طمع و از مندی در سرزمین ما درخته است، همیشه رویاهای نامقدس را در سر پرورانده است تا مگر بتواند از خاک آزادگان و کشور عقابان مستعمره‌ای بسازد و بایکا می، تابدین سان علیه کشور صلح، آزادی، ترقی اجتماعی و سرزمین انقلاب کبیر اکتوبر، توطئه بچیند و دسیسه‌سازی نماید. نقشه‌های تخریبی و غارتگرانه‌ی خود را در عمل پیاده کند. در حالیکه به گواهی تاریخ، اتحاد شوروی همیشه دوست قابل اعتماد مردم افغانستان بوده و ماریشه‌های این دوستی را در تاریخ می‌توانیم جستجو کنیم.

مردم شوروی در طول تاریخ دوستان صدیق ما بوده‌اند، پاس‌برادری را نگاهداشته‌اند، به یاری و کمک ما شتافته‌اند. مرزهای میان افغانستان و شوروی همیشه مرز صلح و آشتی و دوستی و برادری بوده است.

فصل‌ها و بخش‌های کتاب چنین رده‌بندی می‌شود - (کلکته از گور نر جنرال جدید پذیرایی می‌کند)، (زمان تغییر می‌کند و ما با آن در تغییریم)، (ما موریت بر نس در بخارا)، (جگرن رولین سان و نفر خفیه روسی)، (مذاب کرات دلچسپ)، (اسپ دوانی باموانع) مذاکرات ادا می‌دارد)، (شیرینجا ب)، (رنجیت سنگ و مکناتن)، «معاهده‌ی سه جانبه»، (بالتر از سطح بحر)، (قشون در فیروز پور تجمع می‌کنند)، (به سوی قند هار)، (تاجگذاری عروسک)، «سقوط غزنه‌سی»، دخول به پاینخت «تیز بین» مبارزه «ادامه میباید» انجام سکندر کمی به طرف غرب (دوازده روز سرو - یلیام)، (از طریق جگدلک).

درین بخش‌ها و عنوان‌های ۳۳ گانه، نفتولا خالفین به آگاهی یک مورخ مسوول، وقایع، رویدادها و حوادثی را بازگو می‌کند که در آنها سیمای سیاه‌کساران، استعمارگران انگلیس، رنگها، نیرنگها و ترفندهای خاینانه‌ی شان نشان داده می‌شود. خالفین مورخی است که وقایع را با تخیل تند خود در می‌آمیزد و بدین سان است که کتاب‌های او جالب توجه

است. وقتی خواننده کتاب را می‌خواند خالفین را ورق می‌زند در می‌یابد که بایک مورخ رسمی روبرو نیست در نوشته‌ها و یادداشت‌های مایه‌ها و رنگ‌هایی از تخیلات عرانه‌رامی توان یافت. تاجا بر بسیاری از کتاب‌های خالفین رویدادهای تاریخی را بازتاب دهند، رنگ‌رمان‌های ادبی، را بخود می‌گیرد و کتاب‌هایی (انگلستان بر ضد افغانستان) (شیپورهای پیروزی می‌نند) این گونه‌اند. خالفین بیشتر به مطالعه و فعالیت‌های قلمی و بازنه را در باره‌ی افغانستان شناخته‌شده متمرکز ساخته است.

او با علاقمندی خاص که بطنه مردم و کشور افغانستان دارد و در بسیاری از زاویه‌های، میبسی دیگر تاریخ معاصر ما را روشن کرده‌است فقط افغانستان همیشه با موقعیت ویژه‌است استراتژیک و جغرافیایی که در گز به مورد توجه دانشمندان شرق و افغانستان بوده‌است. اما تاریخ نگاران غربین بر خاور شناسانی که به محافل و گروه‌های ارتجاعی تعلق دارند و دارند حقایق مربوط به افغانستان نستان را تحریف کرده‌اند. آنچه او داشته واقعیت بوده آنرا به یکسو نه خالفین اند، دروغ را جا یکرین را سبب کرده‌اند و به این وسیله به حلقه‌ها، دلا امپریالیستی و استعمارگری خند مردم کرده‌اند. اما خاور شناسان و افکار این نستان شناس شوروی نفتی که مرد خالفین، تاریخ افغانستان مبارز انسان مردم این مرز و بوم را با وجود پیچیدگی‌های نا پیدار و با آگاهی یک پژوهنده‌های مورخ بررسی می‌کند. خالفین درین کتاب‌ها می‌مانند (انگلستان بر ضد افغانستان) و (شیپورهای پیروزی می‌نند) و بسیاری از مسائل افغانستان و مقالات دیگر مربوط به افغانستان حقایق مربوط به سررویا زمین ما را بازگو می‌کرده است بدین استعدادهای و کار کرده باشد. خالفین در کتاب‌ها نستان وارزنده (انگلستان بر ضد افغانستان) با اتکاء به حقایق، اسناد و اسناد نشان می‌دهد که استعمار انگلیس آن گونه که در بسیاری قلمروها و سرزمین‌ها دست‌تاز دراز کرده است، همیشه او ضار و احوال افغانستان را در نظر داشته‌است و بیشترین توجه خود را معطوف کشور ماساخته‌است

آثار ادبی بیگانگان نیز بازتاب یافته است .



آنها بی که شمشیر بر زمین می اندازند .

و مانند برده ها در مدفن می خزند بهتر است زنده نیا شنند .

بگذار آنها بی در صف ما قرار داشته باشند . که به خاطر میهن خود میخواهند برز مند و زندگی کنند

و مردانه قهره مانی کنند و حماسه آفرینند

جنگ در پای دیوار های ما جریان دارد

غرور و افتخار ما را به انتقام فرا می خواند

تاستمگران را از سر راه خود برداریم .

و در پیکار بی امان خود را راحت سازیم .

یامرگ یا آزادی !

ترجمه ی کتاب ، روان ، ساده و عام فهم است . در بسیاری از

بخش ها از لهجه ها و گویش های عامیانه سود جسته شده که به

گیرایی و لطافت اثر می افزاید . طرح ، دیزاین و صفحه بست کتاب

نیز در خور تقدیر است . تصویر صفحه اول پشتی متناسب با روحیه ی

متن کتاب است و می تواند بیا نگر واقعیت هایی باشد که در سطرهای

کتاب میگردد . صفحات سوم و چهارم پشتی کتاب با زندگینامه

کوتاه و عکس مترجم و مولف آراسته شده که برای خواننده در شناخت

مترجم و مولف آراسته شده که برای خواننده در شناخت مترجم و مولف

یاری می رساند . این سنس در گذشته در کشور ما کمتر سابقه

داشته است . بسیاری از کتاب ها تالیف و ترجمه شده اند اما خواننده

ندیده نمی تواند در باره ی پردازنده ی کتاب اطلاعی بدست آورد . به امید

پیروزی های درخشان مترجم آگاه و پژوهنده ی از زنده برید جنرال

گل آقا و موفقیت های روز افزون ریاست نشرات در بخش و چاپ

آثار مترقی و روشن کننده .

می دهد . این اثر می تواند ، دنیا له کتاب ها بی مانند ((انگلستان بر

ضد افغانستان)) ، ((شیبور های پیروزی میوند)) به حساب آید .

به این مفهوم که خالفین در این اثر نیز سیما ی سیاه ، دو دزد و

غار تکر انگلیس ها را نشان می دهد و پرده از روی يك سلسله

حقایق برمی دارد . خالفین در کتاب «انتقام جویان جگدلک» که پاسبکی

دلپذیر و شاعرانه نوشته شده است تابلو بی ترسیم می کند ،

خواننده می بیند استعمار سبطره جوی انگلیس چسان قیافه های

مزدور را به افغانستان گسیل می دارد و به این وسیله زمینه ی فریب

توده ها را فراهم می آورد . در این کتاب سیما ی پادشا ها نی که

دست نشاندی انگلیس ها بوده اند نیز نمایانده می شود . کسانیکه

با استعمار انگلیس در زدو بند های سیاسی بودند و باطنی سیاه

داشتند اما در ظاهر سخن از خدمت به مردم و میهن پرستی می زدند

توده ها را می فریفتند و هدف های غارتگرانه ی خود را دنبال می

کردند . همچنان در این کتاب سیما ی

سیاهکاران انگلیس نیز نشان داده می شود که به نام های گو -

ناگون به فعالیت های ارتجاعی در خاک افغانستان پرداخته اند ، از

اعتقادات ، در یافت ها و صدقات صمیمانه ی توده ها سوء استفاده

کرده اند . برای آنکه بتوانند گردونه سیاست خرابکارانه ی خویش را

بچرخانند در میان مردم تفرقه انداخته اند . اختلاف های زبانی

و قومی و مذهبی را پدید آورده اند و این یکی از سیاست های شناخته

شده و کهنه کارانه ی استعمار انگلیس بوده که از نیات پاک و

اعتقادات ، مقدسات توده ها استفاده کرده اند . فرهنگ بو می ملتی را تحقیر

کرده اند . ارزش های آنان را تخطئه نموده اند و بی فروغ جلوه

افغانستان با پنداشت اینکسه گاه بتواند در افغانستان دست

و پایگاه شیطانیش را محکم سازد . آن گاه به آسانی

تواند علیه کشور انقلاب اکتوبری شبه چینی نماید و به این وسیله

از ورزش نسیم انقلاب در سر زمین دیگری جلو گیری نماید . اما

سلف فقط يك پندار تاریک و واهی بوده است . يك آرزوی باطل که

در گز به تحقق نتواند رسید . مردم افغانستان روحیه ی سرشار از

غریب پرستی دارند . خون آزادی را در رگ رگ مردم آزاده و

اشاور افغانستان موج می زند و باین حاصل اندک ترین تردیدی نمی توان

روا داشت . خالفین در کتاب ((شیبور های

پیروزی میوند)) نیز خط قهرمانی ها ، دلاوری ها و پایداری های

مردم افغانستان را دنبال می کند و این کتاب خالفین نشان می دهد

و که مردم پیکار جوی افغانستان زحمان علیه استعمار انگلیس به پا

میخیزند ، با مبارزاتی داغ سنگر های نامقدس استعمار را فرومی -

ریزند . در کتاب ((شیبور های پیروزی میوند)) خالفین این واقعیت

مشهود را بیان می دارد که خاک افغانستان مانند دژی استوار ،

خارابین و تسخیرنا پذیر و همه ی رویا های دولت های امپریالیستی

استعماری نمی تواند به جایی برسد و کارگر واقع شود . مردم افغا -

نستان بر علیه پایگاه های نفرین شده و ارتجاعی انگلیس ، شیبور

هایی را به صد ادر آوردند که پیروزی آفرید . نیرو های غاصب و تاراجگر

عقب نشینی کردند . و اما ، اینک ما سو مین کتاب باز

خالفین را که در باره ی تاریخ افغانستان نگاشته ((انتقام جویان

جگدلک)) را در دست داریم ، خالفین در این اثر مطالعات ، تجارب

و کوشش های خود را در زمینه ی افغانستان شنا سی ادا مه و تکامل

داده اند . از اثرات سیاست خرابکارانه

و تبلیغات زهر آگین استعمارگران بوده است که تا اکنون در کشور

ما بسیاری از حرفه ها و پیشه ها که بازندگی مردم در ارتبای نزدیک

بوده است تحقیر می شود . از آن شمار است بافندگی ، نجاری ،

سلمانی و گلکاری ، ندامتی و بسیاری از پیشه ها و حرفه های دیگر ، باری

خالفین با دیدی آگاهانه وقایع افغانستان را به رشته ی نگارش

درمی آورد . در کتاب ((انتقام جویان جگدلک)) به صراحت نشان

داده می شود استعمار انگلیس هرگز و هیچگاه دوست افغانستان

نبوده و اگر گاهی دست دوستی به سوی کشور ما دراز کرده است برای

آن بوده که بتواند نقشه های خیانت کارانه و ارتجاعی خویش را دنبال

کند و زمینه ی اسارت میهن و مردم ما را نشان دهد اما مردم افغانستان

در طول تاریخ ، از خود مقاومت ورزمنندگی و شهادت نشان داده

اند . ننگ شکست و گریز را نپذیرفته اند . در کارزار های

رهایی بخش و وطن پرستانه سهمی شایسته گرفته اند . خونهایشان

سنگر ها را رنگین کرده است اما عقب نشینی نکرده اند و این واقعیت

تاریخی طی سه جنگ افغان و انگلیس به اثبات رسیده است و اکنون

حتی دشمنان افغانستان به این حقیقت اعتراف دارند . خون فر -

زندان افغانستان کوهپایه ها و کارزار ها را رنگین کرده است و در

فرجام خورشید آزادی درخشنده مردم مرگ را پذیرفته و به پیشوازان

شتافتند اما به زبونی و اسارت تن در نداده اند . این مضمون در ادبیات

میهنی مانیز تجلی و تابندگی داشته است در کتاب «انتقام جویان جگدلک»

خالفین همه ی حالت های روانی مردم ما را نشان می دهد . نفرت

عمیق و انزجارشان را علیه نیرو های غاصب تاجایی که احساسات

وطن پرستانه ی مردم ما حتی در

بیا مو زانند و سپس مهارت پرورش
شاید ن لباس و بوت رابه آنها
بدهند .

آموز گاران عالم فن تربیت
گویند که از اطفال یکنیم الی
ساله تقاضای جدی باید شود
دستور های والدین را اجرا
نمایند .

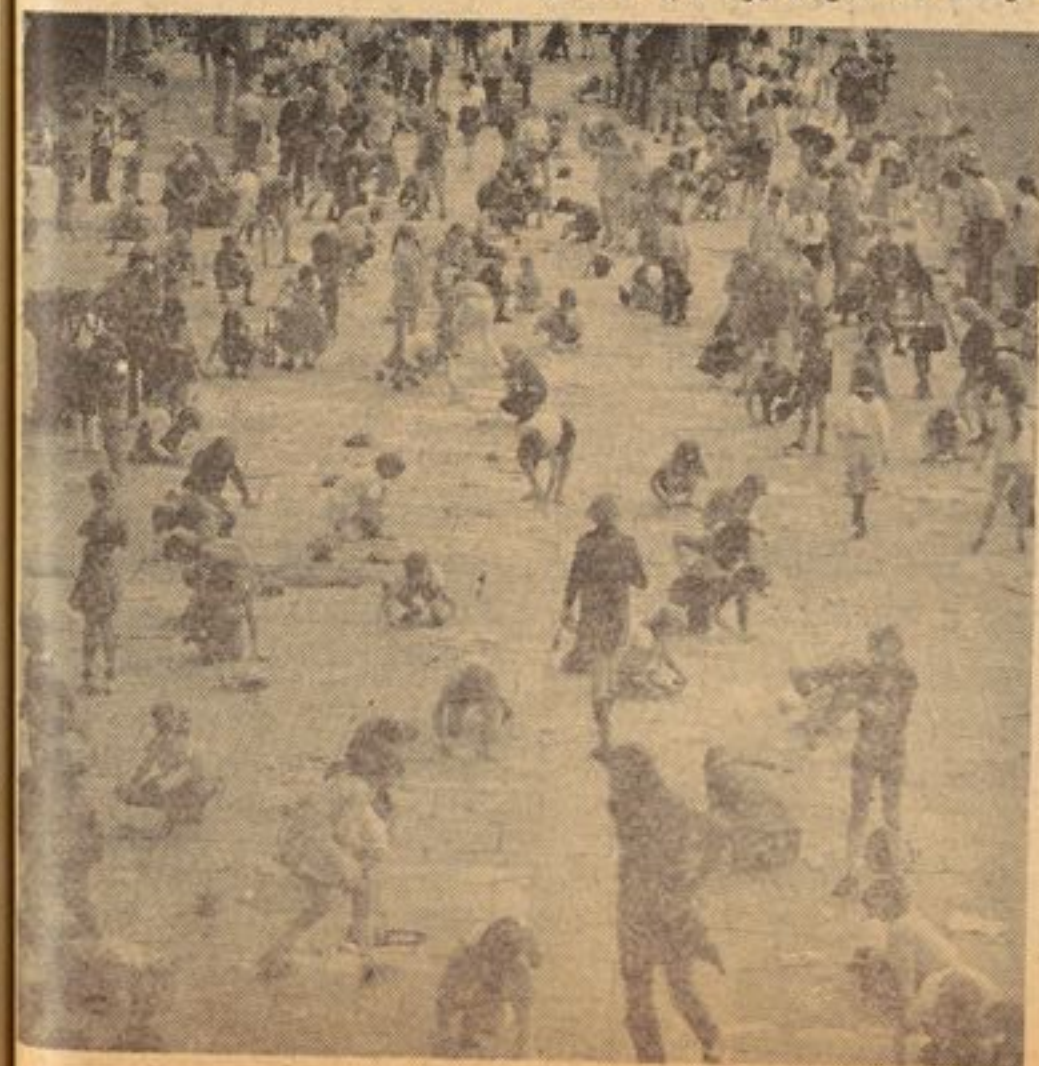
اطفال تقریباً تا سن سه سالگی
تلقین پذیر هستند باید سعی شود
راه های مثبت تلقین شود
مثلاً علیه گریه او از همسر
سن مبارزه صورت گرفته و کور
شیده شود تا طفل بخندد و بسازد
هنگامی که آسیبی به او میرسد
باید گفته شود مهم نیست زیاده
افکار نشده است .

فعالیت اساسی اطفال قبل
از سنین مکتب عبارت از بازی های
مختلف النوع می باشد . اطفال
آنچه را می بینند و می شنوند
بازی های خود از آن الهام میگیرند
و این در شخصیت سازی آید
آنها رول عمده ای دارد .

طفل درین دوره ممکن با همسالان
خود بازی کند و یاب به تنهایی
که بازی تنهایی نیز برای طفل
مفید است . زیرا ذهن طفل را انکشاف
میدهد .

در صورتی که تقاضای مسلسل
و بیکیفر و ضمناً واحد از طرف تمام
اعضای فامیل مخصوصاً پدر و مادر
و دیگر بزرگان صورت گیرد طفل
انضباط پذیر می گردد .

ناتمام



اطفال امروز

پوهنمل دكتور دوست محمد پروانی

تربیت و تاثیر آن در اطفال

تربیت اطفال ارزش و اهمیت
اجتماعی دارد . این صفات تربیتی
انسان در طول زندگی پرورش
می یابد . تربیت در دوران طفولیت
ارزش و نقش تعیین کننده دارد .

درین هنگام اطفال اکثراً نزد
والدین می باشند و به آنها نیاز
دارند .

ساختن بدن نوزاد طور نیست
که برای ادامه زندگی تا چهار
است، وابسته به دیگران باشد .
اطفال احتیاج به توجه دیگران
دارند اگر نیازمندی های او لی آن
ها توسط دیگران بر آورده نشود
زندگی را دوام داده نخواهند
توانست .

تربیت از او ان کودکی یعنی
از لحظه ای تولد شروع و خصوصاً
صمیمت سیستماتیک را دارا میباشد
حس شنوایی و بینایی طفل به
شکل تدریجی رشد و انکشاف می
یابد تا به وسیله آن اشیاء و محیط
ماحول را تشخیص بدهد .

طفل در دو الی سه ماهگی
عکس العمل های از خود نشان می
دهد که مشابه به بزرگسالان است .

برای اطفال باید بعد از تولد
رژیم معینی به منزله عوامل ظاهری
و خارجی یاد داده شود تا به وقت
معین بخوابند - بیدار شوند و

تغذیه شوند .
درین دوره اطفال باید بزبانی
ها جلب و جذب شوند . یعنی در
کنار بستر طفل سامان آلات مختلف
بازی که دارای رنگهای آبی -
رزد - گلایی - سرخ و غیره باشد
قرار داده شود محققین معتقد اند که
برای اطفال زمینه مساعد شود .

تادر سالهای اول زندگی نغمه
های موزون بشنوند تا حس زیبای
بی و خوشی را در زندگی آنان
پرورش دهد .

واکنش های اولیه طفل در
برابر اشخاص مثبت است یعنی
هنگامی که شخصی با او حرف می
زند . به او نگرینسته و آگاهانه
تبسم می کند .

مسلماً طفل قبل از سه ماهگی در
که نزدیکترین فرد به او است
عکس العمل نشان میدهد .

حالت روانی ما در در تغییر
حالت روانی طفل مستقیماً دخالت
دارد .

بدین لحاظ اطفال در سالهای
اول زندگی باید طرز پر خوردها
دیگران را فرا گیرد محبت ، نوازش
وسخاوت را بیاموزند . دوست

و توجه نه تنها به والدین بلکه
به دیگران نیز داشته باشند .
اطفال درین دوره بسیار
مقلد بوده آنچه بزرگسالان انجام
میدهند آنها نیز تقلید مینمایند .
درین مرحله اطفال در حالت
آموزش می باشند پس والدین
باید در همین هنگام آداب غذا -
خوردن نشستن و غیره رابه اطفال

تعلیم و تربیه و نقش آن در حقوق طفل

مکاتب و همچنان تعلیمات مسلکی و کودکان ها که امروز در جهان معاصر از جمله حقوق طفل مورد بحث قرار می گیرند .

چنانکه یکی از این فرا مین که همه مسایل مربوط به حقوق طفل زود بر می گیرد به ما ذیلا تکلیف وظیفه مینماید :

۱ - برابری تمام اتباع افغان - نستان در برابر تعلیم و تربیه صرف نظر از ملیت - جنس - اعتقاد و مقام اجتماعی .

۲ - تعلیم و تربیه اجباری و رایگان برای تمام اطفال کشور که قابلیت سن شمول به مکتب را داشته باشند .

۳ - فرا گرفتن تعلیم و تربیه به زبان های مادری .

۴ - رایگان بودن تمام انواع تعلیم و تربیه و تداوم و شناساندن مکاتب .

۵ - یکسان بودن سیستم تعلیم و تربیه در تمام کشور .

۶ - ارتباط مستقیم تعلیم اطفال با مسایل تربیتی و انسجام آن با زندگی و کارهای علمی .

۷ - دادن جنبه علمی و عملی به محتوای تعلیم و تربیه و بهبود انکشاف دایمی بر مبنای علم - تخنیک - کلتور و هنر معاصر .

تمام مواد فوق الذکر به صراحت از حقوق طفل - تعلیم و تربیه

رایگان با شرایط مناسب تعلیمی و جسمی و انکشاف آنها تذکر میدهد .

امحاء بیسواد در سر تا سر کشور که وظیفه مبرم وزارت تعلیم و تربیه را تشکیل میدهد و حتما

تنویر اذهان والدین را بر می آورد در انکشاف تعلیم و تربیه و حقوق اطفال نقش بسیار موثر دارد .

در جمهوری دموکراتیک افغان - نستان تعلیم و تربیه تنها حق نه بلکه وجیهه اطفال شمرده شده است .

لت و کوب و مجازات جسمانی شاگردان جدا منع گردیده است - از حقوق والدین است که بهر

زبانیکه خواسته باشند طفل شان تحصیل نمایند .

و جوانان کشور میباشند . چنانکه ماده (۲۶) اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که یکی از بزرگترین دست آوردهای مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند نورد است چنین تصریح مینماید :

((خانواده - مادر و طفل تحت حمایت خاص دولت قرار میگیرد دولت در مورد صحت مادر و طفل توجه خاصی مبذول میدارد و جهت ایجاد شرایط مساعد تحصیل در مسلک و تدارک کار تداوم لازم اتخاذ مینماید .

از گانهای دولتی - سازمانهای اجتماعی و مکاتب موظف اند در تربیه اطفال خانواده ها کمک کنند .

دولت مواظبت جوانان را بعهده میگیرد برای آنان امکانات تعلیم و آموزش مسلکی را فراهم میسازد جهت تامین کار به آنان ایجاد شرایط مساعد جهت تربیه معنوی و اخلاقی رشد جسمانی و اشتراک و وسیع خلاق در اعمار جامعه نوین مساعدت میکند)) .

بسیاری از فیصله های شورای انقلابی و تصامیم کمیته مرکزی گواه آنند که مسئله حقوق طفل در جمهوری دموکراتیک افغانستان موضوع مبرم و حیاتی شمرده شده و وزارت تعلیم و تربیه همواره با تلاش خستگی ناپذیر در تطبیق آن از خود مساعی به خرج داده است موضوعات انتخاب لسان برای تحصیل طفل - حق تعلیم و تربیه برای تمام اطفال کشور - حقوق و مسئولیت های والدین در امر تعلیم و تربیه مدت تحصیل اطفال در

جهل و امراض ستم ملی و همه مظالم عقب ماندگی از کشور نابود گردد و جای آنرا امید و خوشبختی - ترقی و رفاه صلح و آرامش بگیرد .

هویداست که از حقوق طفل نمیتوان به صورت مجرد و انتزاعی بدون در نظر گرفتن شرایط و مراحل اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و فرهنگی صحبت کرد طفل در آغوش ما - در جامعه عقب نگه داشته شده ما - در پرتو اقتصاد ضعیف ما است و هیچگاه از ذهنیت ما جدا نیست . واضح است که اکثریت عظیم اطفال کشور ما از نعمت تعلیم و تربیه و سواد محرومند . چطور امکان دارد که حقوق اطفال را جدا از همه ملاحظات مورد مطالعه قرار داد !

خوشبختانه با انقلاب بیروزمند نور این همه آرمانهای ما رنگ و حقیقت بخود میگیرد و ما را در کار و بیکار به خاطر آرمانهای مشترک مردم دلگرمی میدهد .

بر واضح است که حمایت از اطفال و نو جوانان و ایجاد شرایط مساعد به خاطر انکشاف معنوی و جسمی آنان از وظایف مبرم دولت جمهوری دموکراتیک افغان - نستان است .

اصول اساسی جمهوری دمو - کراتیک افغانستان فرا مین شماره (۲۸) و شماره (۲۸) شورای انقلابی بیانیه ها و رهنمایی های رهبران حزبی و دولتی همه موید اینست که حزب دموکراتیک و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان با تمام ارگانهای خویش در تلاش انکشاف معنوی و جسمی اطفال

تعلیم و تربیه همگانی و آماده ساختن نسل جوان به کارها و فعالانه آگاهانه و خلاقانه که هدف آن رشد اقتصاد - فرهنگ و ارتقاء سطح زندگی مردم باشد یکی از مسایل نهایت مهم و وطن ما است .

از آنجاییکه اعمار جا معه دمو - کراتیک بدون تحولات عمیق بنیادی در ساحت کلتور و دیگر ساحت های حیات معنوی کشور غیر ممکن است . بناء در مرحله کنونی انکشاف کشور ما بنیاد یک سیستم جدید تعلیم و تربیه که بازمان و آرمانهای زحمتکشان افغانستان توافق داشته باشد نهایت ضروری است . تا اینکه سیستم جدید به نسل جوان ما نه تنها معلومات عمومی بلکه معلومات مسلکی حیاتی نیز داده بتواند . تجدید سیستم تعلیم و تربیه ایجاب می کند که ساختار تعلیمی مکتب - محتوی تعلیم و تربیه میتود های تدریس تغییر نموده و سطح آگاهی کادر های معلمان ارتقا داده شود . از آرمانهای ما بوده که :

جوانان کشور عزیز ما سازندگان جامعه نوین دموکراتیک باشند و در تحولات انقلابی اجتماعی و رفیع عقب ماندگی اجتماعی - اقتصادی و انکشاف فرهنگ ملی حصه بگیرند به زبان مادر و مطابق به استعداد های خویش آزادانه تحصیل نمایند . تعلیم و تربیه حق و وجیهه هر فرد بوده و همه میتوانند از تحصیل بهره مند شوند .

از آرمانهای دیرینه ما بوده است که تبعیض - بیسوادی -

زنان در پروسه انقلاب

زنان پیروزمی شوند

سه سال و چندماه از پیروزی انقلاب شکوهمند و ظفر آفرین نور در کشور ما میگذرد .

زن در فراخنای پر خم و پیچ تاریخ ضربه کوبنده و مرگباری بر پیکر هیولای هول انگیز امپریالیسم وارد کرده و فعلا نه در مبارزه علیه ازدهای سه سر ارتجاع ، استبداد و استعمار شرکت ورزیده است . زن که در روند تاریخ در زیر غل و زنجیر سهمگین زندگی به وحشیانه ترین شکلی در تحت استبداد طبقات حاکم ستمگر برده دار و در حصار کار و پیکار خانواده و جامعه غدا میکشید سر انجام توانست در جریان پیکار خونین و زنجیر گسل باشها مت و قهرمانی بدیوار پولادین استبداد شکاف عظیمی را ایجاد نماید و حماسه توانایی و قدرت پیکار خود را برای سازندگی زندگی نوین به اثبات رساند .

زن نقش زنجیر شکن و حماسه ساز خود را در کنار همه پیروان آزادی ، صلح و ترقی علیه دولت

اندیشه های خلاق مارکس ، انگلس ، لنین نه تنها پروسه رشد و تکامل جامعه و جهان را صمیمانه رجوع در صفحه مقابل



این انقلاب که در اثر یک جهش ملی و به خاطر تحقق همه آرمانهای انسانی مردم ما ، به خاطر پایداری بخشیدن به روابط و ضوابط غیر انسانی بهره کشی انسان از انسان و به خاطر خاتمه دادن به همه انگیزه های بیماری ، فقر و بیسوادی در میان توده های وسیع زحمت کش مردم میهن ما به پیروزی رسیده شده است . از همان آغاز علیه همه نماندیم و زور و زور گویی استثمارگران ، غاصبان و چپا و لگران ، علیه هر گونه انار شیزم و بی عدالتی در سطح ملی و جهانی و علیه همه انواع مظالم و ستم به پا خواست و اینک خواست ملی بود که از نهاد ملت بر خواسته بود ، فریادی بود که خاستگاه آن گلوئی همه ملت بود و قیامی بود که در آن زن و مرد و پیر و جوان همه یکسان در یک ردیف بپا خواسته بودند . این فریاد و این قیام پشت امپریالیسم جهانی را لرزاند دست خونین او را برای دروازه های انسانی و پشته سازی از کشته های انسانی از آستین بدر آورد . همه نیروهای ضد ملی و اهر یعنی - همه آنها نیکه دشمن این وطن و مردم این میهن و دشمن آزادی و آزادی و صلح و برابری بودند در این اتحاد نامقدس سهم گرفتند تا پایه های نظام مردمی تازه استقرار یافته در کشور ما فرو ریزانند . آنها این شیطان منشی های آلوده دست به اسلحه بردند ، مکاتب و کتابخانه ها را به آتش کشیدند جوانان ما را در خون های گرم شان آغشته ساختند . مادران را به سوک عزیزان شان نشاندند و فاجعه بی رابه وجود آوردند که از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور هیچ مادری هیچ پدری و هیچ خواهر و برادری را بی داغ نگذاشت .

و تاکنون همه این عزا و عزاداری ادامه دارد .

خواهران رزمنده و قهرمانان من برای پایان بخشیدن به این درامه های غیر انسانی برای به دست آوردن و تائید صلح و آزادی برادری و برابری و برای اینکه انقلاب نجات بخش ما بتواند هر چه پیروز مندتر و شکوهمند تر به پیش رود و ارزش های انقلابی یعنی کار برای همه و نان برای همه و لباس برای همه را موفقانه بخش و پیاده نماید باید در فکر ایجاد جنبه و اتحاد ملی بود جنبه و اتحاد ملی یعنی استقرار گاه همه نیروهای انقلابی در راه دفاع از انقلاب و تازمانی که دیگرگر سنگی در میان مردم ما نباشد و قحطی انسان را ببلع نکند و فقر و بیسوادی انگیزه ساز مصایب اجتماعی نگردد با این دفاع از دست آوردن های انقلاب میتوان سپاهی خوب انقلاب محسوب شد .

ما زنان و مادران افغانستان انقلابی : در این دوران خون و آتش به مشابیه نیمی از پیکر جامعه خود نمیتوانیم در برابر منافع ما در وطن بی تفاوت باشیم .

مادر این فرصت از حساس ترین زمان تاریخی سوگند یاد میکنیم که برای ایجاد یک جامعه رفیع تا آخرین قطره خون خود از انقلاب مردمی خود پاسداری نموده و با خون خود ریشه آنرا آبیاری می نمایم .

مابه همه ی زنان کشور به همه آنانیکه احساس مادر دارند و به همه آنها نیکه می خواهند خاستگاه های آن ها کانون آموزش و پرورش بهترین فرزندان کشور باشند و به زنان نیکه سالهای سال زنجیرهای فرسوده برده گی بدست و پای شان سنگینی می کرد . اعلام میداریم که در این جنبه مقدس ما یکجا شویم و در بقیه در صفحه ۳۵

بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر نه تنها مسئله آزادی زنان تضمین گردید بلکه حکومت شوروی با صدور فرمانهای قاطع، تساوی حقوق زنان را در ساحه عمل پیاده نمود لنین در سال ۱۹۱۹ با افتخار چنین گفت: حکومت شوروی به مثابه قدرت زحمتکشان در اولین روزهای استقرار خود با هر آنچه که به اسارت و حقارت زن منتج می گردید مقاطعه نمود و گام های وسیعی جهت تامین حقوق زنان برداشت. حزب کمونیست اتحاد شوروی تنها به مساوات زنان در چوکات قانون اکتفاء نکرد بلکه برای تامین در همه عرصه های زندگی عملاً بیکار نموده است.

لنین یا داور می شود که جنبش کارگری فقط برای تساوی ظاهری نه بلکه هدف اصلی آن تساوی حقوق زنان در ساحت اجتماع و اقتصادی میباشد. چنانچه سوسیالیسم زمینه های گسترده برای همه زنان جهت استفاده از حق کار را مهیا نمود که این واقعیت انکار پذیرد. بامردان آور تا مین حقوق مساوی زنان بامردان بود. لنین به شرکت زنان در امر تولید اجتماعی اهمیت زیادی قایل بود و متذکر میگردد که برای آزادی کامل زنان و برای تساوی حقوق زنان بامردان باید که اقتصاد شکل اجتماعی به خود بگیرد و نقش ارزنده زن در کار بهره دهی متباز گردد. این یگانه شرط برای تامین تساوی حقوق زنان بامردان به حساب می رود (کلیات جلد ۱۵ صفحه ۳۰).

شرکت زنان در تولید اجتماعی بعد از انقلاب عمده ترین عامل رشد محتوی و ارتقای شعور سیاسی سی زنان بشمار میرود.

باقیدار

و مفید میداند زیرا سهم در تولید زن را از حلقه محدود خانوادگی و مطبخ بیرون میکشد. شعور طبقاتی و آگاهی سیاسی را در زنان بیدار میسازد و برای آنان زمینه آشنایی با جنبش را مساعد می سازد لنین به کرات ضرورت شرکت فعال زنان را در جنبش انقلابی ثابت مینویسد. تکامل انقلاب سوسیالیستی امکان پذیر نیست اگر عده بزرگی از زنان زحمتکش در آن شرکت فعال و قابل ملاحظه ای نداشته باشد لنین کلیات جلد (۳۷) صفحه (۸۵).

لنین روی این موضوع همیشه تاکید میکرد که جنبش زنان باید توده ای باشد و میگفت که در جوامع طبقاتی زنان زحمتکش بار استثمار دوگانه را روی دوش خود احساس می کند از یکطرف به حیث زنان کارگر و دهقان مورد ستم و تحقیر قرار میگیرند و از سوی دیگر نه تنها از لحاظ قانونی از تساوی حقوق بهره نمیبرند در همه عرصه های زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بی بهره اند بلکه به اساس رسوم منحط و خرافاتی عملاً با مثابه بردگان منحصر به خانواده به خانه باقی مانده اند.

نباید فراموش کرد که همه زنان وابسته به طبقات دیگر وضع رقت اور عدم تساوی حقوق را متحمل میگردند از اینرو علاقمند پیروزی مبارزه زنان برای کسب حقوق مساوی در همه جهات زندگی اند. لنین همیشه تلاش داشت تا فریب و اغوای جهان سرما به را در برابر زنان افشاء نماید و زمینه های توجه و علاقمندی آنان را به جنبش انقلابی معطوف نماید و از همه امکانات جهت تربیه کادرهای فعال پرو فیشنل که علاوه بر دیگر مسایل فعالیتها تبلیغاتی را جهت آگاهی شعور طبقاتی بین زنان سازمان دهند. عمیقاً بذل توجه مینمود.

مالکیت اجتماعی بروسایل تولید میتواند از مقام پرستیز و سبیل معمولی تولید بودن را رفع نماید. همچنان مارکس و انگلس در اثر مشترک خود (خانواده مقدس) بر خورد بپر حمانه بورژوازی را در برابر مقام زن همه جانبه تحلیل و بررسی مینماید و آشکار میسازند که رنج و بد بختی فقر و کمر سنگی زادر جوامع طبقاتی بیشتر از همه زنان و مادران احساس مینمایند لنین رهبر گرامی خلقهای جهان با طرح این مسئله که (هیچ جنبشی بدون دخالت زن توده ای نیست) خدمت ارزشمند و قابل قدری را جهت احیای حقوق زن در همه عرصه های زندگی انجام میدهد.

لنین اندیشه های خلاق، مارکس و انگلس را در ارتباط مسئله زن مطابق به شرایط رشد یا بنده کنونی بسط و توسعه داده در پیش از پنجاه الی لنین توضیحات مربوط به پرابلم های مسئله زن را می یابیم که در مورد وضع زن و اطفال در جامعه سرمایه داری در باره نقش ارزنده جنبش زنان و شرکت شان در مبارزه دوران ساز طبقه کارگر سهم زنان را در امر انقلاب مفیدیت شان در ساختن جامعه نوین و بالاخره در مورد جنبش بین المللی زنان را با ارزشی ارائه نموده است. لنین در اکثریت

آثارش بر خورد جابرا نه و غیر انسانی جوامع طبقاتی را در برابر زنان افشاء مینماید. وضع رقتبار زنان دهقان را که عمق زمین را می شکافند و تحمیل کارهای توان فرسابالای کارگران و اطفال را شدیداً مورد انتقاد قرار میدهند و متذکر میگردد که این بیعدالتی در برابر زنان با شرایط نامساعد بهداشتی و ادامه نامحدود وقت کار در برابر مردان چیز بیوند ناگزیر دارد لنین در عین زمانیکه استثمار ظالمانه زنان را توسط بورژوازی تقبیح مینمود و لی شرکت آنان را در تولید متبست

باعت تاثیر خود آورد بلکه عمده ترین پرابلمهای جهانی یعنی آزادی زن، شرکت زنان و جنبشهای انقلابی حق مبارزه برای زنان جهت کسب حقوق مساوی بامردان در خانواده جامعه تحکیم امر صلح و نیرومندی بیکار ظفر نمون آزادی بخش مالی دموکراتیک را عمیقاً نه بررسی اساسی ترین راه های حل رابرای آنها ارائه نموده اند ولی ایدیولوگ های طبقات حاکم ستم گریز مانه تلاش ورزیدند تا بدیشه های میان تهی خود را ارتباط عدم تساوی حقوق زن شکل قانونی بدهند و مذبح خانه سعی نمایند تا برخورد غیر انسانی طبقات حاکم را در جوامع استثمارگر و در زیر پرده عوامل چون ناتوانی ساختن جسمانی و فیزیولوژیکی نداشته و نشاءه مینمایند که گویا زنان قادر به انجام وظایف بزرگ هستند.

مارکس و انگلس بنیان گذاران بوری علمی برای اولین بار سر هم بندی های ارتجاعی را در برد علل بی حقوق زن در هم گوینده و قاطعانه به اثبات رسانیدند که به اساس کشیدن زن بر همه شئون زندگی عوامل اقتصادی اجتماعی دارد نه بیولوژیکی. بر ظاهر ما لکیت خصوصی بر سبیل تولید و تقسیم جامعه به طبقات متخاصم عامل اصلی، به اسارت کشیدن زنان محسوب میگردد.

بیدایش طبقات متضاد در جامعه یکسو زنان را از لحاظ اقتصادی بشوهر و پدر وابسته ساخته استقلال اقتصادی زنان را از بین برد و از جانب دیگر زن به حیث مقنن و کارگر به اسارت استثمارگران درآمد.

از همین لحاظ است که مارکس و انگلس در اولین سند بر نامه کمیزم «نیفتست» حزب کمونیست نوشتند فقط بر قراری



زنان مبارز فلسطین علیه صهیو نیست ها می جنگند .

نقش زنان فلسطین در مبارزه علیه صهیونیسم

ترجمه از مصری احمدی

کشتار هزار ها مرد ، زن و طفل شده بودند انجام دادند .

اگر ما در باره آنچه جرایم ، تجاوزات ضد انسانی ، قتل های عمومی و مداوم صهیو نیست ها که بمردم مبارز فلسطین روا داشته اند چیزی بنویسیم کتاب ضخیمی از آن ترتیب خواهد شد .

مینا خیم بگین و مزدوران تروریست وی مرتکب بسیاری از این اعمال ترور یستی و دهشت افگنی در سر زمین فلسطین شده اند .

با رعایت این نکته باید متذکر شد که بسیاری از کسانی که از فلسطین اخراج شدند زنان بودند که یازده فیصد آنها را زنان حامله تشکیل میداد .

در سال ۱۹۶۸ زنان فلسطین با پیوستن به صفوف قوای مسلح مبارزات بیکر خود را علیه صهیو نیست های اشغال گر آغاز نمودند این بدان معنی نیست که زنان قبل از این تاریخ در مبارزات سهم نمی

زنان فلسطین رول عمده و مهمی را در راه مبارزه علیه اشغال صهیو نیستی فلسطین بازی نموده اند ، آن ها از طریق سازمان های مقاومت بر ضد اسرا ئیل اشغالگر به مبارزه پرداختند .

جنبش مقاومت زنان فلسطین در مبارزات مخفی علیه دشمنان اشغالگر رول عمده و بارزی را بازی نموده اند .

در سال ۱۹۴۸ زنان فلسطین گروهی انقلابی ایرا تشکیل دادند و از طریق این گروه به مبارزه پرداختند .

وظیفه این گروه زنان انتقال اسلحه و تجهیزات به انقلابیون بود بسیاری زنان فلسطین در این عملیات نظامی سهم ارزنده ای را ایفا نمودند .

زنان یک سلسله اعمالی را برای امحای صهیو نیست ها و افشای هر چه بیشتر اعمال ترور یستی و وحشیانه آنها که باعث قتل عام و

گرفتند ، اما بعد ازین تاریخ زنان مبارزات خود را علیه صهیو نیست ها ازدیاد بخشیدند .

بسیاری مادران فرزندان خود را هنگام پیوستن با سازمان آزاد یبخش فلسطین و مبارزه علیه اشغالگر آن صهیو نیست از دست دادند .

زندانیهای صهیو نیست ها مملو از دختران مبارز و زنانی می باشد که به وضع رقت بار و طاقت فرسا فشار و شکنجه متحمل گردیده اند .

فدراسیون عمومی زنان فلسطین به صورت منظم فعالیت های زنان را در ساحه سیاسی تنظیم نموده و نقش دایمی و عمده ای را در حیات اجتماعی زنان فلسطین بازی کرده است .

به همین ترتیب فدراسیون عمومی زنان فلسطین به اساس ارتباطی که با بسیاری سازمان های جهانی زنان دارد ، مقام حیثیت و بعد مبارزه زنان فلسطین را به جهانیان شناسیده است .

تا اکنون فدراسیون عمومی زنان فلسطین در راه تربیه و پرورش زنان تلاش زیاد نموده است . تا آنها بتوانند از انقلاب و آزادی فلسطین دفاع نموده و علیه صهیو نیست های اشغالگر به مبارزه پرداختند و نقش بر جسته یی را در این راه بازی نمایند .

قابل یاد آوری است که زنان فلسطین در تمام ساحات مبارزات سیاسی نظامی علیه صهیو نیست های اشغالگر و تجاوزات شان سهم عمده داشته اند .

گروه های گوریلایی زنان فلسطین بدشمنان درسهای فراموشی ناشدنی داده و اعمال توحشی خصمانه آنها را در مقابل چشم جهانیان افشاء نموده اند .

زنان فلسطین همیشه به مقابل صهیو نیست های اشغالگر مقاوم بوده اند و می خواهند در تحقق دست آورد های انقلاب و تامین آزادی سهم کامل بگیرند .



فدراسیون دمو کراتیک بین المللی زنان

سنگر فاشیزم این هیولای ننگین قرن ما، زنان کشور های مختلف نمونه های شهادت و فداکاری را بنام انسان وزندگی ایجاد نمودند از گران تا کران، اینجاد در فرانسه و یوگوسلاویا، پولند و ایالت لیا، دنمارک و سرزمین وسیع کشور شوراهای زنان در جنبش مقاومت پارتیزانی فعالانه شرکت داشتند آنان سلاح بردوش می جنگیدند، بارسانیدن آب و نان، تجهیزات نظامی و اطلاعات دقیق از پلانهای دشمن، نجات پراشوتسناها و مخفی کردن پارتیزانها افسانه ها آفریده اند.

آنگاه که نینا پاپوفه رئیس کمیته ضد فاشستی زنان شوروی عقب تریبون گنگره قرار گرفت و واقعیت های افسانه نوی پیکار و شهادت، وطنپرستی و رزم مجوی زنان کشورش را بیان داشت، همه نمایندگان به پا خاسته و طنین عیجان انگیز کف زدنهایشان احترام بزرگی را در برابر زنان قهرمان شوروی افاده می نمود.

نینا پاپوفه سالها یفراوانی از دلاوری و شجاعت زنان شوروی را در شرایط جبهه و در عقب آن یاد آور گردید.

اواز اناباو لود دختر جوان لنینگرادی سخن زد که در نبرد دشوار روی روی بادشمن مجهز و کثیر العسده شرکت ورزیده بود.

وقتی فرماندار قومورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت، انا در پیشاپیش سپاهیان قرار گرفته آنانرا به عقب خویش تا فتح و غلبه بردشمن گشاند. ولی قلب آکنده از عشق او نسبت به مادر و وطنش نشستگاه گلوله دشمن شد و از پیش ماند، در یاد داشت های که از انابجا مانده نوشته شده است:

((من به سر نوشت میهنم همواره می اندیشم، تو گویی که من و سرزمینم موجود واحدی هستیم، سعادت و تبسم خویش را در سعادت و ظنم جستجو دارم، آنگاه که صدای نفرین شده گلوله گوشم را می خراشد و یا نا زیبا که کاخها و خانه های لنینگراد را ویران می کنند چنین می پندارم که گو یا قلبم را نشان قرار داده اند و فریاد و جدانم را می شنوم که میگوید جسور و صادق باش و یکجا با سپاهیان و وطنم بزم)) این کلمات ساده ولی با عظمت احساس و اراده میلیونی نهان

شوروی را تجلی می دهد. شرکت کنندگان گنگره مسایل پراهمیت و در دستور روز حیات زنان را ارزیابی نمودند و در برابر جهانیان تعهد سپردند که علیه فاشیزم، به خاطر صلح دوا مدار و دموکراسی تاپای جان می رزمند و به ارمان های زنان و کودکان جهان وفادار اند و خواهند بود، به خاطر تا مین مساوات زن با مرد در همه عرصه ها و ایجاد لازم جهت رشد همه جانبه کودکان مبارزه می کنند در فضای گنگره همه نداها با هم آمیخته و غرش توفانزای واحدی را بوجود آورده بود که بیانگر حکم وجدان شرکت کنندگان این گرد هم آیی بزرگ بود. آنانرا عشق و احساس واحدی بهم پیوند داده بود نوای همگون قلب مادر و احساس نیرو مند مادرا نه این است زبان مشترک و سلیمس زنان جهان که بوسیله آن صرف نظر از تفاوت های رنگ، پوست و فاصله های جغرافیایی عقاید مذهبی، سیاسی ولسانی همدیگر را عمیقاً درک می کنند.

تأمین سعادت کودکان و آینده درخشان برای آنان انگیزه توانایی بود که زنان را از گرانه های دور دست به پاریس فرا خوانده بود.

از تریبون او لین گنگره جهانیان زنان سخنرانی های پر محبت، صمیمانه و عینی در باره مسئله کودک و حل نهایی آن صورت گرفت، از رنجها و مصیبت های کودکان از زنده بگور شدن و سرازیر شدن شان به کوره های آدم سوزی فاشیزم سخن به میان آمد. نمایندگان گان گنگره فاکتها و ارقا می را به پیش کشیدند که نمونه های روشنی از تحقیر، شکنجه و محرومیت افغان بوده است.

در پیام گنگره خطاب به زنان جهان آمده است تا زنان سراسر جهان همه نیروی خویش را در جهت دفاع از صلح، دموکراسی و علیه وحشت استعمار تجهیز نمایند. گنگره در برابر سازمانهای دموکراتیک ملی زنان کشور های مختلف جهان وظیفه گذاشت تا به خاطر رسیدن به حقوق مساوی، حق تحصیل، حق کار، و استراحت کسب دستمزد مساوی در برابر کار مساوی با مرد و حق استفاده از بیمه های اجتماعی و تقاعد، بقیه در صفحه ۳۵

خیزیم و سکوت اختیار نمائیم، بیایید دوستان تا به خاطر بزرگ بشیریت از چنگال فاشیزم سوگند یاد نمائیم که به خاطر ایجاد و اعمار دنیا ی جدید و زیبا مانند مشت پود لادین یکپارچه می شویم. کلیه نمایندگان گنگره از قهرمانیها و حماسه آفرینی های زنان کشور های شان سخن پر داختمند و نقش پر ارج آنان را در شرایط داغ و استوار جبهه ترسیم نمودند از زن، از رزمندگان های او، از احساس و عشق پر شورش نسبت به کودک و آینده کودککش از نیرو و توانایی او که همپا و همسنگر با مردان موضع دشمن را فرو ریخته بود سخن در میان بود.

زنان که با قلب فراخ و تحمل مادر ی بیش از هر کسی دیگر مصیبت جنگ برشانه های شان گران میگرد شعارشان این بود، اگر سلاح دست داشته برای تان کفایت نمی کند اما انواع جدید آنها در جنگ بی امان بادشمن، در شیوه های مردن به خاطر زندگی جستجو خواهیم کرد)) در پیکار مرگ وزندگی در مبارزه بخاطر شکستن

در سالون دوستی شمیر پاریس زنان با رنگهای مختلف، فرستادن زنان امریکا، هندوستان چین، مصر و دیگران حاضر بودند و فریاد طوفانی خود را صدای میلیونها زن کارگر، رنجبر و دانشمند، داکتر، زنان خانه، دادگر و روشنده و اهل کسبه را به گوش جهانیان رسانیدند. اکثر شرکت کنندگان گنگره نشانی فراوانی که سمبول تقدیر بشریت از شرکت حماسه آفرین آنان در جنبش مقاومت و رها بی بخش ضد فاشیستی است بر سینه داشتند. او ژنی کو تون رئیس کمیته وقت تدارک و تدویر گنگره جهانیان در حالیکه او لین گنگره بین المللی زنان را می گشود چنین بیان داشت: شعله احساس واحدی سرپای همه ما را می سوزاند. به آرزوید قربانیا ما را، مجروحین و معیوبین ما را، آنانی را که سعادت و آینده خویش را جا و یدانه دریای بشریت ریخته اند. بیایید دوستان تا به خاطر بزرگداشت قهرمانی های آنان به پا

بگذشته ها گذشت

بگذشته ها گذشت و دیگر باز نیاید
چون رویای گمشده از دیده زمان
در خلوت سکوت
رفتست گو بیبا
پنهان شده بگور سیاه زوال
خویش

• • •

آن عصرها بر فت و بسیر تحولات
پیمود راه خویش
خود را فرو کشید .
فرجام در پناه سیاهی قرنها

• • •

آن دوره ها گذشت و لسی در
خیالها
زان سر گذشت ها
زان رفته لحظه ها

از خود بیاد گار نهاده نشانه
ها

• • •

تاریخ باز بان ورق ها بیانگر
است

از ظلم جابران
وز آه مظلومان

گوید همیشه قصه حال گذشتگان

• • •

هر واقعه که در دل تاریخ ثبت شد
در روزگارها
زان گیر و دارها

بر روی صفحات هر آنچه نبشته
شد

آخر همه بروی زبا نه کشیده
شد

• • •

اما کنون که از بی سرگشت
گذشته ها

در سر زمین ما
خورشید با مداد سعادت دمیده
است

گرم و نوید بخش
خندد بروی توده زحمتکشان ما
با افتخار جنبش کاریگران ما

• • •

هشدار ای رفیق
وی ! همبورد من
این روز ما و تست
ماوتو بهر مردم خود کار میکنیم
این ملک را بسعی خود اعمار

برزم ای ! همبورد

برزم ای ! همبورد ای ! قهرمان
ای ! پیشتاز جنبش زحمتکشان
وی ! گرد رزم آور
همه نابود گردانند
به جرم خود سیاه کاران استعمار
راخو شنود گردانند

• • •

برزم ای ! همبورد
ای ! قهرمان در سنگر داغ
دلیر و بی امان پیکار کن با خصم
افسونگر
آن آدمکشان زشت بد گوهر
کنون بر میهنت بیباک میتا زند
به هر جا دست می یازند
مکاتب را همی سو زندو

مردم زاعمه یکسر
به بیرحمی زو حشت میکشندو
مال و دارایی آنان همی دزدند
برزم ای ! همبورد
در جیبه های گرم با دشمن
که آن نا بخر دان
آن نوکران اجنبی
آن خود فروشان

مردم زاعمه یکسر
به بیرحمی زو حشت میکشندو
مال و دارایی آنان همی دزدند
برزم ای ! همبورد
در جیبه های گرم با دشمن
که آن نا بخر دان
آن نوکران اجنبی
آن خود فروشان

مردم زاعمه یکسر
به بیرحمی زو حشت میکشندو
مال و دارایی آنان همی دزدند
برزم ای ! همبورد
در جیبه های گرم با دشمن
که آن نا بخر دان
آن نوکران اجنبی
آن خود فروشان

از محمد عزیز «رویش»

عشرت

عاقبت کردی ز هجرانت سیه بوشم دگر
کی شود چشمان شهلایت فراموشم دگر
عطر آغوشت بتا کی میرود از بستر
کاش آبی یکشبی ای مه به آغوشم دگر
یادم آنروز یکه بو سیه م دوچشمانت را زشوق
بوسه ها دادی زلبها و برودوشم دگر
باز رفتی از کنارم ای بت زیباومست
از فراقت خون دل هر لحظه می نوشم دگر

می پرستم چشم آهو را بیا چشم تو
یک نگاه چشم مستت برده از هوشم دگر
کی بنوشم جرعه ای می رازهر بیما نه ای
نشانی لبها ی نابت کرد مد هوشم دگر
هر که را بینم که با عشرت لبی تر می کند
چشم خود از دیدن این ما جرابوشم دگر
گرچه رفتی از کنار رویش رنجیده ات
در ره عشقت غلام حلقه برگوشم دگر

بال عقاب

سلی دل غمدیده نا کام کنم
 بود خون جگر خوردن وقانع بودن
 نتوانم که بهر بزم زبهر جامی
 روز هن تیره بسان شب دیجور بود
 غم آیدوگا می الم و گه تشویش
 است مشکل که شود صید غزالی به کمند
 بال اگر وام بگیرم زعقا بی زبید
 طرف خیره گی چشم و دگر سوپیری
 تپی دست نیم تقدروانم بکف است
 گوید که مکن عربده در بزم «نوید»
 خون دل را بقدر ح ریزم و مینام کنم
 چند ، تا چند می از می کده ها وام کنم
 دست در دامن ساقی زده ابرام کنم
 فرق نتوان که میان سحر و شام کنم
 کوچنان فر صتی تا یک نفس آرام کنم
 آهوی و وحشی چشم تو چنان رام کنم
 عار باشد زمکس بال و پری وام کنم
 من چه سان حوصله با این همه الام کنم
 صرف آن زا به می و شاهد گلغام کنم
 من کجا گوش بحرف خرد خام کنم

دیده و دل

در جهان جان من جوشش تمنایی
 جنگل وجودم را ، جاودانه دریایی
 لاله های امیدم ، از نمونمی ماند
 دشت آرزویم راه ابر رحمت افزایی
 از زمین شوق من گل چمن چمن روید
 در بهار احساسم ، گلشن شکوفایی
 در قلمرو هستی ، شب چراغ جاویدی
 اوج عشق انسانی حسن عالم آرای
 در فضای دانش سعاد در صفای بینشها
 آفتاب اشراقی ، صبح نوربخشایی
 قامت رسای تو سینه صفای تو
 عالم دگر دارد ، در لباس خارایی
 دیده و دل ما را ، نیست تاب دیدارت
 در بغل نمیکنجی ، در نظر نمیایی

(زبه سواند)

دزیره بلبل

ستاد زلفو هر یو تار لکه سنبل دی
 ورته سرمی به نغو دزیره بلبل دی
 را کوی مبارکی د آسمان ستوری
 چی اید لی می داستاد رخسار گل دی
 تلوسی زما دوصل پسکی زانگی
 چی خور کوی تابه میخ بانندی کاکلی دی
 داجی سری وینمی خاخی نه بدن نه
 سوری شوی به هجران زما موگل دی
 چی سپورمی ته شومه خیره دوپرو سترگو
 ستانسیاست وربانندی بو رته یوپه سل دی
 (دزیره سواند) خیری گریوان ته حیران گوری
 نه پوهیزم چی پردی او که می خیل دی

شکوه از عشق

نشاط زندگی از من ربودی
 توای عشق ، هم بلای عقل بودی
 زدی آتش بجانم از غم دو ست
 بجای مهر بردردم فرو دی
 بتو تا آشنا شد این دل من
 خوشی و عیش را ازوی زدودی
 زیارم شکوه ها کردم دریغا !
 کنون دانم که خصم من تو بودی
 امید شادمانی داشتم از تو
 به جز رنج و غم و دردم نبود
 ز چشم خواب و از دل پردی آرام
 دیگر از بود نت ما راجه سودی
 در اول مهر لیلا دادی بر من
 در آخر (فیضی) را همچون نمودی



پدران و مادران بگذارید فرزندانتان خود زندگی کنند

نقشی را که امروز خانواده در حیات اجتماعی دارد خیلی ها ارزشمند و با اهمیت است . از این رو روابط خانواده باید طوری عیار باشد که اعضای آن بدورستی و بخوبی بتوانند زندگی را دنبال نمایند . متأسفانه در بعضی از خانواده های ما روابط طوری است که به مشکل می توان در آن زندگی کرد و همین اختناق در روابط خانوادگی است که بسیاری از اعضای خانواده را گریزان از خانواده می سازد .

مثلاً جوانی با صد ها آرزو میل میکند برای خویش زندگی تازه بسازد و شریکی برای این زندگی تازه بیابد . وقتی بعد از تعمق و تلاش زیاد بالاخره موفق میشود که شریکی برای زندگیش بیابد ، و یا با هزار آرزو بخاطر زندگی ایده آل اقدام به ازدواج میکند و زمانی که عروس به خانه خود می آورد بعد از چند روز یا چند هفته متوجه میشود که پدر ، مادر ، خواهر و دیگر اعضای خانواده با همسرش بنای مخالفت و بد رویی می گذارند . این وضع برای جوانی که می خواست زندگی آرام و ایده آلی داشته باشد سخت گران می نماید و این امر باعث میشود که او زود از این زندگی خسته گردد . پس چه باید کرد ، و راه نجات از این وضع چیست ؟
به عقیده بسیاری از صاحب نظران اینست



که اگر امکان این باشد و اگر اقتصاد خانوادگی این اجازه را بدهد که زندگی مستقلی داشته باشند بهترین راه زندگی جداگانه و مستقل است . و اگر از نظر اقتصادی این امکان موجود نباشد ، بهترین روش اینست است که اعضای دیگر خانواده نباید در امور زن و شوهر مداخله نمایند ، چه اگر قرار باشد که در هر موضوعی مداخله از طرف دیگران صورت بگیرد زندگی خود و دیگران را تلخ میسازند و فضای آرام خانواده را مفلک می سازند . بگو مگوهای در بسیاری از خانواده ها بلند می شود و باعث بروز اختلافات در بین اعضای خانواده می گردد که همه اش از باعث عدم هم آهنگی فکری و عدم سازش در بین اعضای خانواده می باشد . پس ای خانواده های

محترم ، مخصوصاً روی سخن ما به آن پدران و مادران است که سعادت و خوشی خانواده خود را می خواهند از شما تقاضا میکنیم که در امور زندگی خصوصی فرزندان تان مداخله نکنید . حد اقل بگذارید آنها خود مسوول سر نوشت خود باشند ما نمی گوییم که آنها را رهنمایی نکنید ، ما نمی گوییم که از همکاری با آنها دریغ نمائید . خیر منظور ما این نیست ، شما با تجربه

اقتباس از آثار احسان طبری

برگردانندگی یا ترجمه به مثابه فن دشوار

با پیروزی انقلاب نور بویژه هر حلقه نوین و تکاملی آن که بر حق هر حلقه نجات انقلاب و مردم است زمینه های عینی گسترش انقلابی در عرصه های مختلف حیات اجتماعی و سیاسی منجمد در عرصه فرهنگی و نویسندگی بیان آمده است که فعالیت در زمینه ترجمه آثار سیاسی و اجتماعی نیز ادامه و سعی کسب نموده است ، ظهور این پدیده بخودی خود کار خوب و ارزشمندی محسوب میگردد . عواملی مختلفی مانند حس کنجکاوی ، علاقه مساعدت به خوانندگان ، استیضای جلوه فروشی ، عوس و انگیزه های نیکو بود دیگر مترجمان را و می دارد تا در عرصه ای گام گذارند که گاه برای آن تدارک لازم را فاقداند . برگرداندگی بخودی خود کار ساده ای نیست ، هر ترجمه خوب به دو شرط اصلی نیاز مند است .

دقت و سلاست با هم به نحوی در تضادند ، سلاست در بیان ترجمه هر گاه ما فقط دقت را مراعات کنیم ، تحت اللفظی و نا سلیس بر گردانده ایم هر گاه تنها به دنبال سلاست برویم ، برگردانده ما عاری از دقت میشود . یافتن بهترین پیوند بین این دو قسطنطنیه متضاد کار ساده ای نیست و به تمرین طولانی نیاز دارد . برگرداننده باید بر زبانی که از آن ترجمه میکند مسلط باشد با موضوع ترجمه آشنا باشد ، مولف را بشناسد تا بتواند دقت را مراعات کند . برگرداننده باید بر زبان خود مسلط باشد معادل لازم هر واژه ای را بداند ، ترجمه خود را با واری مکرر و سواس و صیقل کاری انجام دهد ، تا بتواند سلاست را مراعات کند .

که از زندگی دارید ، بهترین رهنمایی می تواند برای فرزندان شما باشد ولی خواهش میکنم که در امور خصوصی فرزندان تان مداخله نکنید . آن وقت است که شما می توانید با تفاهم کامل و باخوشی زیاد در پهلوی فرزندان زندگی سعادت باری را ادامه دهید .

وای از آن زمان که گرداننده زبانی را می خواهد از آن ترجمه کند ناقص و معیوب میداند با موضوع ترجمه آشنا نیست مولف کتاب را نمی شناسد در زبان خود تسلطی ندارد معادل ها را در طول زمان تمرین نیافته و در عمل خود اشتباهات و بکاربردن است متأسفانه این قواعد بدیهی مراعات نمی شود حتی در مواردیکه ما با مترجمان باصلاحت رو برو هستیم ، گاه عیب فتنده سلاست ، ثقیل و دشوار مطالب ترجمه گاملا به چشم می خورد یعنی ترجمه در دست است ، ولی نا هوار است . زیرا زبانی اصل مهر نشان خود را در جمله نگاری اصطلاحات در زبان ترجمه باقی گذاشته است ، و مترجم جرات نکرده است ، قالب بیان اصل را بشکند و آنچه را که به دقت زبانی نیازمند است و سلاست برد کند . اشکال مهم در این جا است که دستگاه زبانی (پشتو - دری) از جهت ذخیره لغوی و بافت دستوری با دستگاه زبان های اروپایی فرق زیاد دارد البته در اثر فعالیت مترجمان در سال های اخیر نزدیکی های بسیاری حاصل شده است و لی با این حال وضع بین دری و انگلیسی آلمانی یکی نیست . زبانهای اروپایی تقریباً هم برداری از هم هستند و کار مترجم نسبتاً کار سهلی است . مصطلحات علمی در این زبان ها از ریشه یونانی و لاتین و مشترک است در (پشتو و دری) وضع چنین نیست و معادل یابی امری است تا قدری وجده آن ناکوفته و ناروفته و در آن معضلات حل نشده فراوان ، لذا عمل مترجم انگلیسی آلمانی است و به قریحه و تخیل نیازمند است مترجمان ما ، از بیم دور شدن از متن و بیابان قصد اثبات قدرت خود در ایجاد بیابان

مکتب میرزا آسودگان



نمونه از کار سکندری که به شیوه زیبایی ترسیم شده.

مصحح متخصص در زبان دری یا پشتو داشته باشد تا مداخله سه تن، کار را از نقص های عمده نجات دهد.

میگویند ابو علی سینا بلخی یکی از آثار فلاسفه یونان را در ترجمه عربی چهل بار خواند تا از مضمونش (باحث ذهنی که داشت) سر انجام سر در آورد. شاید

این افسانه باشد و لی بهر جهت گو یای آن است که چنین ترجمه های وجود داشته است.

مترجمان که در این کار تهرین طولانی دارند، درک می کنند که گام نهادن بی پروا

در این وادی، چه اندازه گستاخی است البته به قصد تهرین در نزد خود بلا مانع است. ولی برای عرضه داشت به خواننده باید خود را مسوول دانست.

مترجم باید بتواند ترجمه را چنان ارائه دهد که از عیب های مؤلف بکاهد و نه بران

ببفزاید مترجم باید سطح فهم و روح خواننده را در پیش چشم داشته باشد و زمانی

جمله را ترجمه کند که آنرا در تمام ابعادش درک و لمس کرده باشد می خواهیم ترجمه

کنیم، مانعی ندارد و لی در نهج سنگین مترجم خوب بودن را هم بر خود هموار سازیم.

بسیاری از مترجمان باقی زبان های اروپایی ترجمه می دارند که برای خواننده عادی کمی مشکل است این در بهترین حالات است

خصوصاً مترجمان صاف و ساده مطالب را پیچیده را نمی فهمند، جاهای را با خوش سرانه حذف می کنند مطالب را دست

نویسی بعضی از مترجمین مسایله است آیا متوجه هستیم که مترجم

در کشور ما کار ساده ای نیست؟

نص گاه دچار تردید میشود که مترجم آثار سیاسی، تعمدی در مخلوط و نا -

مساختن متن داشته اند یا روش ها ساده و نتیجه گیری ساده است. ما

خواهیم که از کتابی یا کسی نام ببریم هدف (ضربه زدن) به این و آن نیست

طرح سازنده مسئله است. اگر این خطاها در آثار ادبی لااقل ضرر خاصی

در آثار سیاسی منشاء فساد می - و مایه بد آموزی است، بوالهوسی در

زیبانه ابداع مجاز نیست، تو صیه ای که نظر ما می رسد و شاید عملی است، آن

زمان است که هر کتاب ترجمه شده ای یک هیچ متخصص در موضوع متن و یک

اصالت هنر میناتور باید حفظ شود



میراحمد «سکندری»

معروفترین این مکتب ها، مکتب عراقی، ایرانی، کشمیری، بخارایی و هرات است. و بنده از مکتب هرات، سبک بیزاد، بروی می نمایم.

سکندری در مورد هنر میناتوری و نقاشی ریالیزم نظر انداخته میگوید:

من عقیده دارم که هنر میناتوری نباید از اصالت خود بیرون شود نو آوری در این هنر،

ممکن است آنرا به بیراهه بکشاند. البته این نظر شخصی من است شاید من اشتباه

کرده باشم و لی من چنین عقیده دارم که هنر میناتوری را نباید با دیگر شیوه های نقاشی

امتزاج داد.

میراحمد «سکندری» جوانی است که تازه از راه هنر نقاشی و آنهم هنر میناتوری قدم نهاده است. وی که توانسته با وجود مدت زمان اندک در این هنر والا و مشکل راه خود را اندیشه ها و گفته های دارد که از زبان

شونیم. هنر میناتوری، از جمله هنرهای زیبا، و ظریف می باشد. کلمه میناتوری از اسوی عرب شده که ظریف و ریزه کاری را رساند.

این هنر تاریخ کهن در کشور ما دارد، حافظه اوج آن در کشور ما در زمان تیموریان است. اما این هنر بعد ها در اثر غارت گری های جنگیزیان حالت نسبتاً را بخود گرفت، تا اینکه در اثر

دوستان و هنرمندان کشور ما راه و لنگش را دوباره در پیش گرفت که ما می - وضعیم از کسانی مانند استاد مشعل، عمایون ناگزیریم و بیزاد سلجوقی که در این راه زیاد

معضلات کشیده اند نام ببریم.

سکندری میگوید: هنر میناتوری مکتب های نقاشی را در طول زمان تعقیب نموده و هر

از هنرمدان نظر به ذوق و علاقه این راه را انتخاب نموده اند.

یک فلم سینمایی تقریباً زمانی است که از برابر دید حقیقت ما می گذرد و آنچه را که باید در زمان با تلاش ذهن خود مجسم کنیم. با تلاش کارگردان، هنر پیشه ها، سازندگان صحنه فلمبردار و دیگر کارکنان فنی فلم به بسیار وضاحت آماده و مجسم شده است.

فلم زمانی است که آنرا در مدت زمانی کوتاخر می بینیم و در زمان چیزهای هست که نویسنده را برای تجسم آن گاهی

هنرها، از همان آغاز پیدایش و روزگار قدیم که ساده بود و بازندگی انسان ها و طبیعت نزدیکتر، تا امروز که گفته می توانیم بسیار متنوع و پیچیده گردیده است. در بعضی مواردی از عینیات دوری گرفته و در واقع بیان کننده ذهنیت انسان عصر نو شده است. اما در سراسر طول تغییر و تحول خود همیشه از واقعیت ریشه گرفته اند و گلهای که بر آورده است تا اندازه کم و بیش رنگها و عطرهای خیال

سینه ما و جوانان

چندین صفحه بنویسد، حال آنکه در فلم می توانیم آنهارا در یک لحظه ببینیم. پس در آخرین تحلیل، ارزشی که برای زمان در زندگی قایلیم در فلم یا هنر سینما چندین برابر می گردد.

به این مناسبت واقعیت ها در آن بسیار روشنتر و محسوستر است.

ما توانیم با مشاهده عینی حیات انسانها زودتر و آسانتر به داخل جریان و قایم زندگی اجتماعی یک جامعه گردیم. و گاهی ترک زندگی و بیابانت آن با واقعیت، تأثیری عمیق در جای می گذارد.

بقیه در صفحه ۴۵

داشته اند. پس درین حال گفته می توانیم که هنر بطور کلی، همیشه پایه بر واقعیت دارد و خیال آنرا می آفریند و پرورش میدهد.

واقعیت در هنر خیال مقدم است. در قرن ۱۹ صنعتی بنام صنعت سینما بوجود

آمد که در مجموع تمام هنرها را از رقص و موسیقی گرفته تا نقاشی و داستان نویسی

و حتی بسیاری از حرفه های دیگر را نیز بخدمت گماشت. اما داستان یارمان اساس

این صنعت را که هنر هتم نیز نامیده می - شود، تشکیل داده و هنرهای دیگر بنویه

خود قرار دارند.



زنتنگی های رنگارنگ جهان

عضله انرژی در آینده

در سالهای اخیر انرژی و نیرو همواره در روزنامه ها، بیانات، گرد همایی های متعدد، کنفرانس های ملی و بین المللی و مجلات مورد بحث قرار گرفته است. در مطبوعات غربی مضامین متعددی با عناوین اخطار دهنده چون ((چه وقت بحران انرژی جهانی آغاز خواهد شد؟)) ((تشنگی امریکا به نفت))، ((بدبختی تهدیدکننده)) و غیره و غیره به نشر رسیده است.

دلیل این همه زنگ های خطر کاملا واضح است زیرا بحران انرژی مشکل درجه یک کنونی اقتصاد سرمایه داری را تشکیل میدهد. این یک واقعیت مسلم است که پیشرفت تمدن با مصرف بیشتر انرژی و توسعه از یک منبع انرژی به منبع دیگر چون از چوب به ذغال سنگ و از ذغال به نفت و گاز طبیعی، ارتباط داشته است. میزان مصرف انرژی از یک دهه نسبت به دهه گذشته بیشتر گردیده است. البته این ازدیاد بار شدت استثمار منابع ابتدایی محروقات چون نفت، گاز و ذغال سنگ همسراه بوده است.

متخصصین معتقدند که ذخایر نفت و گاز طبیعی تا پایان این قرن به اتمام خواهد رسید. از جانب دیگر با وجود اینکه مقدار کافی ذغال سنگ وجود دارد تا بتواند نیاز چند نرین آینده را برآورده بسازد، مگر بنا بر بعضی علل به پیمانیه وسیع از آن استفاده صورت نخواهد گرفت. خوشبختانه بشر به یک سرحد جدید پیشرفت دست یافته است و چیزیکه تا اخیر این قرن بزرگترین

منبع انرژی خواهد شد عبارت از نیروی هستوی میباشد. بشهر قبلا نیز در عصر اتم قرار دارد و از انرژی اتمی استفاده نموده است. بیشتر از یکصد و هشتاد دستگاه نیروی هستوی در جهان در حال فعالیت میباشد و با گذشت زمان دستگاه های جدید نیروی هستوی تاسیس گردیده و میگردد یک دهه قبل اکثر دانشمندان دور نماهی پیشرفت نیروی هستوی را با خوشبینی ارزیابی مینمودند. قبلا پیش بینی گردیده بود که تاختم این قرن کشور های صنعتی در حدود سیالی پنجاه فیصد انرژی شان را از دستگاه های اتمی بدست خواهند آورد. مگر امروز در اکثر کشورها این پیش بینی در نتیجه نظریات و مباحثات بدبینانه تحت شعاع قرار گرفته است و اقتضای انکشاف نیروی اتمی مورد تردید صورت گرفته است. یک مباحثه هیجان آمیز بالای استفاده ممکن از انرژی هستوی آغاز گردیده است. بنا بر مبارزه بر ضد تاسیس دستگاه های نیروی هستوی در برخی از کشورهای اروپایی و دو دانشمند برجسته امریکایی که یک بر سوم شان برنده جایزه نوبل، اندیک یادداشت رادر ماه مارچ ۱۹۷۵ به نشر سپردند و در آن خواستار گردیدند که انرژی هستوی نباید عوضی گردد. این را نباید فراموش کرد صحنه ساخت شرایط وحالات تراژید بود که در نظر اکثری پایک حس ترس و هیجان ازین منبع انرژی بروز نموده.

این نوع انرژی جدید برای نخستین بار با انفجار دو بمب اتمی برای جهانیان پیش کش گردیده و بخاطر همین دلیل بود که این نوع انرژی جدید، به عوض لذت امیدواری یک احساس ترس و نا امیدواری ایجاد نمود. برای مدت سال ها اکثر مردم شاهد استعمال انرژی اتمی برای مقاصد نظا می بوده اند پیشرفت تولید نیروی ذروی توسعه و رشد قدرت محصولات دستگاه های نیروی ذروی بیانگر توقع در استعمال انرژی هستوی و دور نمای آن میباشد. مگر هنوز شك و ترس افکار بسیاری هارا تحت تاثیر قرار داده و بر خیاختی این ترس را پرورش میدهند. چه کسان می گویند استعمال صلح آمیز انرژی هستوی را تحت تاثیر قرار داده و آنرا بی اعتبار سازند؟ این ها مهمتر از همه انحصارات نفتی اند که با مواد سوخت عضوی سرو کار دارند. این انحصارات با داشتن مواد سوخت عضوی (در قلم اول نفت) در تحت کنترل شان سود فراوان بدست میاورند آنها ادعا می کنند که موجودیت یک دستگاه نیروی هستوی در یک منطقه نه تنها برای آنانیکه در آن کار می کنند بلکه برای تمام مردم مانیکه در آن منطقه زیست میکنند یک تهدید بزرگ شمرده شده و یک یک منبع مهلك انتشارات را را دیو اکتیف محیطی به شمار می رود. برای مطبوعات غربی عادیست که یک نقص جزئی دستگاه نیروی هستوی را به حیث یک مصیبت بزرگ به منظور تشدید ترس و بدگمانی در میان جهانیان تبارز دهند. چنانچه در سال ۱۹۷۹ به حادثه دستگاه نیروی هستوی امریکا در (هریس برگ) توجه زیاد معطوف گردید.

رئیس اکادمی ساینس اتحاد شوروی ای. الکساندروف به ارتباط حادثه (هریس برگ) اظهم داشت که مطالب مطبوعات غربی در مورد حادثه ریکتور هستوی هریس برگ که خیلی ها جزئی بر مبالغه آمیز میباشد و این به خاطر تشدید مبارزه بر ضد نیروی هستوی است. البته که انکشاف نیروی هستوی مسئله جلوگیری از کثیف شدن محیط را توسط مواد رادیو اکتیف بوجود میاورد. نگارنی عامه مورد این مشکل قابل فهم است در عین زمان تجارب بیست و سه ساله اتحاد شوروی در عملیات دستگاه های نیروی هستوی نشان میدهد که این امکان وجود دارد تا شری بی خطر را در آنها توسط استعمال بر خیاختی از تکنولوژی ایجاد نمود باید متذکر شد که اندازه حادثه درین دستگاه ها نسبت به صنایع مدزن کمتر است. از جانب دیگر مطالعه این حادثات و اوضاع داده است که علت اساسی وقوع این حادثات بنا بر تخلف از تدابیر محافظوی و یا دسایر بی خطری تکنولوژی بوده است. یک گروه از دانشمندان وجود دارد که اند که مواد سوخت عضوی بهانه کافی وجود ندارد تا تقاضای انرژی بشر را در آینده برآورده سازد بر خیاختی این دانشمندان بر است از انرژی آفتاب تا کید می نماید به عقیده آنها این انرژی در دهه آینده سهم خوبی را در آورده ساختن تقاضای انرژی خواهد داشت. یکتعداد دانشمندان دیگر ستار تمرکز دادن تلاش ها جهت استفاده از انرژی جیو می باشند.

انقلاب کمپو...

به طور کلی قدرت به شوراهای
بین به دهقانان، صلح برای
شام ۳۵ اکتوبر هنگامیکه هنوز
رها از خارج و داخل قصر زمستانی
وین می رسید، دو مین جلسه
یندگان شوراهای کارگران
بربازان درسالون بزرگ سمولنی
بایش یافت. نما یندگان زحمت
سازان از سراسر کشور، از شهر
و قصبات و همچنان از جبهات
آمدند و خیلی هیجانی و مملو از
سازات بودند. زما نیکه به آنها
می شد که حکومت موقت
نموده است شور و هلبله
میدادند کانگرس حکومت
وراها - قدرت کارگران و دهقانان
قانون را اعلام داشت.

به همین ترتیب در ساعت نه -
بسیست و شش اکتوبر کانگرس
مین جلسه خود را بر گزار کرد
چین در میان موجی از شور و هلبله
منتقال شامین جلسه بیانیه اش
ایراد کرد مردم کلاه های شان
بالا برد تا ب می کردند و بالای
کین ها و چوکی ها می بر آمدند
نشین را ببینند.

او راجع به صلح گپ می زد
یکه بر از زش ترین بدیده
مردم بود و برای مدت سه
طولانی و دشوار انتظار آنرا
کشیدند. فقط همین دو لیت جدید
دولت کارگران و دهقانان
که در اولین روزها می گرفتن
خواست تا صلح را بر قرار
سازد بنا کانگرس فر مان صلح
تصویب کرد.

بعدها لنین فرمان مربوط به زمین
اعلام کرد که به موجب آن زمین
های ملاکان تزار و کلیسا به حیث
ملکیت دولت شوراهای شناخته شده
به دهقانان تعلق می گرفت.

در پایان دو مین کانگرس نما -
یگان او لین حکومت شوراهای
که در راس آن لنین قرار داشت
انتخاب نمودند. بزودی قدرت
شوراهای در سراسر کشور تحکیم
یافت. مگر حکومت جدید شوراهای
شروع کار خود به مشکلات
مواجه بود. در کشور
نوز هر چه و هر چه و بی نظمی وجود

زنان پیروزمی شوند

سنگ گرم و آتش زای مبارزه با
امپریالیزم که در راس امپریالیزم
امریکا شو نیز م عظمت طلسم
چین و گروه وابسته به آن و عمال
ارتجاع سهم بگیرند.
مایقین داریم و این را تاریخ به ما
میا موزاند که حق بر باطل غالب
و فایق است و آنجا که آهو رامزدا
نیک پنداری و نیک کرداری و نیک
گفتاری در برابر امر یمن فشا رو
آلودگی قرار می گیرد آن را به
نیستی میکشد و خود در قله شامخ
پیروزی و افتخار می ایستد
شما خواهان و هم زمان! در
این سه سال و چند ماه چه در نجرده و
شما مادران هم میهن من در این
مدت چند فرزندتان را در قربان -
گاههای دژخیمان اژدست داده اید.
شما که قلب های تان جراحت
دارد و چون لاله ها، داغ های غیر
قابل التیام است با ما بیایید،
بگذارید جبهه ملی پدر وطن همه از
شیفته گان راه آزادی را همه عشق
ورزان به صلح و کرامت انسانی را
و همه دوستداران این آب و خاک
و میهن را یکجا گرد آورد از نیروی
آنها مشت آهنینی سازد که پیکر
ضد انقلاب را از هم بپاشد و دیگر
کسی در کشور ما دشمن آزادی ما
و صلح و برابری و برادری مان نباشد.
از شما مادران و دختران قهرمان
از شما مادران و خواهران رنج
کشیده دعوت میشود در این مبارزه
برحق و برای پیروزی حق بر باطل
با ما یکجا شوید یکجا بر زمینید،
یکجا بکشید و یکجا کشته شوید.
این راه راه انسان آزاده می است
که از نا موس و شرف خود دفاع

میکند.
اینک هزاران دختر جوان در
صفوف فشرده یک ارتش مجهز
انتظار شما را دارد تا راه را به سوی
پیشروی شریفانه باز کنید راهی
که به سوی اعتلا و پیشرفت و رفاه
و آسوده حالی کشیده میشود و راهی
که دیگر هرگز در چشم انداز آن
نقر را نمی بینید، گرسنگی رانمی
بینید، بیسوادی و جهل را نمی
بینید و از همه مهم تر جامعه یی را
نمی بینید که نیم آن گورک های
استعمارگر باشند و نیم دیگر بره
های استعمار شده ما به سوی کار
کار خلاق و آموزنده و به سوی
روشنی پیش میرویم و شب را و
شب روان تاریکی ساز تاریکی
دوست را هرگز در این رهروی
مقدس در کنار خود پذیرانمیشیم.
بگذار صدای همه ما دران کشور
ما و همه زنان کشور ما در یک
فریاد جمع شود و این فریاد فریاد
عصیان میلیون ها زن و مادر در
کنار میلیون ها برادر خود چنان
غوغای رادر دل دشمن ایجاد کنند
که دیگر هرگز در فکر ایجاد تفرقه
و سالار منشی و دزدی و چپاول -
سرمایه های کار دیگران نباشد.
این است پیام ما - پیام دوران
ما بیا م راستین و والای انسانی
زمان ما، که بتو مادر بتو زن
اعلام میداریم - فریاد خود را با این
فریاد بیا میزیم و دست خود را برای
دوستی و اتحاد دراز کنیم تا وحدت
من و تو شکست دشمن من و تو
باشد.

فدراسیون...

اسناد کنگره دارا می باشد.
اجتماع کنندگان او لین کنگره
جبهائی زنان تعهد سپردند تا به
خاطر ایجاد فضای مسا عد جهت
رشد همه جانبه اطفال، دمو کرا -
تیزه ساختن سیستم آموزشی، تأمین
امکان تحصیلات مجانی در تمام
کشور ها رشد و انکشاف تحصیلات
بقیه در صفحه ۵۵

حق استفاده از شبکه های خدمات
اجتماعی به طور دوا مدار و بی امان
برزمند.
قطعنامه در باره پرا بلم های
کودکان جای محوری را در جمع

داشت بسیاری فابریکات و راه های
آهن کار را توقف داده بودند نان
بقدر کفاف پیدا نمی شد.
سرمایه داران فابریکات شانرا
بستند ماشین های آنها منهدم و
پول و اشیای لو کس وارداتی را
احتکار نمودند. اکثر ماورین نمی
خواستند که برای دولت جدید
کار کنند بورژواها و بوروکرات
ها چنین می اندیشیدند که برای
دولت شوراهای ممکن نیست تا چنین
کشور پهناور را بدون موجودیت
کادرها و پرسونل تحصیل کرده اداره
کنند آنها سخت در اشتباه بودند.
لنین به طبقه کارگر می گفت که
حالا وظیفه آنها است که دولت را
اداره کنند. به تدریج کارگران
دریا نوردان و سایر بازاران اداره
امور را در دفا تر، راه های آهن،
بست و تیلگراف و تلیفون بدست
گرفتند و کار را سر از نو آغاز
کردند، حکومت شوراهای فرامین
دیگری را به تصویب رسانید که
به موجب آن فابریکات بانکها،
راه های آهن و معادن در تحت
کنترل دولت قرار گرفت. کار -
گران در فابریکات و دستگاه ها به
حیث مینیجرهای جدید به کار
آغاز کردند.

حزب بلشویک، کارگران، سر
بازان و دریایان را به اطراف
کشور به کمک دهقانان فرستاد
تا آنها بتوانند زمین را از ملاکان
بزرگ بگیرند.

دولت شوروی ستم ملی را از
بین برده و همه مردم که در شوروی
زندگی می کردند از حقوق مساوی
بر خوردار گردیدند. همه قدرت
و داری های اکتون در دست زحمت
کشان قرار گرفته بود. کارگران
و دهقانان به اداره دولت و اعمار یک
زندگی نوین شروع به کار نمودند
و آزمان های دیرینه مردم زحمتکش
بالاخره تحقق یافت.

انقلاب کمپو سوسیالیستی اکتوبر
نخستین انقلاب در جهان بود که
طی آن کارگران و دهقانان بقدرت
رسیدند و منبع الهام بخش برای
همه کارگران جهان در جهت
رسیدن به یک زندگی مرفه و
آبرو مند گردید.



عده از کارکنان طبی در حال معاینه چشم یک مریض جهت کشف علایم فقدان ویتامین (آ) دیده می‌شوند.

ترجمه حیدر خانیوال

از مجله ورلد هیلث

آیا امیدانید که چرا

سالانه بیش از صد هزار طفل مصاب کوری مطاق و علاج ناپذیر میشوند؟



یک داکتر به یک طفل کپسو ل ویتامین (آ) داده و به او هدایت می‌دهد تا آنرا بلع نماید.

چند هزار سال قبل از امروز یعنی در حدود یک هزار و ششصد سال قبل از میلاد اطبای مصری برای مریضان مصاب بر شیب کوری خوردن جگر تو صیه مینمودند. . . یکمان اغلب سلسوس طبیی پرومی نه بین سالهای بیست و پنج قبل از میلاد و پنجاه میلادی میزیست او لین کسی بود که اصطلاح زیر و فتالمی را که در یونانی چشم خشک معنی میدهد استعمال نمود. اثر معالجوی خوردن جگر در رفع شیب کوری وزیر و فتالمی از مدتها قبل در طب چینایی شناخته شده بود. امروز ما همه میدانیم که جگر یک منبع غنی ویتامین (آ) است و فقدان دوامدار این ویتامین بالاخره باعث کوری مطلق و علاج ناپذیری «بالخامه نزد اطفال» میشود. در بسیاری نقاط جهان داخل بستر شدن مریض از باعث سوء تغذی عمل بس عادی پنداشته میشود ولی اگر موظفین شفاخانه خود به چشمنا اطفال که بستر میشوند توجه ننمایند ممکن خود اطفال هیچ شکایتی از عدم دیدشان و یا اینکه شیب کوری دارند ننمایند و ممکن مریضان جوان چشمنا خود را بسته بگیرند و گمان رود که از روشنی هراس دارند و بدین ترتیب یک عرض عمده سوء تغذی که عواقب خطرناکی را در قبایل خواهد داشت از نظرشان پوشیده خواهد ماند. و همین مرض عدم کفایوی است که عامل بس عمده کوری ایسام طفلی جهان ما را تشکیل میدهد. چنانچه سالانه در حدود یکصد هزار طفل در جهان حسن بینایی شان را به صورت مطلق از دست این مرض از دست میدهند. و میلیونها طفل دیگر به کم بینایی قسمی مصاب میشوند. آیا چقدر غم انگیز خواهد بود تا تمام عمر خود را در تاریکی مطلق سپری کرد. در حالیکه طرز وقایه مرضیکه باعث این کوری میشود خیلیها ساده است طوریکه گرفتن فقط دو کپسو ل نارنجی ویتامین (آ) در یک سال که کمتر از پانزده سنت امریکایی ارزش بولی دارد میتواند به بسیار خوبی یک طفل را از مصاب شدن به کوری حفاظت کند. ویتامین (آ) جزء غذا بوده و برای صحت و سلامت انسان و حیوانات ضروری پنداشته میشود. مادامیکه برای حیوانات تجربوی برای

مدت مدیدی غذا های فاقد ویتامین (آ) داده شود یکعده مریضی های قبیل باختن اشتها و باختن وزن و تخریبات وسیع و شدید مادی در چشم تناقص ها بروز مینماید و قتی مریض هنوز هم پیشرفت نمود چون معده سوء تشکل نموده، تشوشات عصبی به مریض پیدا شده و بدین ترتیب آن اولا شیب کوری و بالاخره کوری مطلق پیدا میشود مقاومت عضوی در مقابل اثانات خیلی تناقص نموده پروسه اثر میمی عضو بس توقف کرده و عاقبت مرگ فرامیرسد. سوء تشکلات ولادی، اطفال با وزن کم بدنیا میآیند، تا خشک انکشاف جسمی و مستعد بودن مصاب گردیدن به امراض انتانیه و همه در فقدان این ویتامین نقش مهم دارند. فکتورهای عمده مانند فقر، بیسوادی، شراب نامناسب عد زیست و فامیلپای بزرگ میتوانند در تفکیک اطفال معروض به خطر متمر واقع شوند. در انسانها بالاخص نزد اطفال فقدان ویتامین (آ) اغلب با لاابرو صدمان خارجاوداخل اثرات سوء پدید آمده که بالترتیب به اشکال شیطانی کوری وزیر و فتالمی عرض و جوی مینمایند. در مراحل اولی مرض با یک شب کوری آغاز میگردد که اطفال معمولاً از اینکه بعد از غروب افتاب امر چیزی رانمی بینند شاکی میباشد ویتامین و برور زمان زیر و فتالمی (خشک شکل چشم) نزدشان ظهور مینماید. اگر باید باز هم در جهت تدای مرض اطفال خریب نشود مرض سیر خود را دنبال نموده طوریکه طبقه قرنیه خود را اینتر خود نرم شده قرحات قرنی بروز کند آن اشکار میگردد و در نتیجه مریضی که به یک کوری تام که غیر قابل وقوعه معالجه میباشد مصاب میشود براساس فقدان ویتامین (آ) که معمولاً با سواری تغذی یکجا دیده میشود با امراض هوالی متناوب عفونی و نقص میکانیزم دفاعی معافیتی عضویت رابطت قریب میداشته باشد. زیر و فتالمی در کشورها یسان بر نفوس آسیای شرقی و جنوبی و همچنین در بعضی از قسمت های افریقا، شرقیامیه حوزه کارابین و امریکای لاتین یکی از عوامل معمولی کوری نزد کودکان و اطفالیکه کمتر از هفت سال عمر دارند بشمار می رود در حدود بیست

اغلباً طفل رادر مقابل انکشافزیر- و فتالمی محافظت میکند . طوریکه اطفال لیکه به شیر خشک و غذا های مصنوعی تغذی میشوند از اینکه چانس بیشتر به مصاب شدن به اتها مات معدی معایی دارند بناء به تناسب اطفال لیکه با شیرمادر تغذی میشوند بیشتر آماده مبتلا شدن به زیر و فتالمی اند.

برای اینکه از وقوع عوارض نامطلوب حاصله از فقدان ویتامین (آ) جلوگیری بعمل آمده باشد باید به نکات ذیل جدا توجه مبذول گردیده و به آنها جامه عمل پوشیده شود .

اول : باید يك پروگرام خاص صحی جهت مبارزه علیه کورسپا ی ناشی از فقدان ویتا مین با تجویز

کپسول های این ویتا مین به اطفال (بالخاصه در کشور های رو به انکشاف) بسوی ملی در معرض اجراء قرار داده شود طوریکه همین اکنون در بسیاری کشور های جهان در تحت تطبیق قرار دارد .

دوم : تمامی وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو ، تلو یزیون ، روزنامه ها و حتی جراید مجلات باید راجع به اهمیت تطبیق پروگرام فوق الذکر مطالب مفید و ارزنده جمع آوری نموده و بخش نمایند .

سوم : منابع غنی ویتا مین (آ) اضرار صرف غذا های فاقد این ویتامین به مردم تفهیم شود که این کار را باید مقامات صحت عامه با بخش پوسترها و با مفلیت ها انجام دهند .



طفلی رامی بینید که از اثر فقدان ویتا مین چشمانش را بکلسی از دست داده است .

بقیه صفحه ۳۴

عضله انرژی

یک سلسله مشکلات لاینحل رادارا است . چنانچه کار دانی ضایعات رادیو اکتیف یکی از مهمترین و پیچیده ترین این مشکلات است . در گذشته امریکا ، انگلستان و فرانسه ضایعات رادیو اکتیف رادر اعماق ابحار انتقال میدادند . یک سلسله تحقیقات نشان داده که مواد رادیو اکتیف توسط فلوراو فوتا در بحر جذب و ذخیره میگردد . از طریق یک زنجیر بیولوژیکی این مواد رادیو اکتیف دیر یا زود به ارگان نیز مبحری مبدل میگردد که به حیث غذا برای انسان از آن میتوان استفاده کرد . یک راه بزرگ انکشاف انرژی در آینده عبارت از آموختن تولید انرژی هستوی توسط ترکیب هسته سبک پورانیوم یا پلا تونیم میباشد . کشور های که دارای نیروی ذروی هستند تلاش میورزند تا ازین منبع انرژی به مقاصد صلح آمیز و به نفع بشریت استفاده نمایند .

میباشند و بر حفر زمین تا به عمق بیشتر از ده کیلو متر برای استفاده از حرارت داخلی زمین تا کید می کنند . در حالیکه برخی دیگر از دانشمندان بدون اینکه به کدام منبع انرژی خاصی تا کید نمایند معنقد هستند که استفاده از هر نوع منبع جدید انرژی چون باد و قدرت مد و جذر ضرور است . در یکی از اسنادیکه به کنفرانس بین المللی در مورد نیروی هستوی که در سال ۱۹۷۷ در سا لیز برگ در دایر گردیده بود تسلیم گردید و واضحا درج گردیده بود که :

((اگر انرژی هستوی کشف نمی گردید گوپی ما زندگی کرده نمی توانستیم . این انرژی یکی از اجزای مهم عصر تکنالوژی ماست و بناء بر آن هر مبارزه بر ضد انکشاف و استعمال آن در بعضی حالات مخصوص باید با این حقیقت در نظر گرفته شود .))

صنعت نیروی ذروی هنوز هم

با لا و برصد مریضانیکه به زیر و فتالمی مصوبند مصاب می شوند به کوری ل شطلق و در حدود پنجا و پنج درصد و جزیها به کوری قسمی مصاب شده و فقط بیست درصد آنها بعد از تداوی حس بینایی کامل می - اطفال ناشته باشند .

بافتل اعراض حاصله از فقدان ویتامین (آ) بعد از معالجه مناسب خشکی شکل دراماتیک کسب صلاح می - اید . اگر باید مگر آنکه کوری مطلق از اثر س اقدار حریبات وسیع مادی در کره عین دنیا در صحنه حاکم نگردیده باشد .

خود به اینرا هم باید خاطر نشان نمود که بروز به سازمان صحی جهان فعالیت مریضی گسترده بی در زمینه جلوگیری قابله وقوع فقدان ویتا مین (آ) را در بود براسر قاره آسیا و امریکا لاتین باسوی دست گرفته است . شاید امراض هوالی به ذهن تان خطور کند که نیز با چگونه میتوان ویا با صرف تمام نوع غذا ها میتوان از بروز فقدان ویتامین (آ) جلوگیری نمود ؟

های سانه ویتا مین (آ) مورد نیاز جنو برسان را از غذا بدوشکل (شکل های ویتامین (آ) خالص (اتینول) و به کارابین شکل پرو ویتامین (آ) یعنی کار و مل بنوید ها میگیرند . که کار و کان بنوید ها فقط بعد از جذب در جدار بال عمده ای به ویتامین فعال مبدل می

شوند . از جمله دو منبع اساسی ویتا مین (آ) جگر حیوانات بالخاصه روغن جگر ماهی غنیترین منبع ویتامین (آ) خالص میباشد . سبزی - یجاتی که دارای برگهای سبزی تیره اند ، زردک و روغن خرما ی سرخ از منابع غنی کار و تینو یدها (منبع اساسی دیگر ویتامین (آ) می باشند . برخلاف پرنج که غذای اساسی بسیاری مردمان جهان را تشکیل میدهد عاری از کار و تین میباشد پس خطرات بیشتر فقدان ویتامین (آ) متوجه اطفالی است که قسمت اعظم غذای شان را برنج تشکیل داده و هم ازینکه والدین شان بیسواد اند در غذای روزمره شان منابع غنی ویتامین (آ) چندان شامل نمیشاند .

در حال عادی ویتا مین (آ) در کبد انسان ذخیره شده اما چون کبد اطفال قادر به ذخیره نمودن مقادیر محدود این ویتا مین میباشد لذا کوچکترین وقفه در اخذ آن یا تغییری درطرز تغذی ، التها ب معدی معایی ویا تسریع تشو ونمای طبیعی باعث به مصرف رسیدن ذخیره ویتا مین (آ) کبد شده و بدینتر تیب باعث تغییرات در طبقه قر نیه چشم که قبلا سالم بوده میشود . اینرا هم باید خاطر نشان نمود که شیرمادر

در زمانه ی ما از همه وقت بیشتر نیاز به صلح است ، چون نیروهای جنگ افروز غاصب و سبطه جوکه می خواهند با نابودی و تباعی دیگر کشور ها تسلط اهریمن خویش را همچنان حفظ کنند ، به وحشت خود افزوده اند می خواهند آرامش رادر سیاره ما نابود نمایند ، فضایی از جنگ ، دودباروت پدید آورند ، چون اصل احمقانه به سودشان است .

بازرگانان کالای انسانی به آنچه می اندیشند سود است ، برای اسلحه ی لعنتی ای که تولید کرده اند بازار می جویند . باری وقتی در گوشه ای از جهان آتش جنگ در گیرد ، نخستین کسانی که از آن بهره برند ، امپریالیست ها و جنگ افروزان اند .

جنگ های غارتگرانه ، تخریبی و انسان کش فقط به سود آنهاست که می خواهند

وروشنگری ، دوران دانش و پیروزی نام یافته است ، از قوه به فعل درمی آید ، از تئوری در عمل پیاده می شود ، دیگر خلق های عذاب دیده و زحمتکش جهان که سال های سال در اسارت کشورهای استعماری و امپریالیستی قرار داشته اند در آسیا ، افریقا امریکای لاتین و در سراسر سیاره ما بیدار شده اند ، به پا برخاسته اند . آهنگ آزادی و همبستگی می سرایند ، کاخ های کدایی سرمایه و ثروت پول و وحشت را فرومی ریزند و برهانه های های آن دنیایی از آزادی و راستی ، دوستی و برادری پیاد می نهند .

سازمان صلح و همبستگی خلق های آسیا و افریقا از نخستین روز پیدایی آن تا اکنون که با موفقیت کم نظیر و چشمگیر دهمین کنفرانس خویش رادر کابل برگزار می نمایند با قاطعیتی

نستان دیگر می تواند با قاطعیتی تمام از خویشتن دفاع کند . و این گفته ای است در اوج گویایی « هر انقلابی آن وقت ارزش دارد که بتواند از خود دفاع کند » باری دیگر انقلاب افغانستان از خود دفاع می کند مردم ، توده ها ، برای دفاع از آن برخاسته اند تفنگ بردوش گرفته اند . اکنون از کودک هفت ساله گرفته که در سازمان پیش آهنگان نام نوشته تل- پیروم هفتاد ساله که به گروه های مقاومت پیوسته تاسیایان رژیم های انقلاب و سربازان کار نیمه آفرین از انقلاب و دست آوردهای ازین آن باشهامت ، قاطعیت و مردانگی دفاع می نمایند و بدنیشان ناست که انقلاب مسا ارزش ملی و بین المللی یافته است . اکنون دوستان افغان نستان انقلابی در سراسر جهان پراکنده اند . مبارزات آگاهانه ی مردم ما را

ادامه می دهند . کنفرانس شکوهمند صلح و همبستگی خلق های آسیا و افریقا در کابل می تواند دعوتی باشد به سوی یک بیشتر با ضد انقلاب افغان نستان که دیگر وابستین نفس های خود را می کشد و هر روز که در می گذرد مواضع اهریمنی و سبکرو نامقدس آن به وسیله ی مبارز ان آگاه افغان نستان از سر بازان قوای مسلح گرفته تا خارتدوی ، سپاهیان انقلاب و مردم در شکسته میشود ، آنچه می تواند ضامن سعادت انسان و خلق های سراسر جهان باشد صلح ، همبستگی و دوستی است امپریالیست ها ، هرزمنیست ها و در مجموع آن هایی که در نقطه ی مخالف انسانیت ایستاده اند نمی خواهند اصل صلح ، همزیستی مسالمت

فکنوس

دهمین کنفرانس سازمان صلح و همبستگی

خلق های آسیا، افریقا در کابل

اگر با بهای نابودی نیمی از بشریت هم شده است قدرت اهریمنانه و کدایی خویش را حفظ نمایند . اما این گوشش هایی است پیبوده دست و پازدن هایی است در سمت خلاف جریان آب . این راه پیمایی کنگ و شناوری ناشیانه هرگز هیچگاه نمی تواند به جایی برسد دیگر خلق های آسیا ، افریقا ، امریکای لاتین و سراسر جهان بیدار شده اند . از صلح ، همبستگی و دوستی مانند مردمک دیده ی خویش پاسداری می کنند .

دوران مادو ران رستا خیز ملت ها ، دوران باروری ، او ج گیری و نفع اندیشه های مترقی و پیشرو است . برخلاف توطئه ها ، تخریب های هستریک و جنون آمیز امپریالیسم و استعمار هرزمنیسم و فانیسم این اندیشه های پیشرو و مترقی است که در روزگار ماکه عصر خرد

سرسخت از داعیه ی صلح ، دوستی و همبستگی در آسیا ، افریقا و سراسر جهان دفاع کرده است ، در هر گوشه ای که امپریالیست ها و جنگ افروزان آتش جنگ افروخته انداز طرف این سازمان انسانی اعتراض هایی شده است ، سازمان صلح و همبستگی خلق های آسیا - افریقا کلیه جنبش های ملی ، آزادی بخش را در سطح ملی و بین المللی مورد حمایت و پشتیبانی بی دریغ قرار داده است ، مبارزه ی مردم ویتنام کمبودیا ، لاوس فلسطین و افغان نستان از نخستین روز تاسیس تا اکنون مورد حمایت بی دریغ قرار داده است .

کشایش دهمین کنفرانس سازمان صلح و همبستگی خلق های آسیا و افریقا در کابل در هنگامی صورت می پذیرد که انقلاب افغان

میستایند که درفش پیکار با تارمز پیروزی بر زمین گل استند ، اکنون همه ی بشریت مترقی از انقلاب و مردم افغان نستان دفاع می نمایند و کشایش دهمین برز دیوم کنفرانس سازمان صلح ، همبستگی خلق های آسیا و افریقا دلیلی روشن است بر این ادعا ، باری این کنفرانس در کابل در فرصتی بر گزار می گردد که دیگر انقلاب رهایی بخش پایگاهی توده ای یافته است به پیروزی ها و موفقیت های درخشانی نایل آمده است ، دیگر کلیه زحمتکشان آن گونه که آرمان انقلاب را به پیروزی رسانیده اند از موقعیت آن هم باریختن خون های سرخ شان دفاع می کنند و به تیرد قدس و عادلانه ی شان با ضد انقلاب افغانستان که جنگی اعلام نشده ای را علیه افغان نستان افتخار آفرین و انقلابی به راه انداخته اند ،

آمیز و دوستی در میان خلق ها اشاعه یاب چون این به سود شان نیست و جرخ های کارخانه های لعنتی اسلحه سازی شان از حرکت باز می ایستد .

اما تجربه و تاریخ شان داده است که به خلاف همه تلاش ها ، گوشش ها و تقلا ها دشمنان انسان کمی می خواهند با ساختن استعمار بمب های تیوترونی تباعی بشری را فراهم آورند ، تناسب قوا در سطح جهان به سود نیرو های صلح ، آزادی و ترقی اجتماعی در تفر است . دیگر خلق ها در سراسر جهان بیدار شده اند ، آهنگ صلح ، آزادی و همبستگی را هر چه رساتر می سرایند . کلیه آرمان های سپاه امپریالیسم با خاک یکسان می شود .

عاشق و معشوق بهم دو برو
 سر ندیده رخ آن سیوسر
 گشت پسر عازم سیر و سفر
 او به سفر از پی تحصیل رفت
 دیر نیاید و به تعجیل رفت
 نامزدش خسته و بیمار شد
 با غم و اندوه گرفتار شد
 طالع بیچاره نکرده طلوع
 یافت در آن دهکده چچک شیوع

• • •

فکر کسی در پی خوبی نبود!
 ملتفت آبله کسوبی نبود!
 تا همه گشتند به چچک مصاب
 جمله گرفتار به رنج و عذاب
 حیف همان دخترک ماه رو
 شد به عیولای تعب دو برو
 تابر خش آبله صورت گرفت
 آینه اش رنگ کدورت گرفت
 نوحه کتان مادر بحاره اش
 گشت ذکر گون رخ مهباره اش
 بود مواجه بخطر دخترش
 تا که بیاید ز سفر همسرش
 نامزدش را بچنین حال دید
 از دل خود آه و فغان بر کشید
 گفت چه خاکی ب سرم ریختند
 در قد خم زهر نم آمیختند
 بود دل من به تمنای او
 گشت چنین صورت زیبای او
 بادل پسر خون و سر انگندگی
 گفت که نتوان پس از این زندگی
 کرد شدو دامن صحرا گرفت
 دشت جئون منزل و ماوا گرفت

• • •

گفت جو «امید من این سر گشت
 خون دل و دیده ام از سر گشت
 ای که توئی عاقل و صافی ضمیر
 خواهر من بندمرا گوش گیر!!
 طفلک خود زود تر خال زن
 دست به گنجینه اقبال زن
 تا نشود طفل تو منار خلق
 دختر بیچاره ورنجور خلق
 خال زند هر که به اولاد خود
 شاد کند خاطر ناشاد خود



اثر غلام علی «امید»

آنچه رفتند سوی منزلش
 تا که سازند بخود مایلش
 بین دو جانب سخن آغازشد
 ساز خوشی زمزمه پرداز شد
 هفته نو نامزدی سر گرفت
 منزل شان رونق بهتر گرفت
 چون دل دو سیزه بغود رام ساخت
 قلب پسر از طیش آرام ساخت
 لیک شنو از ستم روز گار؟
 چون نگذارد بدل کس قرار
 کی بگذارد فلک کینه جو

پیر زنی دختر طنناز داشت
 ماهوشی فتنه و نماز داشت
 ماه صفت شیره اشاق بود
 صورت او بین همه طاق بود
 مهر خجل از رخ زیبای وی
 سرو چمن معو تمنای وی
 دیده تر گس همه حیران او
 غنچه خجل از لب خندان او
 مسکن شان بود بیک روستا
 داشت هوای خوش آب صفا
 گشت جوانی بجمالش اسیر
 از مژه اش بر دل او خوردتیر
 گفت به مادر که بکن چاره ام
 طالب دو سیزه مهباره ام
 من شده ام عاشق و شیدای او
 شیفته تر گس شیلای او
 گشت هویدا به پدر زاریش
 مادر وی کرد طلبگاری اش
 چند تن از جمله اقوام خویش
 ساخت همه تا صدیغام خویش



انگشتری یکی و دو سه تایی تزیین پیمان و س است



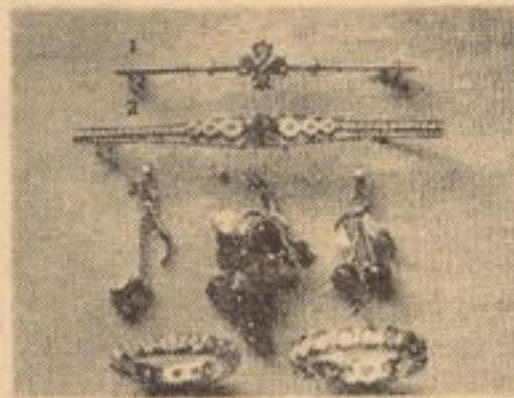
انگشتری وسیله تجمل است ولی در استفاده آن زن و مرد هر دو یک سان شر یکند و از مطالعاتی که در زمینه به عمل آمده انگشتری وطریق استفاده واستعمال آن سابقه باستانی دارد و حتی سر حدش به افسانه و اساطیر می کشد .

حکایات و روایات تصریح می کند اولین کسی که در انگشتانش انگشتر جا گرفته جمشید پادشاه آریانا است بناء وی را واضع انگشتر می پندارند .

به فرمان او مروارید از دریا و جواهر از کان برآوردند و در شاهنامه نخست در سلطنت او است که سخن از انگشتری به میان می آید : که جمشید با تاج و انگشتری ، به فرمان او دیو و مرغ و پری . واقعیت ثقافتی و تاریخی تصریح می کند که انگشتری چه از لحاظ زیورآرایش و چه به خاطر تجمل و شکوه پاد - شاهی نقش بر ازنده داشته و همین نگین و انگشتری همراه افسر و تاج و تحت و کلاه و تیغ از لوازم شاهی به شمار میرفته است . و چنانچه این مصرع بخوبی واضح میسازد : به پاسخ چنین گفت کاوس شاه . که از تو فروز رنگین و کلاه - ببوسید تخت

و بمالید روی - بر آن نامور مهر و انگشت روی .

انگشتری بحيث رایج ترین وسیله تجمل در میان طوایف مختلف جوامع بشری سابقه کهن دارد ، عرب و عجم به شمول مرد و زن ازین زیور به منظور تجمل و یا بر سبیل رسم و عادت استفاده میکردند . در مصر قدیم هر نویسنده یا تا جری یک انگشتری از سیم و یا زر داشت و هر مرد حلقه ای در انگشت میکرد و هر زن با گردن بندی خود را می آراست همچنان مردان مانند زنان خود را با انگشتری بازوبند و گلوبند های که با مروارید و سنگ های قیمتی تزیین یافته بود زینت می بخشیدند و نظیر همینگونه آراستن هالبتها تفاوت کمی تا هنوز در کشور مانیز وجود دارد و مردان در انگشتان



خویش انگشتری و در بازو های خود بازوبند را می بندند و مخصوصا برای اطفال بستن بازو بند که در بین بازو بند که اکثرا نقره یی میباشد تعویذات جا داده میشود البته بستن بازو بند در بعضی نقاط دور دست کشور ما رواج دارد .

در بابل وقتی که مردگان را دفن میکردند آنها را آرایش کرده انگشت آنها را به انگشتری زینت می دادند ، و دفن کردن میت با زیورات در

گذشته های دور رواج داشته است و آثاری که در حفریات در اکثر حصص جهان بدست آمده و در بخش زیورات خود نمایا نگران است که روز گاری مردگان را با زیورات دفن میکردند و کشفیاتی که از طلا تبه شبرغان و سایر حصص کشور ما در اکثر حفریات یک تعداد زیورات بدست آمده خود نمایانگران است که مرد -

گان با زیورات در خاک سپرده می شدند و این روش از ثقافت و کلتور طرز تلقی و اندیشه گذشتگان تمثیل و حکایت می کند و ترویج زیورات را که عمر طولانی دارد به خاطرهما زنده می نماید . آنچه گردیزی مورخ نامدار از انگشتری های خسرو پرویز نقل می کند ارزش و اعتبار ثقافتی و کلتوری این زیور در دوره سلطنت ساسا نیان بیشتر میباشند به گفته او انگشتری این پادشاه نه عدد بوده که هر یک در مورد خاصی بکار می رفته و نوشته با آن مهر می شده است . در نخستین انگشتری او یا - قوت سرخ بود و نقش صورت ملك در گرداگرد و کتابه صفت ملك نوشته و بدین انگشتری منشور هاو سجل ها مهر کردی (۰۰۰)

به گفته این مورخ نگین این انگشتری های بیشتر از سنگ های قیمتی بوده و بر عده ازین انگشتری ها صورت حیوانات مانند قوچکوهی عقاب نقش گردیده بود . انگشتری در آن روزگار صرف نظر از جنبه دینی و سنتی در حکم و شخصیت و هویت دارنده آن و حتی در مورادی خاص به جای او کار ساز بوده است مثلا هر گاه به حکم پادشاه با مرد صاحب قدرتی محکوم می را به رسم گاه می بردند چنانکه پیش از سیاه ست کردن انگشتری خود را به رسم نشانی برای مجریان حکم فرستادن علامت آن بود که از گناه محکوم در گذشته و او را بخشیده اند . این انگشتری را انگشتری امان می گفتند وقتی که عهد و میثاق می بستند



کسی که متعهد شده بود بر سر اثبات قول خود و این که به وفای با بر جای خواهد بود انگشتری خود را نزد طرف بودیعه می سپرد تا هنگام وفا به عهد به ادای آن ملزم باشد تعهد کننده در حالی که انگشتر خود را در اختیار طرف می گذاشت می گفت : انگشتری به نشان دار فراموش نشود رسم تقدیم انگشتر و حلقه های که زنان و شوهران جوان هنگام نامزدی در انگشت می کنند در حقیقت پیمان زناو شوهری با آغاز می نمایند در واقع یاد گار رمزی ازین تعهد و میثاق دیرین است که تا کنون با همان گرمی و خصوصیت باقی مانده است . امروزه دختر و پسری که حلقه انگشتری به رسم نامزدی در انگشتان خود جا میدهند در واقع امر به تایید از سن دیرینه پیروی می کنند ، البته سن و روشی که مطلوب است هرگز به فراموشی نمی رود و از باب نه افتد به همین اساس وقتی خواستند دشمن و حریفی را به لطف محبت خود امید وار کنند و او را بجان ایمنی دهند که بعد از تسلیم بر جانش قصدی نخواهد رفت ، انگشتری برایش می فرستادند و دشمن به اعتماد آن گردن نهید و تسلیم در آستانش نهاد .



اندك از میان میرفت و جای خود را به اطمینان اندوهی شکرت و لبریز و حس همدردی میداد چشمتهايش را گرداند و مثل آنکه در خلسه ی زنجی بزرگ و صفت ناشدنی قرار داشته باشد از ته دل فریاد کرد : ((به به)) آفرین ، (مرحبا)) واشك آرام روی گوننه هایش غلطید و لکه های سیاه روی خال های سرخ و سبز چهره اش از خود به جای گذاشت .

تمام روز را یعقوب در بسترماند و با اضطراب به سر برد ، نزد يك های شام کشیش برای اعتراف گرفتن به نزدش آمد و از او پرسید: آیا گناه خاصی دارد که بخواد اعتراف کند ؟ یعقوب حافظه به خواب رفته اش را به کار انداخت و قیافه رنج دیده مارافا را به یاد آورد و هم ناله ناامید رو چیلدرا ، آنروز که سگ دندان گرفتش و در خاطر مجسم کرد و با صدا بیکه به سختی شنیده میشد ، گفت : ((سازم را به رو چیلد بدهید .))

واکنون همه در شهر از هم می پرسند رو چیلد این کمانچه به این خوبی را از کجا آورده است ؟ آیا آنرا خریده و یا از کسی دزدیده است ! و یا اینکه در شرط بندی از کسی برده ! مدت هاست که روچیلد فلوت نمیزند و فقط کمانچه میکشد ، از زیر پنجه هایش همان آهنگهای حزن آوری که سابق از فلوت بیرون میکشید ، بدر میاید اما وقتی سعی میکند آهنگی را که آنروز یعقوب روی آستانه در اتاقش نواخت تکرار کند ، کمانچه چنان آهنگ غم انگیز و پر از غمی را از خود بیرون میدهد که همه ی شنوندگان به گریه میافتند و خود روچیلد هم چشمانش را بر میگردداند و از ته دل فریاد میزند :

((وا ، وا ، آفرین ، مرحبا)) اما این آهنگ جدید چنان مورد علاقه و پسند همه ی مردم قرار گرفته است که در شهر تمام تا جبران و متمولان و اعضاء اداره محال است یادشان برود از رو چیلد در دعوت ها و محافل شان دعوت کنند و حتی او را وادار میسازند ده بار تمام این نوا را ساز کند .

برای همیشه در گور میخواد بدیس مرگ مفید است .
او از مرگ متاسف نبود اما همینکه به خانه آمد و سازش را دید دلش فرو ریخت و احساس تا سف کرد ، ساز را نمیشد با خود به گور برد)) ممکن بود سازش ینیم شود .
یعقوب به در افاق رفت و روی سنگ آستانه در نشست و سازش را به شانیه فشار داد و هم چنان که در اندیشه عمر بود ، عمری که پر از تباهی و ضرر است شروع به نواختن کرد و همینکه آهنگها واضح و آوازشته از احساسات غم انگیز بیرون ریختند ، اشک بر گونه اش فرو ریخت و هر چه بیشتر میاندیشید آهنگ سازش حزن انگیز تر میشد .

چفت در دوبار صدا کرد و در آستانه ی در نیمه باز رو چیلد ظاهر شد ، نیمه ی اول حویلی را با شجاعت پیمود اما همینکه یعقوب را دید کمی مکث کرد ، دچار لرزش گردید و و بادست شروع کرد به اشاره کردن ، مثل اینکه میخواست بادست وقت معین کند ، یعقوب با مهربانی به او اشاره کرد و گفت ((بیا جلو نترس بیا)) رو چیلد با نگاهی نامطمئن و ترسان نزدیک شد و چند متر دور تر از یعقوب ایستاد و گفت : ((یعقوب لتم نکن گناه من نیست)) این را گفت ، تعظیمی کرد و ادامه داد : ((موسی مرا فرستاده است ، به من گفت که نترس ، دو باره برو پیش یعقوب و به او بگو که بی تو کارمان نمیکند ، عروسی روز چهارشنبه است دختر ((شاپو و الف)) زن يك مرد خرپول شده است ، عروسی بزرگانه)) .

رو چیلد این را گفت و چشمکی زد . یعقوب جواب داد : ((من نمیتوانم بیایم ، من مریضم .

دوباره کمانچه را گرفت و شروع کرد به نواختن ، در دلش عقده یی بود که میخواست گشاده گردد ، اشک از چشمش سرشار شد و دید و روی کمانچه سرشار شد رو چیلد به دقت گوش میداد ، پهلوی یعقوب ایستاده بود ، اثر وحشت و ترسی که برو خودش حاکم بود اندک

نه او زندگی خود را بصورت بی فایده یی از دست داده بود بی آنکه لذتی برده باشد ، آخ چه ضررها یی و اگر او تمام این کارها را با هم انجام میداد ، هم ما می میگرفت هم ساز میزد هم کرچی میخواند هم غاز داری میکرد چه پولی می توانست جمع کند ، اما او هرگز به این فکر نیفتاده بود ، زندگی اش بدون منفعت ، بدون رضایت و خوشی سپری شده بود ، اکنون همه چیز بی اینکه او توجیهی بدان کند گذشته و او دست خالی مانده است ، اکنون اگر به گذشته اش بنگرد غیر ضرر چه می بیند ؟

چرا بشر نمیتواند بدون این ضررها زندگی کند چرا او تمام عمرش را به داد و فریاد و غریه و دشنام دادن به زنش سپری کرده است ؟ به چه قصد قابل تصویری روچیلد بیچاره را ترسانیده و به باد دشنام گرفته است ! چرا مردم نمیکذارند دیگران به راحتی و آسایش زندگی کنند ؟ تمام اینها

یعقوب با مشت های گره کرده او حمله برد و غریه :
ساز نظرم دور شو ، برو گمشو ، بروی چنان بزمنت که روح بدن منقورت پرواز کند ، من نبودم یها آیم به يك جو نمیروم .
روچیلد از ین تهدید ترسید و با فرار گذاشت و یعقوب از میدان فرار می گذشت و بعد به دامنه های شهر رسید ، زیر بید کهنسال نشست و به مرور خاطره ها در ذهنش بود پرداخت ، دریاچه ی صاف آبی رنگ رو برو ، چمن زاری که برابری گسترده شده بود ، نوای رنگ گان که در هوا موج میزد و در آن سوی رودخانه قدیر افراشته بود در دشت کنتسکین داد و تعجب کرد که چرا این چهل پنجاه سال اخیر هرگز سری به اطراف شهر نزده و اگر

ساز قابوت ساز

ضرر است ، ضررها ی وحشتناک اگر نفرت مردم از یکدیگر نمی بود آدمهای بد منش این همه منافع را برده نمیتوانستند .
صبح فردا یعقوب به شفاخانه رفت همان ماکسیم نیکلاویچ دستور داد که حوله ی آب سرد روی پیشانیش بگذارد و گرد هم بخورد و یعقوب از خطوط قیافه معاون داکتر و آهنگ صدايش درك کرد که حالش خطرناک است و هیچ گردی شفايش نخواهد داد .

همه هم بی اعتنا از آنجا رد شده بودند ، در حالیکه رودخانه بی اندازه او را بل احترام بود و به هیچ وجه نمیتوانست مورد تنفر او واقع شود ، میشد از رودخانه ماهی بگیری و آنرا به تاجر ها ، دلال های خرید آذوقه و حتی پادو های کا- بین ایستگاه را آهن فروخت و پولش را هم میشد در بانک ذخیره کرد ، میشد از روی این رودخانه قایق سفر کرد ، از خانه ی يك هائی به خانه ی دیگری رفت و رایشان کمانچه کشید و دهاتیها شما برای ساز زدنش به او پول میدادند به علاوه میشد کرچی بان بود و به هر صورت این شغل از قابوت سازی خیلی بهتر بود ، میشد غاز پرورش داد و آنها را سر بریده و زمستان به مسکو فرستاد فقط از پر غاز هاسال ده روبل میشد میدی فراهم آورد .

به مناسبت روز بین‌المللی تسامد با مردم فلسطین

سازمان ملل متحد و قضیه

فلسطین



۲۹ نو مبر مصادف با او زمین- المللی همبستگی با مردمان فلسطین میباشد. این مسئله در سال ۱۹۷۷ با اثر یکی از فیصله نامه های مجمع عمومی ملل متحد اعلام گردید فیصله نامه تقاضا میدارد تا یک سلسله اقدامات در زمینه بخش معلومات بارتباط حقوق مسلم و جدا نشدن مردم فلسطین و مساعی ملل متحد به خاطر پیشبرد پروسه حصول این حقوق، صورت گیرد. فشرده مساعی ملل متحد قرار ذیل میباشد:

برای حل های شرقی نه از بیشتر از سه دهه باینظر در سازمان ملل متحد وسیعاً مورد بحث قرار دارد.

مگر مردمان فلسطین تا حال باوجود تاکیدات روز افزون بر حقوق لایتنجری شان در زمینه خود ارادیت، حاکمیت و استقلال ملی نایل نگردیده اند. در سال ۱۹۷۴ مجمع عمومی ملل متحد ضمن یکی از فیصله نامه ها مردم فلسطین را به حیث یکی از جوانب اصلی دیدن در تأمین صلح عادلانه و پایه دار در شرق میانه به رسمیت شناخت.

مجمع عمومی همچنان از سازمان جهانی بخش فلسطین دعوت نمود تا در جلسات و کار این مجمع به بحث مشاهد اشتراک نماید. قبل برین - در سال ۱۹۶۸ مجمع عمومی کمیته خاص را موظف ساخت تا اعمال اسرائیل را که حقوق انسانی با شندگان سرزمین های اشغال شده را متاثر میسازد، بررسی نماید. در سال ۱۹۷۵ مجمع عمومی کمیته را به خاطر

احقاق حقوق مسلم مردم فلسطین تاسیس نمود. این کمیته بسعادتاً پروگرامی را جهت فراهم آوردن زمینه حصول حقوق مردم فلسطین پیشنهاد نمود که طی جلسات متعدد مجمع عمومی تأیید گردید. با اثر تقاضای مجمع عمومی - واحد خاصی در زمینه حقوق مردم فلسطین در چوکات سکرتریت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۸ تاسیس گردید. این واحد وظیفه دارد تا مسایل مربوط به جمع آوری معلومات و نشرات رادر زمینه حقوق فلسطینی ها - فیصله نامه های ملل متحد درین باره و فعالیت های (کمیته حقوق فلسطینی ها) و دیگر ادارات ملل متحد را پیش ببرد. در سال ۱۹۷۸ مجمع عمومی از تمام حکومت و سازمانها تقاضا نمود تا با (کمیته حقوق فلسطینی ها) و (واحد خاصی) متذکر جهت پیشبرد وظایف شان از همکاری های لازم دریغ نمایند.

مجمع عمومی به صورت متواتر تقاضا نموده است تا کنفرانس صلح جنیوا در باره شرقی میانه به اشتراک مساوی تمام جوانب دیدن بشمول سازمان جهانی بخش فلسطین هر چه زودتر از سر گرفته شود.

سازمان ملل متحد به قضیه اسکان اسرائیلی ها در سرزمین های اشغال شده توجه قابل ملاحظه به خرج داده است. مجمع عمومی طی فیصله نامه های مختلف از اسرائیل تقاضا نموده تا از اقدامات به خاطر تغییر وضعیت حقوقی و دموگرافیک در سرزمین های اشغال شده منصرف گردد. مجمع

عمومی اعمار محلات مسکونی اسرائیلی ها را در اراضی اشغال شده تقبیح نموده است.

شورای امنیت طی فیصله نامه های اخیر بارتباط این موضوع اظهار داشت که اعمار همچو محلات مسکونی موانع شدید را در راه تأمین صلح در شرقی میانه به بار می آورد. لذا از اسرائیل تقاضا نمود تا جاهای موجود مسکونی را در اراضی اشغال شده تخلیه نماید. به تاریخ ۳۰ جون ۱۹۸۰ شورای امنیت ((ضرورت فوق العاده مهم خاتمه بخشیدن به حالت اشغال سرزمین های عربی به شمول بیت المقدس که از سال ۱۹۶۷ باینظر توسط اسرائیل تصرف گردیده)) مجدداً تأکید نمود. شورای امنیت همچنان بار دیگر تأیید نمود که هر نوع اقدامات قانونی واداری که توسط اسرائیل بعمل می آید و ((مقصد آن تغییر کرکتر و وضعیت شهر بیت المقدس میباشد - هیچگونه اعتبار قانونی نداشته و یک تخطی آشکار از چارمین پیمان نامه جنیوا مبنی بر حمایت اشخاص مسلکی در اثنا جنگ به شمار میرود)).

در سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی باتاثر ملاحظه نمود که معامله کمپ دیوید خارج چوکات ملل متحد و بدون اشتراک سازمان جهانی بخش فلسطین صورت گرفته است لذا آنرا بی اعتبار قلمداد نمود. مجمع عمومی ((تماماً موافقت نامه های مغرضانه و معاهدات جداگانه)) را که منافق حقوق فلسطین و اساسات منشور ملل متحد و فیصله

نامه های مختلفی میباشد که مجمع بین‌المللی در باره قضیه فلسطین صورت گرفته، شدیداً تقبیح نموده است.

مجمع عمومی مجدداً تقاضا نمود است تا کنفرانس صلح باره شرقی میانه تحت سرپرستی ملل متحد و ریاست مشترک اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا با اشتراک مساوی تمام جوانب دیدن بشمول سازمان جهانی بخش فلسطین در فرصت مساعد دایر گردد.

در ماه جولای ۱۹۸۰ مجمع عمومی یک جلسه خاص اضطراری را ترتیب داد قضیه فلسطین دایر نمود مجمع عمومی با اثر فیصله نامه

اش از اسرائیل تقاضا نمود تا ((از تمام سرزمین های فلسطین و دیگر کشورهای عربی که از ۱۹۶۷ باینظر به شمول شده است)) بیت المقدس اشغال نموده است به صورت کامل وبدون قید و شرط خارج شود. مجمع عمومی تقاضا نموده بود تا این عقب نشینی قبل از تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۸۰ آغاز گردد. مجمع عمومی مجدداً تأیید نمود که بدون عقب نشینی اسرائیل وبدون رسیدن به یک عادلانه قضیه فلسطین مبنی بر حصول حقوق جداگانه ناپذیر نیست. فلسطینی در خود فلسطین، هیچگونه صلح جامع - عادلانه و دار در شرق میانه برقرار نمیتواند. مجموع عمومی همچنان حقوق مسلم فلسطینی ها را ناحیه خود فلسطین - به شمول حق خود ارادیت عالی از مدار خارجی ها، حق استقلال و حاکمیت ملی و حق تاسیس یک دولت مستقل دارا حاکمیت ملی تأکید نمود. سی و پنجمین دور جلسات مجمع عمومی ملل متحد در دسامبر ۱۹۸۰ یک بار دیگر اوضاع شرقی میانه را تحت بحث قرار داد و فیصله نامه را در زمینه صادر نمود. به موجب این فیصله نامه مجمع عمومی مجدداً عقیده محکم خود را اظهار نمود که قضیه فلسطین در مرتبه اول منازعات شرقی میانه قلمداد داشته و تا وقتی که فلسطینی ها حقوق مسلم ملی شان برخوردار نشوند، هیچگونه صلح جامع عادلانه و دوامدار در منطقه بدست آمده نمیتواند.

أجل، إن للشعب الفلسطيني حقوقاً!



The Palestinian people do have rights!
 Oui, le peuple palestinien a des droits!
 Есть права у народа Палестины!
 ¡Sí, el pueblo palestino tiene derechos!



گزارش از: س. ر. ها شمیار

ریزش موی و علل آن

چرا موی بیمار می‌گردد ، سبب ریزش موی سر چیست ؟
و آیا این بیماری قابل پیشگیری و تداوی است یا خیر ؟



یکی از بیماری های رایج دوران
ما که شیوع فراوان دارد و کم
خانمی است که از آن شکایت
نداشته باشد ریزش و یا پو ستنگ
موی سر است ، مادر اثر تقاضا
مکرر عده یی از خوانندگان این مجله
در این شماره گفت و شنود کوتاه
داریم با پوهندوی ما یل است
کرسی جلدی وزهروی پوهند
طب کابل که به مجموع پر ستن
های شما در این زمینه پاسخ میدهد
توجه شما را به مطالعه آن جلب
داریم :

- از نظر شما موی چرا میریزد
علل آن چیست و ریزش موی سر
بیشتر وابسته به کدام سبب
است ؟

- يك نوع ریزش منتشر موی
که عموماً میت دارد و در موقع شانه
کردن ، بر سر زدن و شستن صورت
میگیرد علت ها و سبب های مختلف
دارد که مهمترین آن عبارت است
از کم خونی و مخصوصاً کم خونی
هایی که به سبب از دست دادن
خون در خونریزی ها و کمبود آهن
در خون به وجود میاید .

دیگر امراض تب دار مانند
محرکه ، گریب و سر ماخوردگی
نیز سبب ریزش موی شده میتواند
این گونه ریزش مدتی بعد از سیری
شدن مرض به وجود آمده و بصورت
موقتی علایم آن دیده میشود .

سوم امراض میکروبی مانند
کلو درد های مزمن و خرابی
دندان ها باعث ریزش موی شده
میتوانند .

چهارم - در دوران حمل و شیر
دهی خانم ها به ریزش موی مصاب
گردند که معمولاً در ماه سوم بار
داری علایم آن ظاهر گردیده بعد از
مدت چند هفته و یا ماه دوباره
بهبودی حاصل میکند و به جای
موی های ریخته شده موی های
تازه میروید ، به این جهت خانم
های حامله و شیرده نباید از ریزش
موی های سر خود در این دوره ها
نگرانی داشته باشند .

پنجم - تشوشات شدید روحی
و جسمی سبب عمده ریزش موی
راتشکیل میدهد .

ششم - امراض مزمن وضعیف
کننده نیز در ریزش موی نقش
دارد .

هفتم - برخی از اقلام ادوی
سبب ریزش موی شده میتوانند .

بقیه در صفحه ۴۷

شماره ۳۵

میبندارند در خدمت رفاه آرا مش
 وصحت با عافیت و عاری از فقر
 و گرسنگی بشر به کار برند. از
 مطالعه آنچه در بالا تذکر رفته به
 این نتیجه میرسیم و میتوا نیم ادعا
 کنیم که میتوا نیم با استفاده از
 مکروب از یکسو در بهداشتی ساکنین
 روی زمین استفاده لازم نموده
 و از سوی دیگر محصولات زراعتی
 و حیوانی فعلی روی زمین را به
 خاطر نجات عالم بشریت از خطرات
 حاصله ناشی از فقدان غذا یی
 چندین مرتبه افزایش دهیم.

بسان گوشه یی از اقتصاد ملی
 کشور شوراها بسیار جوان (فقط
 پانزده ساله) است. مگر هر آنچه
 که در جهت اكمال آن هزارها
 متخصص در انستیتوهای تحقیقاتی
 و فابریکات صنعتی مصروف انجام
 کارهای خستگی ناپذیر باشند بدون
 شک چنان نمراتی از خود بیسار
 خواهد آورد که کمتر مثال آن دیده
 شده باشد. با استفاده از دست
 آورد های ساینس و تکنولوژی
 انسان توانسته است تا مکروبها را
 که اکثراً آنها را هنوز هم دشمن
 شماره یک صحت و سلامت انسان

در دایره آن واقع می شود. و جریان عملها
 و عکس العملها را می گذارند؟ آیا... نتایج
 همین عملها و عکس العملها شکل دهنده فکر
 و شخصیت ما نیست. بنابر این لازم است
 که اثر در میان اجزای گذران زندگی در
 مرتبه مهمتری قرار بدیم و در همین مرتبه
 متوجه تاثیرهای مطلوب و نامطلوب آن
 باشیم.

بقیه صفحه ۳۳

سینما و جوانان

اگر می خواهیم در مانی بخوانیم قبل ما یلیم
 که در باره نویسنده آن چیزی بدانیم. اگر
 نقدی در باره آن کتاب نوشته اند، می خوانیم.
 از کسان دیگری که آن را خوانده اند و به
 رای و نظرشان اعتقاد داریم، در باره آدرس
 آن کتاب پرسش یا پرسشهای می کنیم.
 و اینها به آن سبب است که کتابها مهم
 می دانیم و در خواندن کتاب هدف و مقصودی
 داریم. پس فیلم که یک رمان یا یک کتاب
 زنده و نمایشی است. باید برای ما لاف
 در همان مرتبه اهمیت کتاب باشد.

ما با دیدن هر فیلم خوب در واقع یک رمان
 خوب خوانده ایم و آنرا هم بسیار زود و دقیق
 و عینی گفته می توانیم که تجربه های آن، چه
 آنهایی که تا اندازه در ذهن ما آشناست
 و چه آنهایی که ناآشناست کم و بیش جزء
 از تجربه های زندگی ما می گردد و به همین
 ترتیب دامنه در یافت های ما را از جهان
 زندگی و بالاخره انسان گسترش میدهد.

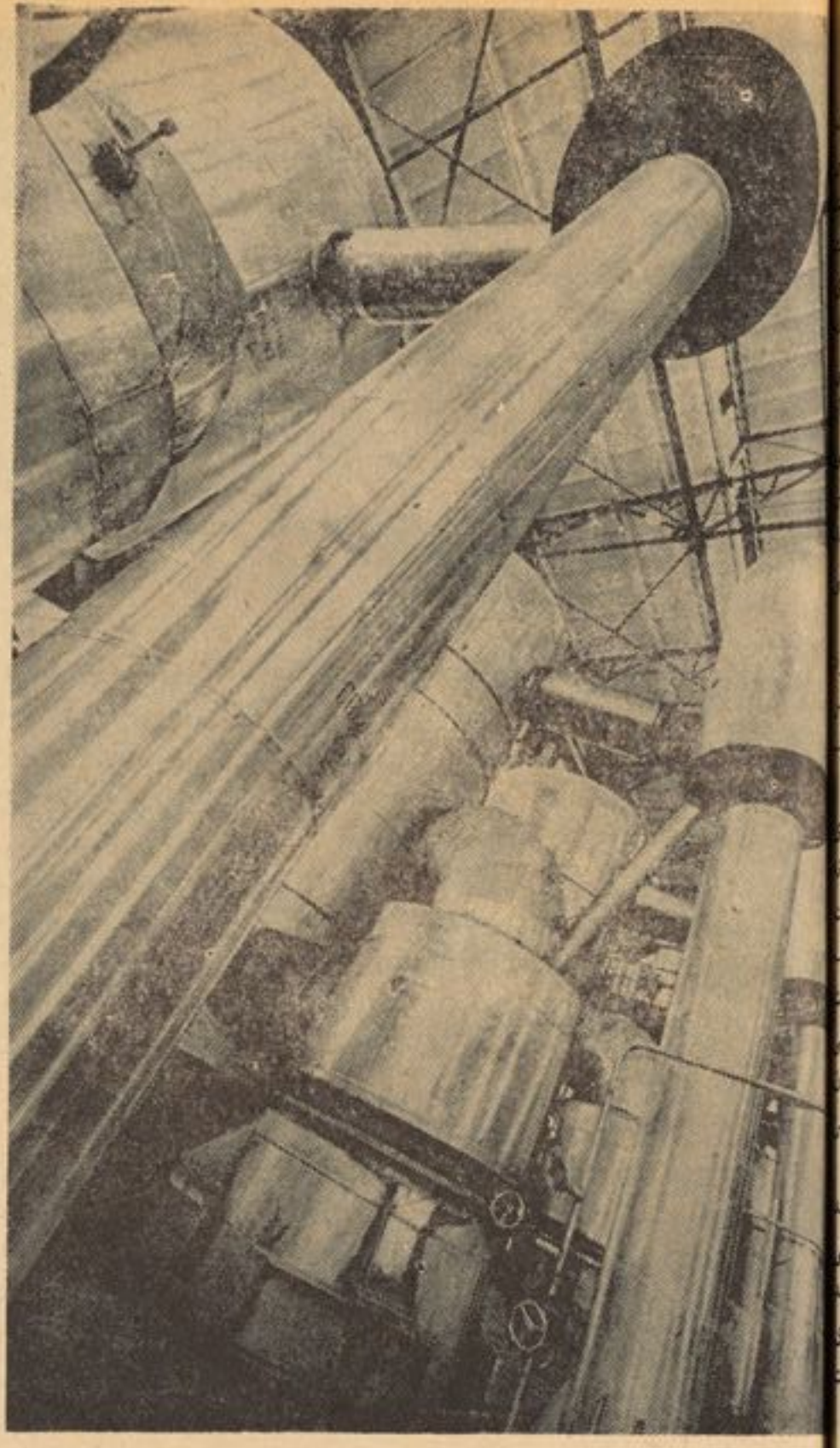
ما نمی گوئیم که همه فلصها باید آمو زنده
 باشند، یعنی که باید هدف آمو زشی و
 پرورشی ساخته شده باشند، ولی باید
 اگر ما را سرگرم می سازد و قایع و ما چرا
 هائی را که در برابر ما می گذارند، چه
 خنده آور، چه غم انگیز، چه محرک فکر همه
 در مقام بخشی از زندگی انسانهای دیگر،
 اصیل و صادق باشند. راه های تفکر و تعقل
 درست را بر ما نبندند و راه های کج و لولفته
 را بر ما نگشایند. نیازهای غریزی ما را
 تیزتر و چیره تر سازند و بر نیازهای
 انسانی ما سر پوش نگذارند.

مادر جریان مشاهدات فیلم، در برابر فرد
 یا گروهی دیگری می ایستیم. خطاهای لغزشهای
 افراد را می بینیم و بیدرتنگ به راه های
 منطقی، درست و اخلاقی می اندیشیم و هرچه
 زودتر رفتار رابه خوب و بد و یا خیر و شر تفکیک
 میکنم و همیشه میکوشیم که عوامل یک واقعه
 را بشناسیم و یا نتایج اعمال انسانها
 را حدس بزئیم.

فیلم یا سینما که هنر هفتم است در مرتبه
 هنر از زشمند و سازنده است اما تا جائیکه
 به صنعت وابسته می شود. نوعی تولید
 به حساب می آید و به تجارت می پیوندد.
 فلمسازان بسیاری هستند که با طمع
 بیشتر و زحمت کمتر فلصهای مبتذل و به
 اصطلاح عام پستند می سازند. ماکه خواننده
 کتاب یا بیننده فیلم هستیم باید این کالاهارا
 پیش از تهیه و مصرف بشناسیم و خوبها و
 مرغوبهای آنها را انتخاب کنیم.

در سراسر مشاهده فیلم، بی آنکه متوجه
 باشیم، ذهن ما در تلاش چیزهای استو
 به تجزیه و تحلیل و استدلال درست و استنتاج
 می پردازد. انسانها و وقایع فیلم را با انسان
 ها و وقایعی که میشناسیم، مقایسه میکنیم. این
 فعالیت های ذهنی همه در زندگی واقعی ما خواهی
 نخواهی انجام می گیرد. منتها بعضی اوقات
 در مدتی طولانی تر و گاهی با دقت و توجه
 کمتر.

فیلم در واقع در مان قرن ما است و این
 رمان سهل و ساده را کوچک و بزرگ عام
 و خاص همه با اشتیاق زاید الوصفی می خوانند.
 و با وجود تلویزیون، هر فرد در دوزی نیم
 ساعت یا یک چند ساعتی از اوقات خود را
 صرف مطالعه این رمان نمایشی می نمایند.
 با وجود اینکه تاثیر که سینما در زندگی
 ما دارد، آیا می توانیم آن را صرفاً یک
 وسیله تفریحی بدانیم... نه... این وسیله
 ظاهراً تفریحی مگر بخشی عمده ای از تجربه
 های روزانه ما را نمی سازد؟
 مگر صورت طیف یا نیروی راننده که ذهن ما



گوشه یی از ساختمان داخلی یکی از تا سیسات «تست سازی» را که در فوژسک موقعیت دارد مشاهده می کنید.

بقیه صفحه ۲۱

این یک اشتباه است که...

جلوگیری نمائیم.
 پس تفصیل روایت دسترس سسی
 زراعتی به فعالیتها ی میکروبیو-
 لژیکی تصادفی نبوده. بخش اعظم
 محصولات صنعت میکرو بیولوژیکی
 اتحاد شوروی یعنی هشتاد درصد
 (از جمله یکصد و پنجاه نوع آن)
 به مقاصد زراعتی به مصرف میرسند
 و باقی بیست فیصد آن به مقاصد
 انجام خدمات صحت عامه، صنایع
 برق و غذا، چندین شعبه صنایع
 ثقیله و انجیریی، میخانیکی به
 مصرف میرسد.
 در اخیر اینهم قابل یاد آوری
 مینماید که صنعت میکرو بیولوژیکی

یاری همراه با افزایش محصول-
 دیگر آن بشدت کامل سیر
 خود را می پیماید، آنها
 انکشاف و ذخیره نا-
 راجح نباتات را بهبود میبخشند.
 حاصلخیزی خاک ثمره طبیعی
 چندین ساله میکرو-
 گانیزمها میباشند که حال ما
 انرا نداریم تا با میکرو بیهای
 که در فابریکات نشوونما
 اند در خاک (جهت بلند بردن
 حاصلخیزی آن) علاوه نموده
 سطح تولیدات زراعتی
 و از قحطی و شیوع
 مواد غذایی به صورت آنی

رسم و رواجهای مردم سیستان تشکیل خانواده و روابط اعضای آن

پیوسته گذشته

هر گاه بخوانند به خانه اقارب و دوستان بروند چادر میبوسند زنها طبقات پایین چادری ندارند و در اجرای وظایف بیرون ازخانه تا اندازه باشوهران خود سهیم میگیرند ولی به صورت عموم آنها نیز آزادی محدود داشته و شدیداً از طرف مردان خویش کنترل می شوند. مردان بلوچ درین حوزه زن را کم ذهن ضعیف الا را دهو عاجز از اجرای کارهای حساس و دشوار میدانند.

درین حوزه قایل یک و غیره دستگاه های ماشینی که زنان دران شامل کار شده بتوانند وجود ندارد و اکثریت مطلق زنان وظیفه تنظیم و اداره خانواده را بعهده دارند احياناً اگر کاری با جوره برای زنان میسر گردد دستمزد آنها کمتر از نصف دستمزد مردان است و کار فرمایان ترجیح میدهند زنان مجرد و دختران را استخدام کنند تا از چند دقیقه شیر دهی مادران با اطفال شان نیز خود را فارغ سازند و ازین ناحیه از زنان دهاقین استفاده اعظمی بعمل آورند.

زن درین حوزه یکسره از اوامر و نواهی شوهر اطاعت مینماید و مجال سرکشی را ندارد حقوق مادی زن نیز خیلی محدود است در ترکه میراث باید شرعاً معادل نصف یکمرد حصه بگیرد اما عملاً آن حصه هم به یک مرد مانند شوهر و یا برادرش میرسد.

زن بلوچ حق ندارد طلاق بگیرد هرگاه زنی بخواند خلاف میل شوهرش کاری را انجام دهد مورد انزجار شوهر قرار میگیرد. شوهر تازمانیکه به اعضای زن صد مه وارد نکرده است حق لیت و کوب را دارد

است. هر گاه عضوی از اعضای زن معیوب گردد شوهر مورد باز پرس اقارب زن قرار میگیرد. در صورت عدم موافقه موضوع را عرض فیصله بخان محل رجعت می دهند و حکم خان درین باره قاطع مسوده میشود راجع باین مفهوم بین مردم بلوچ مثلی بدینقرار وجود دارد: «گوشت زن به شوهر و استخوان او بوالدینش متعلق است».

دخترها حق انتخاب همسر را ندارند و در امر ازدواج به نظر آنها اهمیت داده نمیشود - ازدواج به انتخاب رئیس خانواده پسر و قبول خانواده دختر انجام می یابد. اظهار نظر دختر راجع به انتخاب شوهر برای او عیب پنداشته می شود مراسم ازدواج از مذاکره و مقایسه روسای دو فامیل شروع میشود. موضوع او را از طرف خانواده پسر پیشنهاد شده و نظر خانواده دختر خواسته میشود و در جریان این مذاکرات موضوع پیشکش و طویا نه نیز فیصله میگردد. در ضمن فامیل دختر با خویشاوندان نزدیک خود درمورد مشوره نموده و نظریه آنها را جویامی شود از آن جا که خوانین سیستان بر تمام امور تسلط دارند رئیس خانوادۀ دختر و پسر هر دو پیرامون موضوع ازدواج محل مشوره میشوند اگر خان نیز به این موضوع موافق باشد دست به کار ازدواج میشوند.

در گذشته اکثریت مردم در چنین موارد از خان محل مشوره می خواستند و لی امروز این روش تا اندازه متروک گردیده و چهل تا پنجاه درصد مردم ازین روش

بیرونی نمیکنند. بهر صورت پس از ابراهیم موافقه کامل خانواده دختر یک تعداد مو سفیدان - جوانان و حتی اطفال قریه به شمول داماد (خلاف معمول در سایر نقاط کشور ما) در فرصت مساعد اکثر بعد از صرف طعام شب به خانه شخص دختر دارفته و از آنها شیرینی به عنوان موافقت در امر ازدواج مطالبه میدارند. خانواده دختر یک مقدار شیرینی معمولاً نقل و دستمال را که قبلاً از طرف خانواده پسر به این منظور تهیه گردیده و در دسترس شان گذاشته شده است بایشان میدهد برای چند نفر مو سفید و صاحب رسوخ قریه علاوه از شیرینی یک یک دستمال هم داده میشود در ختم مراسم چند گلوله بهوا شلیک میشود که هدف آن ابلاغ موضوع به همه باشندگان گردد و نواهی میباشند.

اکثر دخترهای بلوچ در صغارت در سنین بین دو تا ده سالگی نامزد میشوند و حتی بعضی اوقات دو زن حامله تصمیم میگیرند که اگر یکی دختر و دیگری پسر آورد دختر و پسر را باهم نامزد مینماید. باین صورت دختر و پسر قبل از تولد نامزد میگردند گاهی هم دختر در سه روزه گی نامزد میشود. چنانچه کاکا - ماما و با دیگر اقارب طفل نوزاد قدری تکه پوشا که را به عنوان جوره برای دختر آورده و نامزدی او را به پسر خود مطالبه میدارند در صورت قبولی والدین دختر نوزاد به پسر شخصیکه مطلقاً لبه کرده است نامزد میگردد. این روش درین اواخر کمتر شده است و باینگونه خواهشات تقریباً

هشتاد و پنج تا نود درصد جوانان منفی داده میشود.

سن دختر در موضوع ازدواج نزد مردم این منطقه اهمیت زیادی ندارد چیزیکه در ازدواج نزد اهمیت دارد مسئله اقتصادی پیشکش یا طویا نه است که به مقایسه سوبیه اقتصادی و درآمد مالی مردم خیلی گزاف است. معمولاً پیشکش از بیست هزار تا صد هزار افغانی تعیین میگردد که مقدار آن اندازه مربوط به قشنگی دختر موقوف اجتماعی و اقتصادی دختر است. ثلث پیشکش نقد متباقی آن جنس و مواشی پرداخت میشود چون اکثریت جوانان توانایی تادیه پیشکش را به یک رنگی ندارند و نامزد صغیر با موقع میدهند که پیشکش را تدریجاً بزرگ شدن نامزد تا دیده نماید لهذا ازدواج با دختر صغیر به آنها عیبی ندارد. از پول پیشکش یک مقدار آن به خریداری لباس داماد و عروس و تهیه قسمتی اثاثیه خانه داماد و عروس بمصرف میرسد. فامیل داماد در برات و رفتن ها معمولاً یک یا دو جوره لباس قدری شیرینی تهیه کرده و باین فامیل دختر ارسال میدارند. در جریان نامزدی اگر دختر بمیرد آن حصه پیشکش را که داده تادیه نموده است در صورتی که میشود که داماد از مزایا و رواج نامزدی استفاده نکرده باشد. پس از تادیه پیشکش مراسم عروسی آغاز میگردد به منظور اجرای این مراسم داماد موادغذایی مورد ضرورت یک وقت خویشاوندان و مسکونین قریه فامیل

باید



اطمینان دادن و تقویه روحی برای مریضان «کسانیکه ریزش موی دارند» اهمیت زیادی دارد

بقیه صفحه ۴۴

ریزش موی و ...

مصائب میگردند، شروع ریزش موی تدریجی است و در سنین بیست تا چهل ساله گی آغاز میگردد، در این نوع موی ریزی عوارض ارثی و فامیلی نقش مهم دارد، از دیاد فعالیت هورمون های جنسی نیز در آن تاثیر میگذارد.

هشتم - تشوشات هورمونها مخصوص هورمون غده در قی سبب مرض جاغور میگردد از دیگر ریزش موی سر میباشد تداوی این نوع خاص ریزش موی بازمیان برداشتن سبب اصلی صورت میگیرد. رفتن موی قبل از وقت نسبت بری موی سر: این واقعه بیشتر جوانان را مصاب میسازد، نزد مصابین سنوسک سر زیاد شده و خارش خفیف نیز موجود است، ریزش موی از سر و شقیقه صورت میگیرد.

باید این مریضان در شمشوی سر خود از شامپوهای ضد چربی سر استفاده کنند که به وسیله ادغذاکتور معالج توصیه میگردد. ریزش قبل از وقت موی سر با بنیه شخص ارتباط دارد: این نوع ریزشی موی کسرت دارد و بیشتر مرد های جوان به آن

بقیه صفحه ۴۲

سازمان ملل متحد ...

مجمع عمومی بار دیگر تجا و زاسرائیل را علیه لبنان و فلسطینی ها و نیز اعمال آن را در اراضی اشغال شده فلسطینی ها و دیگر کشورهای عربی بشدت تقبیح نموده و جدا از آن کشور تقاضا نمود تا به تمامیت ارضی - حاکمیت ملی و استقلال سیاسی لبنان در چوکات سرحدات رسماً شناخته شده بین المللی احترام گذارد. شورای امنیت ضمن بحث قضیه در ماه می ۱۹۸۱ باین عقیده سر - منشی ملل متحد که موضوع شرق میانه در مجموع تا وقتیکه يك توافق جامع بدست نیاید به صورت بالقوه خطرناک باقی خواهد ماند، همنوا گردید.

ریزش موی در سنین پیری: ریزش موی در سن پیری طبیعی بوده و از سبب نازک شدن جلد و ملحقات آن صورت میگیرد. نوع دیگر ریزش موی عبارت است از ریزش موی ولادی که بسیار نادر بوده و در موقع تولد کودک موی ندارد و بعد از آن نیز نمی روید، اما وقایع موی رفتن ولادی یا به تنهایی موجود است و یا با آفت ناخن و دندان نیز به همراه میباشند. يك نوع موی ریزی دیگر نیز وجود دارد که عمومی و منتشر نیست و بصورت دایره ها در جلد سر یا ناحیه ریش پیدا میشود و به نام کلی دایروی یا مدور یاد میگردد، این موی ریزی به جسامت دواغلا - نیکی و یا اندکی خردتر یا بزرگتر بوده و در هر سن و سال پیدا شده میتواند اما واقعات آن نزد اطفال و جوانان بیشتر دیده میشود، در این گونه موی ریزی موضعی در جلد مرضی صرف از بین رفتن موی تا به صورت حلقه های مدور دیده میشود و کدام حادثه التهابی موجود نمیشود، مسامات موی در جلد قابل دید است، معمولا شروع ریزش موی بصورت آنی و حاد شروع شده و در عین زمان يك دو و یا بیشتر حلقه ها و دایره های بدون موی نمایان میگردد موی محیط ناحیه بدون موی در موقعی که آفت فعال است و به پیشرفت خود ادامه میدهد نرم بوده و به آسانی کنده

میشود ولی در شکل غیر فعال آن که بیشتر وقت آفت متوقف گردیده موی محیط حلقه ی بدون موی محکم بوده و به آسانی کنده نمیشود این نوع موی رفتگی به جسامت های مختلف بوده ولی بعضا تمام موی های سر میافتد که این نوع موی رفتگی سر را به نام کلی تام یا مکمل یاد میکنند، در اشکال نادر این موی رفتگی های موضعی و کوچک کسب شدت نموده و منجر به رفتن تمام موی بدن به شمول ابرو ها و پلک ها میگردد شکل موی رفتگی موضعی عواقب خوب داشته و موی دوباره نمو میکند.

انزوا و عواقب موی رفتگی موضعی به فکتور های زیر ارتباط دارد:

عمر مریض، جسامت ناحیه موی رفتگی دوام موی رفته گی و موجودیت علائم نموی موی. سبب این نوع موی رفته گی های موضعی را شوک های روحی و فز یکی در اشخاص حساس میداند همچنان زهر یا توکسین میکروب های که باعث گلودردی و امراض دیگر میکروبی میگردد نیز در بعضی اشخاص سبب این نوع موی رفته گی شده میتواند.

آباریزش موی به صورت عمومی تداوی دارد یا خیر؟ - بلی و تداوی ریزش موی رابه صورت فشرده میتوان در این موارد خلاصه ساخت:

- ۱- اطمینان دادن و تقویه روحی برای مریض اهمیت زیاد دارد و مریض باید به شفای خود و نموی دوباره موی مطمئن گردد.
- ۲- بهبود وضع عمومی صحت با تغذی خوب مفید ثابت شده است.
- ۳- از بین بردن اسباب محرکه مانند تشوشات عصبی و فز یکی و محرقات میکروبی.
- ۴- تطبیق ادویه از طریق تطبیقات موضعی که باعث تسریع جریان خون موضعی جلد میگردد همچنان زرقیات موضعی کورتیکو ستروئید نتیجه فوق العاده خوب داده و موی ها دوباره نمو میکند.



عاشقان بیچاره و دیوانه در دام گیسو افتاده اند

خنده خنده خنده

برای شما انتخاب کرده ایم

لطفا خواهش میکنم دکتور

مرد زنده پوشی در حالیکه دست زنش را گرفته بود ، وارد معاينه خانه داکتری شد و به او گفت!
 - آقای دکتور ... زنده پوش تا سکه را خورد خواهش میکنم آنها را از شکمش بیرون کنید ...

دکتور پرسید :

چه وقت ، آنها را خورده است؟

دعا ل قبل :

دکتور با تعجب پرسید :

- پس چرا تا حالا ، اقدامی نکرده اید ؟

- بپر مرد باخونسردی جواب داد !

- برای اینکه تا حال احتیاجی به پول نداشتیم .

در آرزوی زن

بیر مرد مستنی که سر و وضع خوبی هم نداشت و قیافه زیبایی هم نصیبش نشده بود به یکی از موسسات ازدواج مراجعه کرده و به مدیر موسسه گفت :

من میل دارم با یک دختر زیبا و ثروتمند اما جوان و تحصیل کرده ازدواج کنم .

مدیر نگاه می کرد و گفت :

- خوب شغل شما چیست ؟

مرد جواب داد : بیکارم ولی مبلغی هم مقروضم خرج پدر و مادر هم باید خودم بدهم .

مدیر خنده ای کرد و گفت :

دختری که باین او صاف باشما ازدواج کند باید دیوانه باشد .
 مرد گفت : ما نمی نداشتیم با این عیب او نیز میسازم .



بدون شرح

حیله خوب

مردی برخون به محکمه رفت و رو به قاضی کرده گفت :

قاضی صاحب از دست خاتم خود به این روز افتاده ام . قاضی خورا عقب خانمش عسکر را فرستاد و اورا حاضر کرد .

خاتم ! شما به چه حقی بخود اجازه دادین که جاروب را آنقدر محکم بسر شو هر تان بگوین که سرش بشکنند ؟

زن جواب داد :

آقای قاضی صاحب ؟ باور کن من به هیچ وجه قصد سوء نداشتم و نمی خواستم سر شو هر م بشکنند . پس منظور تان از اینکار چه بوده است ؟

در خانه همسر م در برابر چنین کار عکس العمل نشان خواهد داد ؟

خانم نمی گذارد

تازه جوانی با دختر مقبولی در چوکی پیاغی دیوانه وار متوجه معشوقه اش بود . مردی که از آنجا میگذشت کنار آنها توقف کرده از جوان پرسید :

برادر متاهل هستید ؟

بلی ... پس چرا شما سوال کردید ؟

چون معاشقه تان بسیار زیباست چرادر خانه اینکار را نمی کنید ؟ جوان تازه کار لبخندی زده گفت :
 - هیچ به این فکر کرده اید که



بدون شرح



نه نه ماهی یک جاکت برای من هم بساز

زن باخونسردی جواب داد : هیچ آقای قاضی صاحب فقط می خواستم چوب جاروب کمی بلند بود کوتاه کنم !



بدون شرح

مریض هوشیار

دكتور با عصبانيت نمره تيلفون اتاق مريض را كه چندي پيش مشغول معالجه اش بود گرفت و گفت:

- چكي كه بخاطر معاينه داده بوديد بر گشته است.

مريض باخونسردى گفت:

- آقاى دكتور، مريض من هم عود کرده بنابر آن بين ما حسا بي نمانده است.



آخ كه پدرم چقدر خوش خواهد شد

معدنى بشما تقديم ميكنم تا معده يى تان از ناراحتى نجات بيايد. زيرا من ميدانم دست پخت مادرم يعنى چه!

يعنى چه

گدايى زنگ خانه مرد ثروتمندى به صدا در آورد. وقتى صاحب خانه در ب را كشود، گدا در مقام ضيغ برآمده گفت:

فكر نكنيد دو باره بسراغ شما بيايم. مادر تان يك چيزى از دست خود به من داد. فكر كردم شايد چيز ديگرى هم از اين قبيل داشته باشيد.

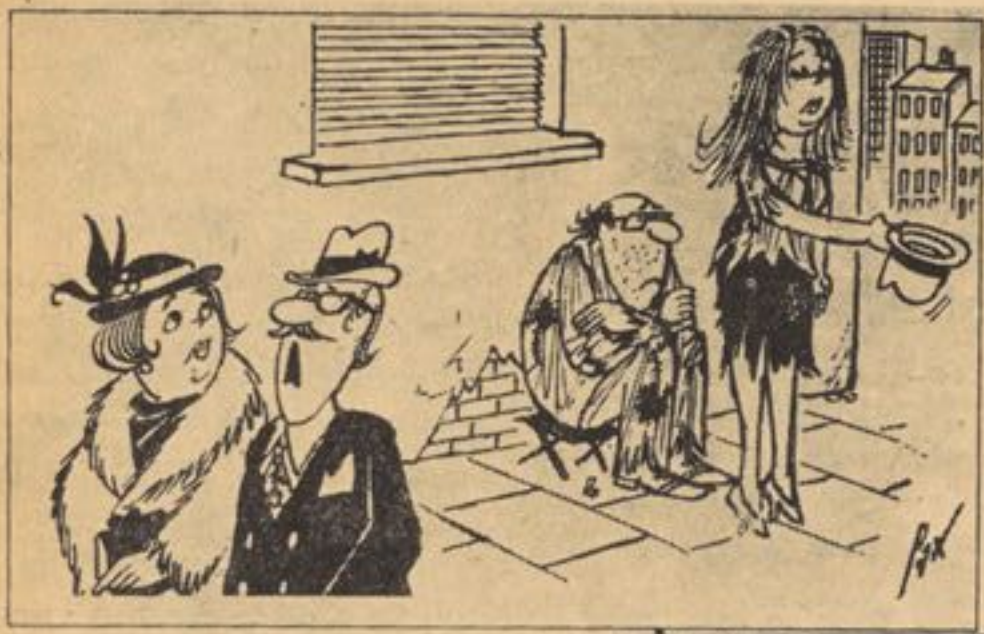
مرد جواب داد:

- من ميدانم شما به چه چيز شياج داريد. اينك يك بو تل آب

پند خوب به تو خواهم داد

برنارد شا و نويسنده بذله گوروزى براى گردش به لب بحر رفته بود و هنگام گردش با خود انديشيد و به كشتى ران تار بحر گفت اگر مرا به آنطرف ببرى بتو پول نخواهم داد و پندى به تو ياد خواهم داد كشتى ران منتظر پند بود كه برنارد شا و گفت:

من اينست كه اينكار را كه براى من انجام دادى براى ديگرى اين طيفه را انجام ندهى چو ن از گرسنگى ميميرى!



زن به شوهر: عزيزم خواهش مي كنم آنطرف را نگاه كنى كه وظيفه راهردوى شان يكي بي ديگر انجام مي دهد تو بامن در كارهاى خانه سهم نمى گيرى.



مدیر به سکرتر: او دختر چرادرميز شما پرا گندگى دیده می شود سکرتر ببخشيد مدير صاحب همان در خواستى خواهر و برادرم باليدم كه آيا تاحال ا مضاشده است يانى!

جواب دندان شکن

زن وشوهر سالخورده، در طبقه زمين منزل خوابيده بودند يك موقع به اثر شنيدن سرو صدا يى بشار شده، شوهرش را هم بيدار كرد و گفت:

- مثل اينكه در طبقه يا بين دزدى رز شده زيرا صداها يى بكوش رسيد.

چه ميشود كه بروى نگاهى به ناگه بيفكنى.

مرد خنديده، جواب داد:

- اگر تو بعد از اين در طبقه بين بخوابى، خيلى عالي ميشود.



آيا مدير صاحب پول به خانه ميز خود دارد يانى!



در مسابقه دوش كى برنده ميشود

از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت

جزای عمل

در شهر زیبا و با عظمت ((وین))
 بروز گار کهن ، حاکمی میز بست
 مردمدار ، رعیت نواز و عدالت
 گستر . با اها لی به مهر با نی می
 آمیخت و در سعادت و کامروایی
 آنان میگو شید . در این دیار قانونی
 حکمفرما بود که از آغاز حکومت
 این فرمانفرمای روشندل ، بوادی
 نسیم و فرا موشی سپرده شده بود
 و آن اینکه اگر مردی با زنی جز
 همسر مشروع خود می پیوست و
 درینها نی باوی پیوند مهر و محبت
 می بست محکوم به مرگ می شد .
 اما حاکم نیکو کار که قصد آزار و
 مجازات رعایای خود را نداشت
 اجرای این قانون را نادیده میگرفت
 و خطا کاران را جزا اوپاداشی نمیداد
 رفته رفته زبان مردم بشکوه و
 شکایت گشوده شد . پادرا ن و
 مادرا نی که تاز پرور دگان آنها
 قربانی امیال شیطانی گرگ
 صفتان اهر من خوی شده و دام
 پاکشان به گناهی آلوده شده بود .
 وشو هران تغافل کاری که همسر
 زیبایشان اسیر دیو شهوت رجاله
 گان فرو ما یه شده و شهرت و اعتبار
 شان زایل شده بود ، سر به مخالفت
 برداشتند و حاکم را بنا توائی و غفلت
 متهم ساختند :

مشاهده غم روز افزون اها لی
 و شنیدن اعتراض های ملامت
 آمیز شاکیان ، حاکم را بر آن داشت
 که تدبیری عاجل اندیشد و با
 تمهیدی عاقلانه بر نجش و نارضا
 بی مردم پایان ببخشد و چون
 خویشان را با قلب روف و بخشش
 یشگری که داشت ، مجری این
 قانون نمیدید ، تصمیم گرفت که
 از مسند فرمانروایی برای کوتاه
 زمانه دوری جوید و در غیاب خود
 حاکمی شریف و دادگر که در عین
 حال اجراء کننده دقیق قانون باشد
 به جانشینی خویش برگمارد . پس
 چندی برای طرح اندیشید و سر
 انجام ، دوست و مشاور دیرین
 خویش ((لرد آنژ لو)) را که مردی
 میان سن ، مطلع و کار آزموده بود
 به این مقام تعیین کرد و خود
 از دیوانه خانه دوری گرفت .
 هنوز ما می از دوران حکومت

فرمانروای جدید نگذشته بود که
 فریاد رسوایی و داد خواهی خانواده بی
 بهوا خاست : نجیب زاده ای بنام
 کلادیو که متسوب بخاندان شریف
 و سرشناسی بود دختر جوان و
 پاکدامنی را بفریفت و دام غفلت
 را بگناه بیالود . آنژ لو که منتظر
 چنین فرصتی بود تا قدرت بیکران
 و روش عدالت خواهی خود را به
 چشم جوانان عصیان کار ((وین))
 بکشد بیدار نگ حاکم حیس او را داد
 و چون جرم مسلم و انکار ناپذیر
 بود فرمان اعدام وی را صادر کرد
 صدور این رای ، ولو له ای در شهر
 وین بدیده آورد و هراس عجیبی
 بردل جوانان هوشیار و عاشق
 همیشه شهر افکند . همه به جنب و
 جوش و فعالیت برخاستند تا متهم
 زانوعی از مرگ رها بی بخشند
 اما تلاشها و کوششها به ثمری
 نرسید . حاکم از فرمان خویش
 عدول نکرد و توصیه کسی را برای
 تخفیف مجازات محکوم نپذیرفت .
 درهای امید از هر سو بسته شد
 و روز جزا نزدیک گردید . یاران کلا
 دیو که از هر تشبیتی ما یوس شدند
 سر انجام دست نیاز بدامان
 ((ایزابل)) خواهر خوبچهر کلادیو
 بردند و از او خواستند که خود به
 تنهایی بدیدار حاکم رفته و با قدرت
 جمال و نفوذ کلام خویش از او
 بخواهد که از گناه برادر درگذرد .
 ایزابل در آن هنگام دوره رهبانیت
 را تمام کرده و بتوصیه پدر و مادر
 بدیر میرفت تا در شمار دختران
 تازک دنیا در آید .

دختر زیبا به خاطر نجات برادر
 این ما هوریت خطیر را پذیرفت
 و بسوی دیوانخانه شتافت و
 خویشتن را برابر حاکم رسانید .
 دست نیاز بسویش گشود و بخشش
 یس گناه برادر را طلب کرد . آنژ لو
 که از جمال دل انگیز و قامت آرزو
 پرور او متحیر شده بود و در باطن
 دل بحالش میسوخت گفت : ((دختر من
 افسوس که دیگر کار از کار گذشته
 و راه نجات از هر سو مسدود شده
 است . برادر تو خطای بزرگ و
 بخشش ناپذیر مرتکب شده و به
 جزای این گناه بایستی بمیرد !!))
 ایزابل که وضع را چنین دید نا
 امید و دلشکسته و بادید گناشت
 بار نزد یاران و کسان باز گشت
 همه گرد او را گرفتند و زبان به
 ملامت گشودند که ((چرا با یس
 سهولت با ز گشتی ؟ چرا با وی
 با سرار سخن ترا ندی ! بکنارش باز
 و بدامنش آویز ! آنقدر تمنا کن و
 سر شک سوزان از دیده بیفشان
 تا قلب عاری از شفقتش به حال
 زار تو رحمت آورد !!))
 ایزابل از نوبت ز گشت ، بدامنش
 آویخت و دست تضرع و نیاز بسویش
 دراز کرد :

((از باب مهر با نی ! حاکم عالیقدر
 به حال پریشان ما ترحم کن !
 هیچ لذتی در جهان با لاتر و برتر
 از لذت عفو نیست ! نه سریر
 پادشاهی ، نه شمشیر فرماندهی
 و نه روای حکمرانی ، بقدر ذره ای
 عفو و گذشت ، مسرت در بر ندارند
 او را ببخش و از گناهی که مولود
 آرزو های جوانی بوده در گذر !!))
 حاکم دستی از نوازش بر گیسوان
 پرشکن او کشید : ((ما هر سو ی
 مهر با نی ! گفتم که برای آلام تو
 دیگر در ما نی نیست ! دیگر خیلی
 دیر است و حکم غیر قابل نقض
 است !!)) اما ایزابل از تمنا و خواهش
 آرام ننشست : ((ای حاکم نیکوکار
 اگر تو به جای برادر م بودی ، اگر
 توهم بسا لهای جوانی ، دل به کمند
 ماهرویی میسپردی ، شاید تو هم
 چون او لغزشی در حیات خود
 می داشتی . چه میشد که من قدرت
 بیکران تو میداشتم ، حاکم بودم
 و تو محکوم آنگاه میدیدی که چگونه
 با محکومین سیه روز خویش بمدار
 رفتار می کردم !!)) آنژ لو اندکی
 متأسف شد :

((دختر زیبا ! آنکه برادر ترا
 محکوم به مرگ کرد من نیستم بلکه
 قانون است . اگر او هم متسوب
 من بود ، برادر من بود ، فرزند من
 متأسف شد :

بود ، حکم اعدام ، همچنان که مقرر
 است فردا درباره او اجرا میشد)
 ایزابل با شنیدن این کلمه بخود
 لرزید : ((چه ؟ فردا زهی بی انصافی
 و بی مروتی ! شما اگر گو سفند
 را برای مطبخ خود بخوا هید قربانی
 کنید باین سرعت نمیتوانید گردن
 بزنید ! ای حاکم داد گستر ! یک
 لحظه بیاندیش ، مگر برادر م چا
 جنایتی مو حشی مرتکب شده ؟ کدام
 خون بیگناهی را به خاک ریخته
 خطای او از همان نوع خطا های
 است که صدها و هزاران کسر چهره
 تاکنون کرده و میکنند و کسی
 متعز ضشان نیست !!))
 این سخنان ایزابل دفعتا امیال
 شیطانی حاکم را بر انگیخت . در
 دلش طوفانی از آرزو های ضد
 بیایی در گوشش طنین افکند .
 با وجد و شیفتگی بوی مینگر
 یست : نگاه او ، گریه او ، تمنا
 او ، قامت فتان و سینه هو
 انگیز و به خصوص آن حال تسلیم
 و رضای او ، سخت میل سرکش
 را برای تصاحب جسم این صیقل
 آماده بر انگیخته بود . چند
 سکوت کرد و در اندیشه فرو رفت
 ایزابل که این آرا مش را حمل
 بر رضای او میدانست . لب ازلس
 گشود و از نو سخن آغا ز کرد
 ((دریغ ، من برای این جوا
 واحساس شما پا داشی ندارم
 خداوند از گنجینه بیکران رحمت
 خود شما را پا داش دهد)) آنژ لو
 که در آن دقایق را می عاقلانه برادر
 اجرای مقصود خویش نمی یافت
 گفت :
 ((دختر زیبا ، فردا مجدداً نزد
 بیا تا در این باره بیاندیشم))
 ایزابل مسرور و شادمان باقلد
 آگنده از امید به خانه باز گشت
 و آنژ لورا با افکار شیطانی خویش
 باقی گذاشت . حاکم دلباخته تمام
 شب راتا صبح نیاو مید و با آرزو
 طاعی و روح هو سناک خود جدا
 کرد .
 سرانجام نیروی اهریمنی بر
 سیاه وجدان او فایق آمد و مص
 گردید از این ماهروی اسیر
 طریق که هست کام دل بر گیر
 پس بامداد روز بعد هنگامی که

سراب واهی

وجودم از آتش عشقی لبر یزگردیده که گویی از اعماق قلبم
جرقه های سو زنده یی بر میخیزدوتار و بود و جودم را شعله و رمی
سازد .

گاهی رنگ رگم را هیجان دوست داشتینی فرا میگیرد که مرادر
عالم خلسه ، در و رای رو یافرومی برد ، و من در این دنیا ی خیالی
عقب سرا بی میروم که فریبا ست و فریبنده ، و در دش خوش آیند
است ولدت بخش ...

به الهام از تصور این سرا بفریبگر و واهی در درو نم، در ژرف
دل، موجی از احلام های شیرین از آرزو های عجین شده بادرد ها
ویاس ها و نو میدی ها، گره می شود و عقل به من نپیچد میزند و
فریاد بر می آورد که :

« از این عشق حذر کن، از این گر دا بی که ترا در خود غسرق
خواهد کرد . از این احساس ای که ترا به خفت و خواری در دا م خوا-
هد افکند . از این عشقی که آن راجزی یی از وجودت میپنداری بگذر
و به طاق نسیماتش گذار ...»
از هما علی زوی

بل برای دیدار او آمد ، زبا ن
بجا مله ونوازش و ی گشود و
حالی که متدر جا اورا به آغوش
میخواند تابوسه از لبان لعل
بر گیرد گفت :

ایزابیل زیبا تو دیروز باجمال
آزایت چنان مرا منقلب کردی
نصافی گمان آسمان را بر شمردم
فندی شود که امشب دیر هنگام
فریبانی نگاه من آبی واز قلب رنج دیده
گردید که نیاز مند به نوازش های
بیک بخش تست دلجو یی کنی تا
مچه باداش این محبت برادر ت را بی
مگذارم آزاد کنم!))

ایزابیل که هرگز انتظار شنیدن
های سخنانی را نداشت ، رنگ
سرمه به باخت و در حالی که
می ایستاد را از میان بازوان او به عقب
کشید گفت : ((زهی ناجوانمردی

ایمیل همی ! من برای رهای جان
در دوز خویش به نزد تو در س
ضد آمدم و اکنون می بینم که
چون کبوتری ضعیف بدام

میتگر هیتی قوی گرفتار آمده ام ،
تمنا و تو در باره من به خطا قضاوت
و سره ای ، من هر چند برای جان
سلب خویش از زش قایل باشم
کشتی سرافت و نا موس خویش بیشتر
صیقل بندم . از درون دیر مقدس

لحظاتی تو روی آوردم تا از تویی
رفت اجرای عدالت هستی ، داد -
حاصل می کنم و اکنون می بینم که
از لیس دیوان خانه ، خود کانون جور
گردم و بیداد گری است!))

مردی از لولو که از سخنان عتاب آلود
و مایل سخت بر آشفته بود فریاد
حماسه ((اگر به تقاضای من تسلیم
انزلی می سو گند به شرافتم که حکم
نه برای برادر ت را فی الفور اجرا خواهم
یا فدای)) دختر آشفته سخنش را

که ((چگونه جرات میکنی دم
از دین شرافت زنی ؟ این را بدان که
هر مان آزادی برادر م را هم
با قلم من امضاء نکنی ، بگو شجها -
گشتی خوا هم رساند که تو در ازای
خویش برادر م از من چه می طلبیدی

نه تمام زولو تبسمی زهرا گیتی بر لب
رزو : ((دختر نادان ! چه کسی
جدالتی خام ترا باور خوا هد کرد؟
ت و اعتبار من بحدیست که

دعوی ترا جز یاوه نخواهند پنداد -
شت . بتقاضای من تن در ده و
برادر خویش را از سر نو شست شوم
خود برهان !!)

ایزابیل با دیدگان سر شک آلود
کاخ حاکم را ترک کرد و بدیدار
برادر رفت . زندان بان که خواهر
پزیشانی اورا بدید در سرویس

بگشود . ایزابیل آنجا در کنار برادر
راهبی دید سالخورده و روشن ضمیر
که فروغ پاک و پر هیز گاری از
سیمایش ساطع بود . سر به ند به
وزاری بر داشت که ((ای برادر ،

چرا چنین کردی که وضع و حال
مارا باین روز سیاه انداختی؟))
راهب که در حقیقت همان حاکم
اصلی بود و برای کشف ما و قس
بزندان آمده بود ، خواهر و برادر
راتنها گذاشت . ایزابیل گفت :

((برادر خود را برای مرگی دلیرانه
آماده ساز!)) کلادیو نا امیدانه
پرسید : ((آیا راهی برانجات من
نیست؟))

ایزابیل گفت : ((رهایی تو تنها
از یک طریقی میسر است و آن اینکه
دامان پاک خواهر تو بدست حاکم
ستمکار آلوده شود . آیا تو با این
مذلت و خواری تن در میدی))

کلادیو نا امیدانه پرسید : ((آیا راهی
برانجات من نیست؟))

کلادیو اندیشناک سر فرو افکند
من خود را برای استقبال از تقدیر
شوم خویش آماده ساخته ام و لی
در این سالهای جوانی ، نوشیدن
ساعر شرنگ آلود مرگ ، بس تلخ
و ناگوار است)) ایزابیل دستی از
نوازش بر چهره او کشید :

((برادر ، چاره چیست ؟ اگر
خواهرت تسلیم هوای نفس این
فاجر سنگدل شود ترا خواهد
پخشید ، حال باید ازین دو راه یکی
را بر گزینی ، یا مرگ یا رسوایی
خواهرت را ، کدامیک؟)) کلادیو

اورا به آغوش گرفت : ((خواهر!
من نمی خواهم ونمی توانم در جوانی
به ظلمت مرگ پناه برم . مرا ازین
ورطه هولناک رهای بده .

گناهی که تو به خاطر نجات
برادر ت مرتکب می شوی گناه
نیست ، خفت نیست)) ایزابیل
سخنش را برید .

((ای بزدل بی ایمان ای گناه
کار و امانده ! چگونه حاضریتن
باین خواری در دهی ؟ چگونهراضی
میشوی خواهرت کام زهر آگین
مرد دیو صفتی را شیرین کند تا تو
چند صبا حی بیشتر در این جهان
آلوده زندگی کنی؟))

کلادیو نا امیدانه پرسید : ((آیا راهی
برانجات من نیست؟))

کلادیو نا امیدانه پرسید : ((آیا راهی
برانجات من نیست؟))

فریاد های آمیخته بازار ی او باورود
راهب قطع شد . پیر رو شنید لودو
خواهر و برادر را در کنار خود
نشانند و آنگاه روی به ایزابیل کرد
و گفت : ((ای دختر پاکدامن من
سخنان شمارا از پشت در شنیدم
این طهارت و تقوای تو شایان
تقدیر است ، اما بایستی راهعالم
قلانه اندیشید . من برای حل این
مشکل ، طریقه ای به نظر م رسیده
است که اگر آنرا دنبال کنید شاید
ثمری نیکو به بار آورد . این حاکم
گناهکار را همسری است بنا م
(ماریانا)) . او خواهر فرزند یک
ناخدای دلیر است که چند ی قبل
کشتی او بدست امواج سهمگین
گرفتار آمد و با خودی بر ژرفای
اقیانوس جای گرفت . در این
کشتی کلیه جهیزه های ما را قرار داشت
که در این سانحه از میان رفت .
آنزلو پس از این حادثه المنساک ،
نه تنها بهمسر خود تفقدی نکرد ،
بلکه اورا از خویشتن براند و لطف
زندگانی را بیکباره برویش ببست
اینک سالی میگذرد که بین ایندو
متر که بر قرار است . اکنون فر-
صتی بس نیکوست که تو نزد
آنزلو رفته ، بوی اطلاع دهی که
حاضری برای نجات برادر خویش
به تمنا ی ناجوا نمردانه او تن دهی
و آنگاه در پنهانی ، ما را یانا راضی
کنی که شبانگاه به جای تو به بستر
حاکم پای گذارد .))

ایزابیل از این راهنمایی را هب
مشغول شد . بیدرتک بدیدار
یانا رفت و ماجرا را با او در میان
گذاشت . آنگاه بقصر باز آمد و
رضایت خود را برای تسلیم و تقو-
یض ، بحاکم باز گفت : حکمران
سیاهدل که سر انجام پرنده تیز
بال آرزو را در قفس آهنین قدرت
خویش اسیر میداند از شوق و
مسرت سر از پای نمی شناخت ، در
عین حال برای آنکه قانون رانیز
محکوم شمارد و از فرمان خویش
عدول نکند ، هماندم فرمان داد
که زندانی را به هنگام شب گردن
زنند و بدوران این هیاهو و غوغا
خاتمه بخشند .

بقیه آنرا در شماره آینده بخوانید

بقیه آنرا در شماره آینده بخوانید

بقیه آنرا در شماره آینده بخوانید

بقیه آنرا در شماره آینده بخوانید

بقیه آنرا در شماره آینده بخوانید

بقیه آنرا در شماره آینده بخوانید

زمیان فرستاده های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

جوابها

به نامه های شما

سلام علیکم دوستان و علاقمندان

عزیز :
به دعای سلامتی و صحتمندی شما به پاسخ نامه ها می آغازیم :
دوست عزیز محمد ظا هر ایو بی
سلام و صلوات ما هم بیشکش تان . چه بجا انگشت انتقاد گذاشته اید که سخت دلپذیر است . چه میتوان گفت ؟

سخن از کجا شروع کنیم ؟ از مشکل مطبوعه . اما بگذارید که خوانندگان عزیز ما از مطلب پر نوس و نیش شما آگاهی یابند ، و نامه هوایی را که در میان پاکت عادی جایجا کرده اید بخوانند :

((بعد از عرض سلام های زیاد و بیکران ، نمیدانم از فاصله های دور یا نزدیک ، خواستار صحت و سلامتی و خوشوقتی شما دوستانم . ای کارکنان ژوندون ! تعجب نکنید که چرا با پست هوایی و آنهم نامه که به خارج می رود برای پتان نامه میفرستم ، زیرا به من خبر دادند که ژوندون برای هوا خوری و گردش به خارج کشور سفر کرده و چون مدت یکماه و پانزده روز میشود که از ژوندون خبری نیست من یقیناً دانستم که جلالتماب ژوندون به سفر دور و دراز رفته است .

ژوندون جان قند ! هر جای که باشی آرزوی ما خوشی و آرامی توست ، اما گاه گاهی احوال ما را هم بپرس و از دوستانت خبر گیر . در مدت سفر تو به خارج مانده احوال از تو داریم و نه نامه از تو بدست ما رسیده . ما از غم تو کم است که دیوانه و سرگشته شویم . هر روز به میدان هوایی ، به غرقطاسیه میرویم و از ایشان می پرسیم که ژوندون نیامده ؟ جواب ما یوس کننده می شنویم و با چشمان پر اشک باز پس به خانه میگردیم .
ژوندون جان !

خدا نخواست ، خدا نخواسته ، خدا نخواست ، خدا نخواسته ، ویا در طرب و شادی خود غرق هستی و مازا فراموش کرده ای .

اگر تو از نزد ما قهر کنی بدان که ما خود را در چاه چهل متره خوایم فرو انداخت .
ژوندون جان شیرین !

التماس میکنم ، این سفر دور و دراز را پاپایان بده و بی احوال دوستانت را که در سرحد دیوانگی از غمت به سر می برند بگیر و علاج غم های ایشان را بنما و لطفاً بعد از این حد اقل هفته یکبار اگر به سراغ دوستانت رسیده نمی توانی کم از کم چارده روز بعد ، سری به سوی علاقمندان و آشنا یانت بزن و دل های غم دیده ورنجور آنها را مرهم گذار شو و به آنها خوشی از دست رفته را باز ده . باز هم میگویم و تکرار میکنم و هوشدار میدهم که اگر تو چند روز دیگر هم به این سفر بیپوده ات ادا مدهی یک دوست تو زنده نخواهند ماند .
به امید دیدار های همیشگی -
خدا حافظ !!

ژوندون
از من خبر گرفته اید ممنونم ، توان و جالی ندارم . به جان شیرینم قسم که زنده گیم سخت میگذرد شما از خوش گذرانیم گفتید ، گویا که بار و بنه را بسته ام به خارج سفر کرده ام ، نه اینگونه نیست . هیچگاه قبل از سفر زمینی ، سفر هوایی نداشته ام . من همیشه در سفرم اما سیر و سفرم محدود بوده است . موقعیکه در سفر زمینی هستم پیرامونم را می شناسم و لی آنگاه که به پرواز می افتم همه خوانندگانم را یکسان نمی شناسم ، یکی را بیش می شناسم و دیگری را کمتر آنها بستگی به خود آن شخص دارد . گفتم همیشه در سفرم مقدمات کار

ویزه و با سپوز تم را همان کسان می دهند که بنا خودم ، به اضافه چند کلمه دیگر یاد میشوند . اینها اصلاً استخوان بند می باشند و می دهند و توجه میکنند که هفته وار ویزه بگیرم و سفر فضایی خود را بیا غازم ، ولی این دوستانم گاه گاهی موفق نمیگردند و با ید هم نگردند زیرا انجام آن کارها در حدود صلاحیت این عزیزانم نیست و این کارها را با ید کس دیگری بفهمد . اینان که بنام یاد میشوند واز ویزه بگیرم ، اما آنجایی که می روم آنها در سفر هفته وار و ماه توجه نمی کنند و هفته وار و ماه هوار را یکی میدانند . در آنجا که میروم بسیار کسان می اند که با آنها آشنایی دارم و آنان هم پی همین کار آمده اند . دوستان و آشنایان دیرینه ام را میگویم ، شما بدبشنام سیدش ، هنر ، کسپول ، آواز ، باستان شناسی ، کتاب و ... بسا این دوستان خوب همه بدبشنام برای ویزه گرفتن میرویم . نخست چند روزی در کنار ماشین های حرف ریزان معطل میسویم . از حرف ریزان که کارم خلاص شد به شعبه صفحه بست میایم و اینجا آرایش می کنند و آنگاه در زیر ماشین چاپ ، آرایش را جدا و روغن میزنند و انگهی به صحافی میبرند و گوشه و کنارم را پیراسته میدارند و جامه ام را می دوزند هنوز سفر زمینیم ختم نگردیده که برای ویزه گرفتن نهایی به وزارت اطلاعات و کلتور روا نه میگردم و این ویزه گرفتن ها ، هر کداهم روزی چند را میگیرد . من حیات جدا از شما دارم . شما شاید خوش باشید که روزها زندگی تما یید اما از عمر شریف تان فقط یک روز کا هش یافته باشد ولی من چنین نیستم ، می

شروع اگر یکماه از عمرم با باز هم هفته وار با شم میخوانم روز زنده گیم فقط هفت روز با یک روز عمرم هفت روز . از سبب است که میگویم زنده گیم میگذرد و توان و جالی ندارم . سرت سوگند ظاهراً هر جان یکله هم خوش نیستم که بعد از هفت شما را خبر بگیرم ، افسوسم حالا بعد از پانزده روز احوال را میگیریم . گناه اگر از من است به من بگویند . من شرح کار به شما یک به یک گفتم و دیگر چه از قدرت من ساخته نیست . خودم کارهای چا بخانه راهم کردم . لعنت به این تخصص که این را هم از من گرفته اند اینگونه سفر زمینی در چابا به پایان میرسد و سفر هوایی با توزیع خودم آغاز می یابد و دوست عزیز عبدالقهار اما ن همکار ارجمند چنین مینگارند ((چند ی قبل سه قطعه شعری چاپ به مجله ارسال داشتم که شماره ۲۵-۲۶ به نسبت اشتباه انتقاد قرار گرفته و بر علاوه در کلمات غلط فحش صورت گرفت بود درباره مفهوم شعری اش نیز بادر نظر داشت اشتباه تبصره نیز بعمل آمده بود . بنسب مسوولین ، محترم اداره خواهش تا صورت اصلی شعرم را باره به چاپ رسانند .
ناگفته نماند که غلطی های دره اول بیت اول غزلیکه ((آدم صند گیر و مسلمان نپذیرم)) شریف میشد که ((کفر)) بجای ((گم)) افتاده بود و در مصرع دوم غزل به جای «حین» ، «چنین» چاپ رسیده بود . بر علاوه در غزل دیگر یکه با بیت ((میروی روی ایدوست دگر بار نیایی)) شریف می شد ، بجای ((رو)) در بیت

بخست ((و)) و به جای ((دگر بار))
 در کسر با ز و در همین
 نزل به جای « نیک بیندیش»
 (نیک پسندش) چاپ گردیده
 بود. امیدوارم توجه نماید. باید
 یاد آور گردم که اگر چه به اصول
 شعر و شاعری آنقدر دستیابی
 ندارم ولی با آنهم از نگاه دستور
 زبان اینقدر میدانم که گهر در کجا
 نوشته شود و یا کفر در کجا ذکر
 گردد و یا اینکه حین در چه مورد و
 چنین در چه مورد استعمال شود))
 از دوست عزیز تشکر میکنم که ما
 را متوجه اشتباه ما ساخت اما این
 نکته گفتنی است وقتیکه نامه به
 خواننده مینویسیم بار دیگر آنرا
 بخوانید تا حرف و کلمه بی از قلم
 نیفتاده باشد و نامه عکس معنای
 مطلوب را توجیه نکند. این گناه
 را بر ما نگیرید که غلط تبصره
 کرده ایم.

آنچه میگویم بر اساس و بنیاد
 همان نامه است، هر چه هست از
 نامه برخاسته است نه اینکه ((چنین))
 را حین بخوانیم با آنکه در ستش در
 آن شعر حین باشد بهر حال، عذر
 میخواهیم که چنین اشتباهی از
 قلم ما تراوش کرده است و لی از
 مایه شما نصیحت که نوشته تا ترا
 خوانا و روشن بنویسیم تا دال به
 جای ذال نه نشیند و باران خشم
 شما بر ما نبارد. توفیق همکار عزیز
 را میخواهیم و دعا میکنیم این
 اشعار شما که به نشر دو باره می
 رسد از غلط چاپی بر کنا ر باشد

آدم صفتم گبر و مسلما نپذیرم
 انسانم و جز خصلت انسان نپذیرم
 در محکمه باطل و حق حین قضاوت
 بر خویشتم، لعنت وجدان نپذیرم
 من از دل دریای جبین در یکف آرم
 همت بودم منت باران نپذیرم
 هنگام اجل گریه هد آب حیاتم
 نیم نفس از خضر هم احسان نپذیرم
 در کنج قناعت بدم جان زکف اما
 بار کرم خوان کریمان نپذیرم

میروی مگر ایدو ست دگر باز نیایی
 باردیگر به سراغ من بیمار نیایی
 فکر باز آمدن خویش بسویم نمای
 مان اگر آمدی اینگونه دل آزار نیایی
 دل نه باز یچه بود نیک بیندیش دگر بار
 با چنین شیوهی ناخواسته هشتاد نیایی

تا که واقف نشدی از دل پروانه و بلبل
 میل گلشن نکنی جانب گلزار نیایی
 در دیار یکه محبت بود آیین قدیمش
 آمدی نیک بیا، رند تبهار نیایی
دوست عزیز اسدالله مفتون
محصل پوهنچی فارسی
 سلام همکار عزیز: ((نیلو فرامید))
 را خواندیم و برای چاپ به
 متصدی صفحه بی ((از میان بر-
 گزیده ها ۰۰۰))

حوالت کردیم. اشعار دیگری
 بفرستید. توفیق یار تان.
دوست عزیز محمد کاظم امینی
متعلم صنف دوازدهم لیسه ابو عبید
جوز جانی فاریاب
 همکار خوب ما مینگارد: ((سلام
 واحترامات قلبی خویش را که از
 زرفای قلم منشاء میگیرد به کار
 کنان و کارگران مجله زیبای
 ژوندون تقدیم می نمایم.

اولا از نشر غزلیات خود که
 در ج صفحه ی مجله شده بود مراتب
 سپاسگزاری خود را ابراز میکنم
 گرچه اشعار من شایستگی نشر
 در صفحه متذکره را نداشته ولی
 باز هم این حسن نظر شما رفقای
 عزیز بود که در حق بنده رواداشته
 اید.

تا نیا خوشو قتم که مرا به حیت
 یک همکار قلمی مجله پذیرفته اید
 و مرا مفتخر فرموده اید.
 ثالثا به سلسله ادا مة همکاری
 خود دوبار چه دیگر از غزلیات خود
 را بنام های ((آزادی)) و ((شور
 عشق)) فرستادم. امید که شما هم

ببسندید و بارعایت نوبت بدست
 نشر بسپارید... به امید عرضه
 بهترین و رنگین ترین مجلات شما
 لطف می نماید و گرنه کاری نکرده
 ایم. نوشته و شعر خوب خود تان
 بود که شایستگی چاپ را داشت.
 و اینک شعر دیگر تانرا بخوانید
 آندگوش را در صفحه ((از میان
 برگزیده ها ۰۰۰)) در یکی از شماره
 های بعدی مطالعه فرمایید.

شور عشقم ترانه رامانم
 تار نا لان چغانه را مانم
 ساز من بی بیان حرمان است
 خود زهجران فسانه را مانم
 بسکه آواره ام به شهر شما
 ((مرغ بی آشیانه رامانم))

آید هر لحظه موج حسرت و غم
 بحر عشق زمانه رامانم
 دل من داغ، داغ حسرت اوست
 لاله داغ لانه رامانم
 هیچ طبعی زمن نشد شادان
 شیوه ظالمانه رامانم
 کفتمش در سخن که را ما نی
 گفت رنگین ترانه رامانم
 حاصل از عمر من نه باشد هیچ
 گمراهی بی نشانه رامانم
 در قفس کرد و ناله ام نشنید
 ((صید بی آب و دانه رامانم))
 راه خیرت بد هر می پویم
 من ((امین)) زمانه رامانم

دوست عزیز ظاهر احمد محصل
صنف اول پوهنچی حقوق
 همکار ارجمند ما مطلبی فرستاده
 اند به توصیف و بزرگداشت مقام
 کارگر.
 بخوانید: ((... توای کارگرا
 یکپارچه آتش پنهانی، به تو ای
 کارگر زحمتکش، ای نیروی خلاق
 تاریخ، به توای کسیکه بازوی
 توانایت وجود آورنده این همه
 شکوه و عظمت عصر ما است.
 به توای پرو لتر زنجیر شکن،
 به توای موج متحرک پیشرو، ای
 سیلاب ویرا نگر کاخ های ظلم
 و ستم، توجها ن رابلرزه افکنده ی
 و تاریخ را دگرگون ساختی.
 به توای موج پیشرو نده تاریخ
 مایه نیروی توان و خلاق تو باور
 داریم، مایه قدرت شما اتکاء داریم
 و عظمت و بزرگی تانرا با س می
 گذاریم...)) به امید همکاری های
 دیگر تان.

دوست عزیز شکیلا نعیمی فارغ-
التحصیل لیسه عایشه درانی
 سلام میگویم و امیدوارم که نا
 امید نباشید. ناامیدی از برای چه
 چرا ناامید باشید. بازندگی بستیز
 بدو امیدوارانه به آن نگاه کنید و
 از مشکلات نهرا سید، زندگی
 همین شیرینی و تلخی را با هم
 دارد. مطالب خوب شما را گرفتیم
 اینک بخوانید: ((سخن گفتن
 یک نوع احتیاج است و لی گوش
 دادن هنر است.
 گوته
 * خاموشی بهتر از پرگویی
 است.

افلاطون

* هیچ میراثی گرانبها تر از
 راستی و دوستی نیست.
 ویلیام شکسپیر
 * کم دانستن و پر گفتن ما نند
 پول نداشتن و زیاد خرج کردن است
 ناپلیون
 * گل بی آفتاب نمی شکفتد و
 سعادت بدون عشق بوجود نمی
 آید. ما کسیم گورکی
و اینهم سخن از عشق وزن:

* زناشو بی عبار تست از سه
 هفته آشنا بی، سه ماه عاشقی،
 سه سال جنگ و سی سال تحمل.
 * عشق ها بی که از هو س
 سرچشمه میگیرد از میان میروود ولی
 عشق هایی که سر چشمه اش عقل
 باشد همیشه باقیست.
 * زوی دروازه قلبم چنین نوشتم:
 ((عبور ممنوع)) ولی عشق خنده
 کنان وارد شد و گفت:

((من همه جا داخل میشوم))
 * در قضا یای عشق فا صله
 میان پاکی و خطا فقط یک بو سه
 است.
 * سکوت بهترین زینست زن
 است.
 * زن سخنران اسرار خلقت
 است.

* زن فرشته بی است که در ایام
 طفولیت پرستار ما و در دوران
 جوانی کام بخش ما و در روزگار
 پیری تسلیت ده ما است.
 و لازم به گفتن است که ما به همکاری
 های پرثمر شما نیاز مندیم. شما
 از همکاران خوب ما خواهید بود،
 مطمئن باشید. تقاضای شما مورد
 قبول است، میتوانید مطالب
 انتخابی خویش را برای ما بفرستید
 و دیگر از ناامیدی حرف و سخنی
 نزنید.



رسم و رواج های...

دختر راتبیه نموده و بد سترس خسر خیل میگذارد بر علاوه با ید مقدار کافی مواد غذایی برای اقارب و ولس خود نیز فراهم نماید. بعضی اوقات که دختر و پسر در یک قریه زندگی داشته باشند فامیل داماد و دختر بهم موافقه کرده و از مهمانان به صورت مشترک در یک جایند. برایی مینمایند. در حالت توانایی داماد یک دسته موسیقی نوازان نیز استخدام میگردند و اکثریت مهمانان جهت گرم شدن مجلس در رقص و آتن سهیم میشوند در ختم مراسم عروسی عقد نکاح صورت میگیرد. در نکاح از جانب دختر پدر یا ماما یا کاکا و در غیر آن یکنفر از موسفیدان این اقاربش به حیث وکیل انتخاب میشود این شخص صلاحیت قبول و یارد ایجاب پسر را از جانب دختر کاملاً داراست.

ملا راجع به وکالت او دو نفر مرد یا چهار نفر زن رابه حیث شاهد میخوانند در شهادت دو نفر زن معادل یک نفر مرد قبول میشوند اما شادی زن کمتر رواج دارد. حینیکه شادان از زبان دختر راجع به وکیل و کالت شهادت دادند وکیل اختیار نفس دختر را کسب میکند تا او را به جوانی که مطالبه کرده است بدهد.

در عقد نکاح نیز اراده خان دخیل ست داماد قبلاً باید گوسفند یا بره را تحت عنوان کبابی به خان داده باشد در غیر آن خان به ملا عاقد نکاح اجازه عقد را نمیدهد و ملا در عدم رضائیت خان به عقد نکاح اقدام نمیکند قرار اظهار مرد م تا حوالی ۱۹۶۸ در مناطقی فوق گرفتن نکاح خط مروج نبود و نکاح با - اجازه خان عقد میگردید اکنون در پهلوی اجازه خان نکاح خط هم مروج شده است و اجابت با حق و مهر دختر در نکاح خط درج میگردد.

در ختم مراسم عروسی داماد به خانه عروس برده میشود (بر خلاف در دیگر مناطق کشور عروس به خانه داماد برده میشود) و داماد برای سه روز در آنجا میماند بعد از آن یک تعداد از خویشاوندان داماد آمده داماد و عروس را با تشریفات خاص به خانه داماد میبرند.

در بعضی حصص دیگر این - حوزه مانند رود بار - خواجه علی - لندی - پلاک و غیره در ختم مراسم عروسی برای داماد و عروس از طرف فامیل عروس در نزدیک خانه شان خیمه برافراشته میشود که عروس و داماد برای سه شب و روز در آن زندگی میکنند سپس داماد و عروس و مادرش با داماد به خانه او رفته و مادر دختر برای یکی دو ماه همراهی دختر خود میمانند در همین جا مراسم عروسی به پایان میرسد و مرحله دیگری از زندگی زن و مرد آغاز میگردد.

با وصف نارسایی های زیاد که درین شیوه از دواج به ملاحظه میرسد بعضی نکات در خورتوجه نیز در آن موجود است. مصارف زیاد و کمر شکن عروسی زمینیه تعدد از دواج را خالصتاً در طبقه متوسط و پایین این جمعیت از بین برده و اما سطح طلاق رابه کلی پایین نگه داشته است.

علاوه بر آن چون دختر و پسر بلوغ در امر ازدواج نقش قاطع ندارند مسئولیت مناسقات بعدی زنانشو هر ی را بر دوش اشخاصی میگذارند که در ازدواج شان وساطت نموده اند و با اینصورت رفع منازعه میکنند.

بعد از تشکیل خانواده مسئولیت های درون خانه بر دوش زن نهاد گذاشته میشود زنان بلوغ در زندگی روز مره وظایف گوناگون به عهده دارند تأمین نظافت خانواده تنظیم امور منزل - پخت و پز غذا را ایشان بدمه دارند اکثر زننها در صورت موجودیت همزم و چوب در اطراف نزدیک محل زندگی شان به جمع آوری مواد محروقاتی مورد ضرورت نیز میبرند - نگهبانی و تربیه حیوانات - تهیه علف برای آنها از مزارع نزدیک بر دوش زن ها است. دوختن و شستن لباس اعضای فامیل از وظیفه زننها بشمار میرود تربیه اولاد و تأمین نظافت آنها هم از مسئولیت های زن است نگهبانی و تربیه و چوپا گیری چند قطعه مرغ و فیل مرغ قسمت دیگری از مسئولیت های زنان بلوغ را تشکیل میدهد. در صورت مو -

جودیت پشم به بافتن گلم - دستر - خوان و ندر تا قالین و غیره پارچه های پشمی طرف ضرورت فامیل هم میبرند از آن علاوه از وظایف فوق در آئین فصل نیز باشو هر خویش در وظایف زراعتی بیرون از خانه حتی الو سع سهیم میگیرند. در شستن لباس بعود صابون ازبته (شود) کار میگیرند. این - بته در ریگزار های این منطقه روئیده و تقریباً هفتاد و پنج سانتی متر بلند میشود گل این بته شیسر چایی و برک آن سبز است زننها گل و برگ این بته را جمع آوری کرده در جلمت (کنده ی خمچه بی) در زیر کاه برای دو تا چهار هفته میگذارند تا گنده شده و رنگ آن از سبزی به سیاه می تبدیل شود هنوز این مواد مرطوب میباشد که با دست آنرا کلو له میکنند و ازین کلو له ها که

در حدود یکصد و پنجاه گرام وزن دارد یکی را تقریباً در ده لیتر آب میاندازند رنگ آب تغییر نموده زرد میگردد با آب مذکور کال را میشویند در شستن سرو صورت خود بعضی آنها نیز از آن استفاده مینمایند. بعد از سقوط آسیا ر های بادی در سیستان تا این اواخر که آسیا بهای دیزلی رایج گردید آرد مورد ضرورت فامیل را نیز زننها با دستا ز های دستی تهیه مینمودند برای اجرای این کار بعضی از زنان دیگر دعوت می آورند که این رسم شان را بلسان بلوچ آرز و کوه میگفتند و هنوز هم اصلاح مذکور در مورد پشم ریشی و پاک کردن گندم خورا که بین زنان بلوچ معمول است.

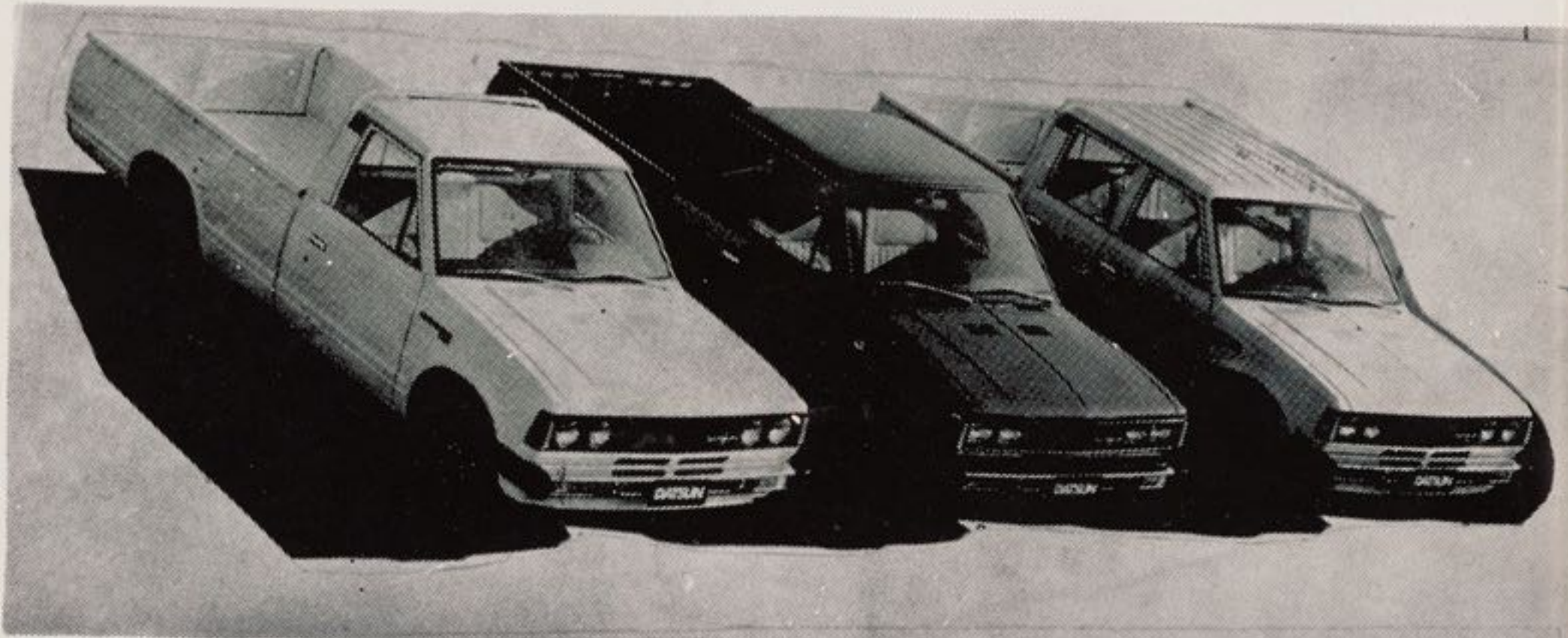
۴۴۴ دارد

درخشش ادب دری...

دند و امر معاش رابه اتکالی سخا کرم آنان قرار میدادند. و چنانچه ازین رهگذر زندگی خانواده راتمام کرده اند به همین علت بسیاری از قصیده سرایان مانند عنصری فرخی، خاقانی، انوری و ظهیر فریابی و امثال اینها که از بزرگترین سخنوران زبان خویش به حساب می آمدند آثار شان از نگاه فوراً محتوا صبغه جهانی نداشته در علایق و بیوند های جغرافیایی محدود می مانند سخن ورا ن حماسی چون فردوسی یا از غزل سرایان مانند حافظ یا از گویندگان اشعار اخلاقی حکمت آموز مانند سعدی و ناصر خسرو یا از سرایندگان شعار عرفانی مانی مانند عطار و جلال الدین بلخی یا از هجو نو یسان مانند عبید زاکانی یا از شعرای دقیق نظر چون خیام سخن به میان آید خوانندگان اینگونه آثار هر یک از این گویندگان به موقف فرزندان شان رسایی و توانایی بزرگی قابل می گردند زیرا افکار عالی اندیشه های آنان در پی گران جهان به دل ها می آمیزد و جاودانه در اندیشه ها نقش می بندد.

علوم زبان بار آورده بود. و اکثراً از ایشان گاهی بسان ظهیر و ناصر خسرو در باب مسایل علمی و غیر ادبی رساله های تالیفی کردند. در قرن ششم که اوضاع شعری و ادبی آن مطرح بحث است موضوع اشعار را بدرجه اول مدح هجو و موضوع بعدی را داستان و قصه و مسایل عرفانی و عشقی و حکمت احتوا میکنند. بد بینی و یاس که معلول آشفتگی اوضاع و حوادث سیاسی و ستیزه جو بیها ست غالباً در اشعار این دوره سایه افکنده و تجلی این گونه یاس و بدبینی ها ناشی از عوامل زمان بانواع گو ناگون در شعر منعکس شده است. و شاعرانی که مانند سنایی ظهیر و خاقانی پایه انزوا و گوشه نشینی نهادند و این مساله را که بیشتر شعرای متقدم قسمت بزرگی از قریحه و استعداد ذاتی خود را مصرف قصابید و مادیج میگردند. بیرون از انگیزه ها و علل و عوامل درونی جامعه شناخته نمیتوانیم و این یک حقیقت مسلم است که اکثر آنان شعرای دربار بودند و برای عامه مردم شعر می گفتند اشعاری در ستایش و ثنای ممدوح میسرودند.

نیسان / داتسون



مساعد هر نوع بار - موتر دلخواه همه

بقیه صفحه ۳۵

فدراسیون ...

فرانسه به حیث اولین رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان برگزیده شد. او حیات خویش را وقف سعادت زنان، مبارزه به خاطر آینده مسعود کودکان نمود، - او میری کلا دویان شخصیت محبوب ((حزب کمونسست فرانسه عضو فعال جنبش مقاومت ضد فاشیستی که در شکنجه گاههای آشویتس و رادنسورک مدتها محبوس بود به حیث متکثر تر جنرال فدراسیون انتخاب گردید.

باقیدارد

می و مسلکی ایجاد شبکه های برای اطفال قبل از سنین به طور خستگی ناپذیر مبارزه به تاریخ اول دسامبر سال ۱۹۵۰ در آخرین روز گارکنگره سازمان فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان به اتفاق آراء سوئیس گردید. او ژنی کوتون شخصیت و فزیکدان، شخصیت خسته جنبش مقاومت ضدفاشیستی، چهره شناخته شده جامعه

بقیه صفحه ۱۳

آیامعیو بیت...

ازین طریق تبادل اطلاعات موثر بین المللی و تشویق اصلاح قوانین ملی و انعقاد مجالس تخنیکی بین المللی و کانگرس های جهانی را انسجام و کمک نموده و کمکی تخنیکی را در راه توفیق پروژه ها رو براه نماید.

موسسات غیر دولتی و اطفال آیامعیو

احیای مجدد بین المللی یک عضو فعال کمیته موسسات غیر دولتی و عضو کمیته فرعی اطفال معیوب یونیسف میباشد. با این موقوف اعضای احیای مجدد بین المللی یک رول عمده در جهت تفهیم بین -

المللی معضلات اطفال معیوب و طرح ستراتژی های جدید به منظور کمک و قایه و احیای مجدد معیوبیت های دوره طفولیت با یونیسف کمک میکند.

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
 معاون : محمد زمان نیکرای
 آمر چاپ علی محمد عثمان زاده
 آدرس : انصاوی واپ جوار ریاست مطابع دولتی - کابل
 تلیفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹
 تلیفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹
 سوچورد مطابع دولتی ۲۶۸۵۱
 تلیفون ارتباطی ژوندون ۲۱

مطبعه دولتی



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**